

پیشران‌های تحول

ابعاد تحول آفرینی

دردروس معارف اسلامی در دانشگاه‌ها

مجربان تحول و توجه به گروه‌های رقیب

مانیتورینگ دروس معارف اسلامی

نکاتی درباره «متن، استاد و برنامه»

به عنوان محورهای تحول دروس معارف اسلامی

درآمدی برپایسته‌های تدریس تحول محور

دردروس معارف اسلامی

کارکردهای فضای مجازی

در تحقق اهداف اخلاق دروس معارف اسلامی

نیازها و حیطة‌های تحول

دردروس معارف اسلامی دانشگاه‌ها

تأملی در محتوا و رویکردهای ارائه درس تاریخ اسلام

سرفصل‌های آینده دروس معارف اسلامی

نکاتی برای طرح درس جدید

تازه‌های کتاب معارف

با آثاری از:

دکتر ابوالفضل خوشی

دکتر رضا ابروش

دکتر محمد حسین دانشکیا

دکتر حسن پناهی آزاد

دکتر حسینعلی رحمتی

دکتر حسین مطیع

دکتر محمد جواد فلاح

دکتر امیر محسن عرفان

حجت‌الاسلام اکبر فرحزادی

... و

تأملی در

## بازخوانی و بازنگاری دروس معارف اسلامی

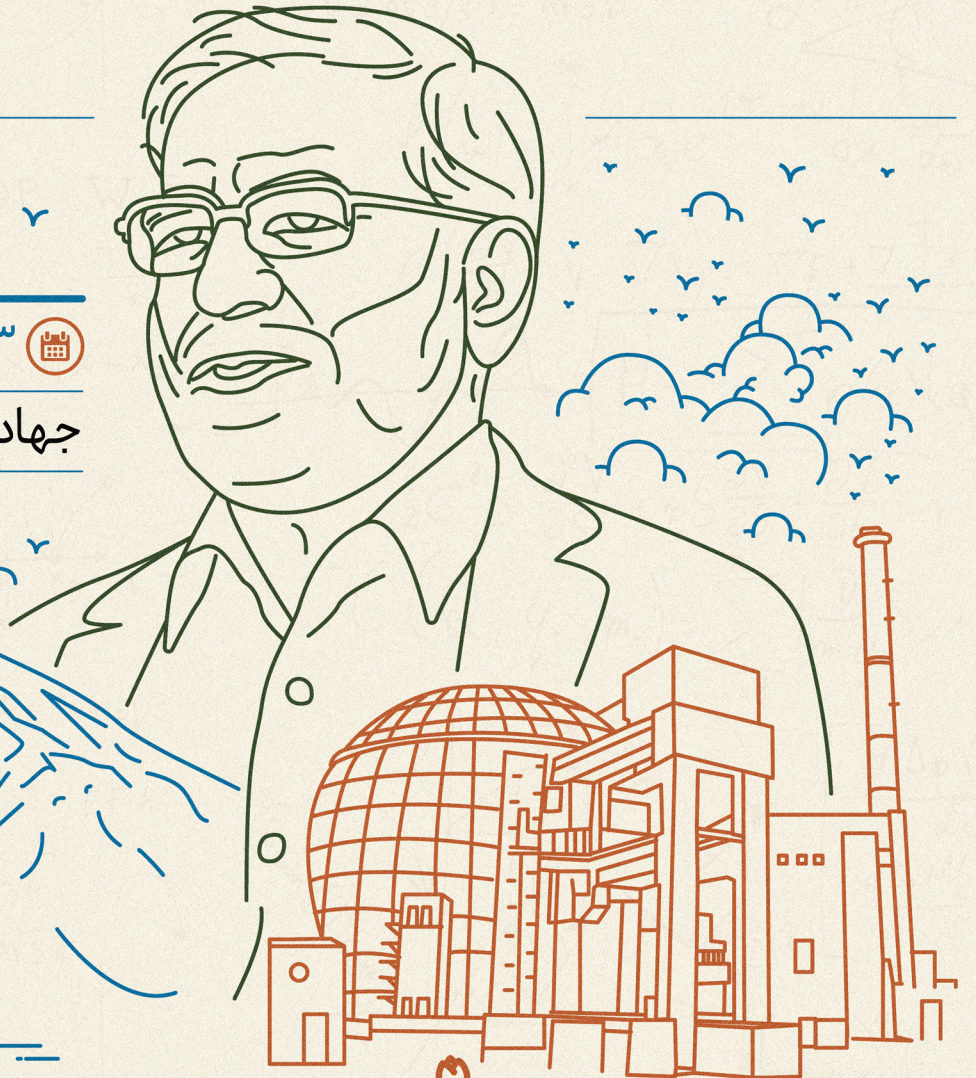


شهید دکتر

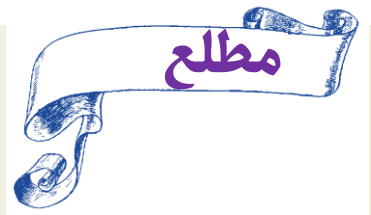
محسن فخری زاده

۱۳۹۹/۹/۷ سال ۶۳

جهاد در دانش هسته‌ای و دفاعی



علم و استقامت



# آشنایی با دانشمندان شهید و اهداف استکبار از ترور آنها

تروریسم دولتی با همکاری سرویس‌های جاسوسی سیا و موساد در چند سال اخیر دست به ترور دانشمندان هسته‌ای جمهوری اسلامی زده است. ابعاد این ترورها و ویژگی شاخص دانشمندان شهید بر اساس بیانات رهبرانقلاب در این اطلاع‌نگاشت مرور شده است.



شهید دکتر  
**مجید شریاری**

۱۳۸۹/۹/۸ ۴۴ سال

• تلاش بسیجی وارد علم



شهید دکتر  
**مسعود علی محمدی**

۱۳۸۸/۱۰/۲۲ ۵۰ سال

• شهادت در راه آرمان‌های الهی



شهید  
**مصطفی احمدی روشن**

۱۳۹۰/۱۰/۲۱ ۳۲ سال

• تبلور معنویت در کنار کار علمی



شهید  
**داریوش رضایی نژاد**

۱۳۹۰/۰۵/۰۱ ۳۵ سال

• شجاعت در جهاد علمی



## موضع ما

ادامه دادن راه پیشرفت علمی کشور

۹۰/۱۰/۲۲

مجازات قطعی عاملان و آمران جنایت

۹۹/۹/۸



## روش دشمن

استفاده از ابزار ترور برای رسیدن به اهداف سیاسی خود

۹۰/۴/۳

جرأت اعتراف نداشتن عاملان و طراحان ترورهای بزدلانه

۹۰/۱۰/۲۲



## آثار شهادت

آبروخشیدن به انقلاب اسلامی و محیط علمی

۸۹/۱۱/۴

رونق یافتن رشد علمی با همت جوانان مؤمن و غیور

۹۰/۱۰/۲۲



## هدف دشمنان

ضربه زدن به حرکت علمی کشور با ترساندن و حذف دانشمندان

۹۰/۵/۱۵

جلوگیری از الگوشدن ایران پیشرفته برای مسلمانان جهان

۸۹/۱۱/۲۷



**صاحب امتیاز:** نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها  
**معاونت آموزشی و پژوهشی استادان و دروس معارف اسلامی**  
**مدیر مسئول:** نیکزاد عیسی زاده  
**سردبیر:** سیدمجتبی مجاهدیان  
**معاون سردبیر و مدیر اجرایی:** سید مهدی میرمسیب  
**اعضای هیئت تحریریه:** حجج اسلام محمد امراللهی، اکبر فرحزادی، دکتر عبدالله حاجی علی، و آقایان دکتر محمد حسین دانش کیا، دکتر محمد جواد فلاح و دکتر علیرضا کمالی  
**امور رایانه، سایت، عکس، طراح گرافیک و صفحه آرا:** حجت شعبانی

## فهرست

پیشران‌های تحول ..... ۳

**دکتر رضا ابروش**

**ابعاد تحول آفرینی**

در دروس معارف اسلامی در دانشگاه‌ها..... ۷

**دکتر محمد جواد فلاح**

مجریان تحول و توجه به گروه‌های رقیب..... ۱۲

**دکتر رضا ابروش**

مانیتورینگ دروس معارف اسلامی..... ۱۶

**دکتر ابوالفضل خوشی**

**نکاتی درباره «متن، استاد و برنامه»**

به عنوان محورهای تحول دروس معارف اسلامی..... ۲۱

**دکتر حسن پناهی آزاد**

**درآمدی بر بایسته‌های تدریس تحول محور**

در دروس معارف اسلامی..... ۲۵

**دکتر امیر محسن عرفان**

**کارکردهای فضای مجازی**

در تحقق اهداف اخلاقی دروس معارف اسلامی..... ۳۲

**دکتر حسینعلی رحمتی**

**نیازها و حیطه‌های تحول**

در دروس معارف اسلامی دانشگاه‌ها..... ۳۸

**حجت الاسلام و المسلمین اکبر فرحزادی**

تأملی در محتوا و رویکردهای ارائه درس تاریخ اسلام..... ۴۲

**دکتر محمد حسین دانشکیا**

**سرفصل‌های آینده دروس معارف اسلامی**

نکاتی برای طرح دروس جدید..... ۴۷

**دکتر حسین مطیع**

تازه‌های کتاب معارف..... ۴۹

از این سو و آن سو..... ۵۲

**نشانی:** قم - بلوار امین - بلوار جمهوری اسلامی  
نیش کوچه چهارم، پژوهشگاه فرهنگ و معارف اسلامی، نشریه معارف  
صندوق پستی ۳۴۵۶-۳۷۱۸۵  
**تلفن سردبیر:** داخلی ۱۱۴-۳۲۹۱۹۲۱۹-۳۲۹۰۳۵۳۱-۰۲۵  
**تحریریه:** داخلی ۱۱۶-۳۲۹۱۹۲۱۹  
**امور مشترکین:** داخلی ۱۱۵-۳۲۹۱۹۲۱۹-۰۲۵  
**نمابر:** ۳۲۹۰۳۵۳۱-۰۲۵

نشانی اینترنتی:  
www.maarefmags.ir  
به صورت تمام متن و pdf قابل دریافت است.

آدرس کانال‌ها در پیام‌رسان‌های داخلی سروش و اپتا:  
@maarefmags.ir

رایانامه:  
maaref.mag@gmail.com  
پیامک: ۱۰۰۰۲۱۱۰۱

### قابل توجه مشترکین و خوانندگان گرامی:

۱. مقالات و مطالب منتشره از سوی معارف لزوماً بیانگر دیدگاه‌های این نشریه نیست.
۲. معارف از مقالات علمی و پژوهشی در حوزه اندیشه معارف اسلامی استقبال می‌کند.
۳. معارف در ویرایش و تلخیص مقالات ارسالی آزاد است.
۴. در صورت امکان مقالات و مطالب ارسالی را به همراه فایل حروفچینی شده آن به آدرس پستی و یا به آدرس الکترونیکی نشریه ارسال نمایید.
۵. با توجه به رویکرد نشریه اطلاع‌رسانی معارف در زمینه تولید علم، لطفاً از ارسال مقالاتی که قبلاً چاپ شده خودداری فرمایید.
۶. محتوای نشریه همزمان با چاپ، در سایت نشریه قابل دسترسی می‌باشد.
۷. از آنجا که این نشریه با هزینه بیت‌المال تهیه می‌شود برای جلوگیری از هدر رفتن آن در صورت تغییر آدرس لطفاً ما را مطلع فرمایید.
۸. اگر از تدریس دروس معارف به کلی متصرف شده‌اید یا از نشریه استفاده نمی‌نمایید مراتب را جهت قطع اشتراک به دفتر نشریه اطلاع دهید.
۹. ارسال پیشنهادات، موضوعات، پرسش‌ها و شبهات معارفی مطرح در دانشگاه‌ها نقش مؤثری در پربار شدن نشریه معارف دارد.



برای اینکه در آینده، سازمانی اثر بخش و کارآمد داشته باشند باید سوار بر پیشران ها شوند. در واقع پیشران های تحول مجموعه عوامل کلیدی هستند که سیاستگذاران باید به آن ها توجه کنند و برای تحول باید از ظرفیت پیشران ها حداکثر استفاده انجام پذیرد. برای ایجاد تحول باید پیشران های آن شناسایی شود تا مدیران بتوانند از آن ها برای تحول استفاده کنند.

اولین پیشران استفاده از مشاوران تحول است. تحول موجود بسیار حساسی است که ممکن است بنا به دلایل گوناگون مورد استقبال اعضای سازمان واقع نشود، بنابراین اعضای سازمان ممکن است نقش مانع را ایفا کنند. لازمه عدم برخورد با موانع یا عبور از آن ها این است که در فرایند تحول از افرادی به عنوان مشاوران یا کارشناسان تحول استفاده شود، افرادی که در مدیریت تحول خبره باشند، این افراد معمولاً کارشناس سازمانی یا کارشناس رفتاری هستند.

پیشران دوم حمایت مدیران عالی از تحول است؛ اگر قرار است تحول در مجموعه نهاد رهبری رخ دهد و نتایج مطلوب آن را ببینیم باید مدیران عالی نهاد از این فرایند و رویکرد تحول گرایانه حمایت کنند. تحول در سازمان نیازمند به کارگیری تمام ظرفیت های موجود در آن سازمان است و برای استفاده از تمام ظرفیت های سازمانی، که شامل ظرفیت های انسانی و ملزومات اداری و سیاست ها و فرایندهای سازمانی می شود، نیازمند حمایت مدیران عالی از برنامه های تحول هستیم. تحول ممکن است قواعد و رویه ها را دستخوش تغییر قرار دهد یا با آن ها ناسازگار باشد و در این میان، افرادی ممانعت خواهند کرد و اجازه اجرای تحول را در لایه ها و سطوح مختلف سازمان نمی دهند. به همین دلیل

### تحول نشانه حیات

تحول گرایی و تحول خواهی یک سازمان و مجموعه نشان دهنده حیات و پویایی آن است؛ به علاوه که تحول یک اقدام و پاسخ هوشمند به محیط بیرونی سازمان است. سازمانی که به دنبال تحول است به جای اینکه تلاش کند وضع موجود را در همان موقعیت نگه دارد و در برابر تغییرات و تحولات محیطی مقاومت کند، به دنبال بازسازی و نوآوری در سازمان خواهد بود. نوآوری و تحول می تواند در اصل سازمان یا فرایندها یا خدمات آن صورت گیرد.

برخی تحول را کوششی برنامه ریزی شده در سراسر یک سازمان می دانند که زیر نظر مدیران عالی آن سازمان، به منظور افزایش کارایی و اثر بخشی سازمان، با استفاده از دانش رفتاری، انجام می شود. با توجه به اینکه منابع انسانی سازمان باید تحول را ایجاد کنند کسی که می خواهد تحول را اجرا کند باید به سراغ علوم رفتاری برود، چون با انسان ارتباط دارد. برخی دیگر تحول را ایجاد و توسعه راه حل های نو و خلاقانه در سازمان می دانند. سازمانی که به فعالیت هایی که در گذشته انجام می داده اکتفا نمی کند و تلاش می کند توانایی ها و نوسازی های خودش را در سازمان افزایش دهد، یک سازمان تحول خواه است.

### پیشران های تحول

«پیشران» به معنای جلو راندن و پیش بردن؛ به آن دسته از عناصر اطلاق می شود که باعث حرکت و تغییر در طرح اصلی برنامه ها می شود و کمک می کند تا سازمان به مقصود اصلی دست پیدا کند. هر موضوعی پیشران های خاص خود را دارد و مدیران

## گروه‌های جهادی ظرفیتی مغفول و مهم

پیشران پنجم به کارگیری شبکه‌ها و گروه‌ها؛ شبکه‌ها نوع جدیدی از ساختارهای سازمانی هستند که هنوز در سازمان‌های کشور ما خیلی مطرح نشده‌اند. امروزه شبکه‌ها نقش بسیار مهم و حیاتی در سازمان‌ها دارند، بسیاری از سازمان‌ها با به کارگیری شبکه‌ها و گروه‌هایی در قالب «ان‌جی‌او» یا «سازمان‌های غیر رسمی و مردم نهاد/سمن»، می‌توانند اهداف‌شان را دنبال کنند. البته سازمان می‌تواند در درون خود نیز شبکه یا شبکه‌هایی به عنوان بازویی برای رسیدن به اهداف خود ایجاد کند. نهاد رهبری اگر می‌خواهد در راستای اهداف متعالی خود، که در راستای آرمان‌های نظام مقدس جمهوری اسلامی و انقلاب و منویات امامین انقلاب است، قرار گیرد باید فعال‌سازی شبکه‌ها و گروه‌ها را در دستور کار قرار دهد.

هر موضوعی پیشران‌های خاص خود را دارد و مدیران برای اینکه در آینده، سازمانی اثر بخش و کارآمد داشته باشند باید سوار بر پیشران‌ها شوند. در واقع پیشران‌های تحول مجموعه عوامل کلیدی هستند که سیاستگذاران باید به آن‌ها توجه کنند و برای تحول باید از ظرفیت پیشران‌ها حداکثر استفاده انجام پذیرد. برای ایجاد تحول باید پیشران‌های آن شناسایی شود تا مدیران بتوانند از آن‌ها برای تحول استفاده کنند. اولین پیشران استفاده از مشاوران تحول است. تحول موجود بسیار حساسی است که ممکن است بنا به دلایل گوناگون مورد استقبال اعضای سازمان واقع نشود، بنابراین اعضای سازمان ممکن است نقش مانع را ایفا کنند. لازمه عدم برخورد با موانع یا عبور از آن‌ها این است که در فرایند تحول از افرادی به عنوان مشاوران یا کارشناسان تحول استفاده شود، افرادی که در مدیریت تحول خبره باشند، این افراد معمولاً کارشناس سازمانی یا کارشناس رفتاری هستند.

گروه‌های جهادی یکی از این شبکه‌ها است که بازویی برای نهاد رهبری می‌تواند باشد. نهاد رهبری ظرفیت دارد که راهبر گروه‌های جهادی اعم از طلاب و دانشجویان در استان‌های

حمایت مدیران عالی کمک می‌کند فرایند تحول در تمام سطوح نهاد رهبری به سهولت انجام شود.

پیشران سوم یادگیری سازمانی است. تحول پاسخی به تغییرات و تحولات محیط پیرامونی سازمان است، از این رو سازمان برای اینکه خود را منطبق با تحولات بیرونی بکند باید ظرفیت‌های یادگیری را ایجاد کند و اگر این ظرفیت‌ها را دارد، ارتقا دهد. اصطلاحاً سازمانی که این‌گونه عمل می‌کند «سازمان یادگیرنده» نامیده می‌شود؛ سازمانی که در طول سالیان متمادی تنها یک فرایند را دنبال نمی‌کند. یادگیری سازمانی می‌گوید: سازمان باید مانند موجود زنده یاد بگیرد، بنابراین افراد سازمان باید به دنبال افزایش مهارت و دانش خود بروند. نظریه و مدل سازمان‌های یادگیرنده به ما کمک می‌کند سازمانی پر تحرک و پویا داشته باشیم و اگر قرار است مجموعه‌ای تحول‌گرا باشیم باید به سمت یک سازمان یادگیرنده برویم. باید ماهیت سازمانی نهاد مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها یک سازمان یادگیرنده بشود و از این مدل پیروی کند، سازمان یادگیرنده تلاش می‌کند با ایجاد آرمان مشترک فرایند تحول‌خواهی را تسهیل کند. آن آرمان مشترک، که یکی از اصول بنیادین سازمان یادگیرنده محسوب می‌شود، نیرویی را در درون افراد ایجاد می‌کند تا همه عملکرد خودشان را در راستای آرمان و چشم انداز قرار دهند و تبدیل به یک عامل انگیزشی می‌شود. مجموعه نهاد اگر بتواند تبدیل به یک سازمان یادگیرنده بشود نسبت به اتفاقات و نیازها و سلیقه پیرامونی و نیازهای مخاطبین خود ناآگاه نخواهد بود و دائماً در تعامل با محیط است. یادگیری سازمانی به ما کمک می‌کند درجا نزنیم و در موقعیت فعلی نمانیم و با ارتقای دانش خودمان و ایجاد افق‌های بلند مدت و واقع‌گرایانه تلاش کنیم خدمات خوبی را به جامعه مخاطب یا جامعه هدف ارائه نماییم.

پیشران چهارم استفاده از علوم و فنون مختلف است. سازمان‌ها پدیده‌هایی پیچیده و چندوجهی و دارای اجزا و عناصر متعدد هستند؛ به همین دلیل علوم و فنون زیادی روی فعالیت‌های سازمان اثر می‌گذارد. وقتی مسائل سازمان پیچیده شد ما برای حل این مسائل و برای این که بتوانیم خودمان را متحول کنیم نیازمند استفاده از علوم و فنون مختلف هستیم. به همین دلیل متولیان و سیاست‌گذاران تحول در نهاد باید سراغ افرادی بروند که از دانش‌های مختلف بهره‌مند هستند تا از آن‌ها در اقدامات تحول‌گرایانه‌ای که در مجموعه نهاد داریم استفاده کنیم.

مختلف باشد. مراکز آموزش عالی فقط گروه‌های جهادی دانشجویی و حوزه‌های علمیه تنها گروه‌های جهادی طلبگی را تحت اختیار دارد؛ اما نهاد رهبری در دانشگاه‌ها، سرمایه‌های انسانی از هر دو طیف طلاب و دانشجویان را دارد و این بهترین ویژگی و مزیت رقابتی است برای اینکه بتواند گروه‌ها و شبکه‌های کارآمد و اثربخش از طلاب و دانشجویان جوان را در راستای اهداف نظام و نهاد رهبری شکل دهد. «دانشگاه علوم اسلامی المدینه/جامعة المدینه» که یک دانشگاه بین‌المللی است و از تمام جهان دانشجو و طلبه جذب می‌کند، در کشور عربستان و در شهر مدینه قرار دارد. این دانشگاه توانسته تمام اقدامات تحول‌گرایانه خود را با استفاده از شبکه فارغ‌التحصیلان خود در اقصا نقاط جهان دنبال کند. این دانشگاه یکی از رقبای مهم «جامعة المصطفی» و سازمان‌هایی که در راستای تفکر ناب شیعی کار می‌کنند، محسوب می‌شود. «جماعت تبلیغ اهل سنت» نیز یک مجموعه شبکه محور است که به منظور تبلیغ اهل سنت حنفی دیوبندی، راه اندازی شده و مثل یک سازمان یا دانشگاه سیار عمل می‌کند.

در واقع از طریق شبکه‌ها، گفتمان تغییر و تحول در سازمان شکل می‌گیرد و بستر تحول در سازمان فراهم می‌شود. گروه‌های جهادی جزو مهم‌ترین و حیاتی‌ترین و کاربردی‌ترین پیشران‌های تحول در مجموعه نهاد رهبری است که به شدت مورد توجه مقام معظم رهبری واقع شده و ایشان هم نسبت به گروه‌های جهادی التفات و توجه خاصی دارند. در یک پیمایش مشخص شد تقریباً ۵۲٪ از دانشجویان مقطع ارشد و دکتری دانشگاه معارف اسلامی در گروه‌های جهادی فعال هستند و این آمار نشان می‌دهد که بستر و زیرساخت برای ایجاد گروه‌های جهادی و توسعه و پیشرفت و نشر آنها فراهم است. ما می‌توانیم با استفاده از این گروه‌ها و شبکه‌ها، اقدامات خودمان را در راستای تعمیق اندیشه‌های دینی در بین دانشجویان و دانشگاهیان، همچنین حضور در عرصه‌های سیاسی اجتماعی و فرهنگی را با استفاده از این شبکه‌ها و گروه‌ها دنبال و گفتمانی که مد نظر داریم ایجاد کنیم.

نمونه‌هایی از فعالیت‌های شبکه‌ای را دیدیم که بعضی افراد با فکری مخالف افکار ما نیز همین روش را دنبال کرده و می‌کنند. ما هم در برخی بخش‌ها باید شبکه‌هایی ایجاد کنیم و شبکه‌های موجود را نیز توسعه دهیم و در عرصه‌های مختلف، در راستای اهداف و رسالت نهاد رهبری در دانشگاه‌ها کار کنیم.

پیشران ششم توانمندسازی اعضا و فعالان ذی‌ربط است. تحول به سادگی و بدون برنامه در یک مجموعه رخ نمی‌دهد و

نیازمند توانمندسازی مجموعه است. استاد معارف برای ورود به عرصه دانشگاه و آموزش عالی باید توانمند شود، مهارت دانشی و تدریسی و آگاهی‌های لازم او باید بالا برود. به طور مثال اگر می‌خواهد اخلاق تدریس کند باید نسبت به جوانب و حیطه‌ها و رویکردهای اخلاق آگاهی‌های لازم را داشته باشد، اساساً نسبت به حضور در دانشگاه مهارت‌های لازم را کسب کرده باشد؛ یعنی یک فرد توانمند برای حضور در عرصه دانشگاه باشد. اگر قرار است تحول ایجاد کنیم لازمه‌اش این است که اعضا و فعالانی که در مجموعه می‌خواهند به ما کمک کنند توانمند باشند. توانمندسازی افراد را قادر می‌سازد تا از توانایی‌ها و ظرفیت‌ها و استعداد‌های خودشان بهره ببرند و وظایف محوله را به خوبی انجام دهند.

در توانمندسازی باید از ظرفیت‌های اعضا بهره‌مند شد و اگر لازم است مجدداً فرایند یادگیری تکرار شود و باید به سمت بازآموزی برویم. ما نمی‌گوییم افراد چیزی نمی‌دانند، افراد و منابع و سرمایه انسانی ما که در نهاد و دانشگاه زحمت می‌کشند اطلاعات لازم و کافی را دارند؛ اما در این برهه زمانی که اقتضائات و سلائق و ذائقه‌ها و شبهات و رسانه‌ها و ابزارها و شیوه‌ها در بحث‌های آموزشی و فرهنگی عوض شده، استاد به عنوان یک فعال فرهنگی در دانشگاه باید به روز توانمند شود تا بتواند در برابر حملات و تهاجمات فرهنگی مقابله کند؛ در غیر این صورت به ولنگاری فرهنگی می‌رسیم.

### تجربیات مثبت نهاد در تنوع خدمات

پیشران هفتم راهبرد متنوع‌سازی خدمات است. سازمان‌ها محصولات و خدمات مختلفی تولید می‌کنند اما در طول سال‌ها روی یک مسئولیت و یک خدمت نمی‌مانند و نوع خدمت و رنگ و لعاب خدمت و محصول را عوض می‌کنند. اگر بخواهیم در عرصه‌های تحول‌گرایانه حضور مؤثر داشته باشیم باید راهبردهای متنوع‌سازی خدمات را مورد مطالعه قرار دهیم. یعنی استراتژی ما باید به گونه‌ای باشد که خدمات ما متفاوت از خدمات گذشته باشد. حدود سه دهه قبل در مساجد و مراکز فرهنگی کمد جوایز بود، یک دهه قبل نیز همان کمد جوایز وجود داشت و در حال حاضر هم برای ایجاد انگیزه کمد جوایز وجود دارد و تنها مقداری رنگ و محتویات کمد عوض شده است! در واقع به این توجه نداریم که نیازها و انگیزه‌های مخاطبین ما طی این سه دهه عوض شده است. امروز ما باید متناسب با نیاز علایق و سلیق و ذائقه جامعه هدف و مخاطب خدمات را ارائه کنیم. ازدواج دانشجویی و

دانشجویان هر استان، مجموعه فعالیت‌های فرهنگی و معرفت افزایی، متنوع و جدید و کارآمد شود.

آخرین پیشران تحول سبک رهبری است. ما در مفاهیم مدیریت و سازمان مفهومی به نام رهبری داریم. زمانی می‌گفتند مدیریت یعنی کسی که آمرانه برخورد کند، هنوز هم در بعضی از سازمان‌ها این‌گونه است و مدیر به کسی اطلاق می‌شود که دستور می‌دهد؛ در حالی که دوران این نظریه تمام شده است. در دوره‌های بعد مدیر را مترادف با کسی می‌دانستند که تصمیم‌گیری می‌کند. این نظریه هم در شرایط پیچیده عوض شد، چون در مسائل پیچیده یک نفر نمی‌تواند تصمیم‌گیری کند. اما الان می‌گویند مدیر کسی است که بتواند مجموعه را راهبری کند. لذا وقتی مفهوم «لیدرشپ» یا رهبری در مجموعه‌ها و سازمان‌ها مطرح می‌شود، یعنی مدیران دیگر نباید صرفاً سراغ سبک‌های آمرانه بروند یا مدیر صرفاً بخواهد تصمیم بگیرد! مدیران باید نقش رهبری را در مجموعه خودشان ایفا کنند. در ادبیات مدیریت بین مدیر و رهبر فرق است و اصلاً در سازمان‌ها آن کسی که تحول را ایجاد می‌کند رهبران هستند نه مدیران! مدیرانی که توانستند قدرت رهبری را در خودشان ایجاد کنند در مدیریت هم موفق‌تر هستند. سبک‌های متنوعی در رهبری سازمان وجود دارد.

### نکته آخر

همه این پیشران‌ها مثل تکه‌های یک پازل و عناصر یک سیستم با هم مرتبط هستند. اگر برای تحول افراد سازمان را توانمند کنیم لاجرم باید نگاه ما به سازمان، یک سازمان یادگیرنده باشد و فرهنگ یادگیری سازمانی را در مجموعه و سازمان ترویج و توسعه دهیم.



پیشران سوم یادگیری سازمانی است؛ باید ماهیت سازمانی نهاد مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها یک سازمان یادگیرنده بشود و از این مدل پیروی کند، سازمان یادگیرنده تلاش می‌کند با ایجاد آرمان مشترک فرایند تحول خواهی را تسهیل کند. آن آرمان مشترک، که یکی از اصول بنیادین سازمان یادگیرنده محسوب می‌شود، نیرویی را در درون افراد ایجاد می‌کند تا همه عملکرد خودشان را در راستای آرمان و چشم انداز قرار دهند و تبدیل به یک عامل انگیزشی می‌شود. مجموعه نهاد اگر بتواند تبدیل به یک سازمان یادگیرنده بشود نسبت به اتفاقات و نیازها و سلاقی پیرامونی و نیازهای مخاطبین خود ناآگاه نخواهد بود و دائماً در تعامل با محیط است. یادگیری سازمانی به ما کمک می‌کند درجا نزنیم و در موقعیت فعلی نمانیم و با ارتقای دانش خودمان و ایجاد افق‌های بلند مدت و واقع‌گرایانه تلاش کنیم خدمات خوبی را به جامعه مخاطب یا جامعه هدف ارائه نماییم.

عمره‌ها و عتبات دانشجویی را می‌توانیم جزو این تنوع در خدمات حساب کنیم.

لاجرم ما در مجموعه نهاد باید دائم فکر و مطالعه کنیم که ذائقه‌های فرهنگی و معرفتی در آینده پیش‌رو چگونه خواهد بود؟ نسل آینده دوست دارد چگونه با مبانی دینی آشنا شود؟ از چه طریقی می‌توانیم نسل آینده را نسبت به مبانی دینی راضی و قانع کنیم؟ از چه طریقی می‌توانیم در آینده حضوری اثربخش‌تر و کارآمدتر در عرصه‌های فرهنگی در دانشگاه‌ها داشته باشیم؟ در سازمان‌های صنعتی مثل ایران خودرو، واحدی به نام R&D دارند، یعنی واحد تحقیق و توسعه. در این واحد افرادی فکر می‌کنند و جامعه را رصد می‌کنند که چه محصول یا کالایی تولید شود تا در دهه آینده هم مورد استقبال واقع شود.

در فرایندهای تحول‌گرایانه، در بحث راهبردهای متنوع‌سازی خدمات، لازم است اتاق فکر تشکیل دهیم. شاید لازم شود اتاق‌های فکر در رده‌های کلان و همچنین رده‌های وظیفه‌ای و سطوح پایه سازمان ایجاد کنیم تا متناسب با فرهنگ و ذائقه



# ابعاد تحول آفرینی

## در درس معارف اسلامی در دانشگاه‌ها

دکتر محمد جواد فلاح

دانشیار و عضو هیئت علمی دانشگاه معارف اسلامی

### درآمد

در اصل روش کارا و اثربخش می‌تواند فرایند یاددهی و یادگیری (تدریس) را با توجه به اهداف آموزشی و تربیتی آسان سازد. در این مقاله به ابعاد تحول آفرینی در درس معارف اسلامی اشاره خواهد شد.

### جایگاه تحول در درس معارف در نظام آموزشی

تجربه‌های زیستی دانشجویان در محیط‌های آموزشی به ویژه در محیط کلاس همواره گویای خوب و بدها و نقاط مثبت و منفی ارتباطی دوسویه بین معلم و شاگرد است که هم حاوی نقاط مثبت است هم منفی. با این وصف نمی‌توان از اهمیت این محیط زیستی در زندگی افراد غفلت نمود.

دوران آموزش و تعلیم و تعلم در محیط‌های آموزشی شامل

تحول در درس معارف اسلامی در دانشگاه‌ها وابسته به عناصر مهمی چون استاد، متن، محتوا، روش و اهداف آموزشی و تربیتی است که می‌تواند زمینه اثربخشی و کارایی این درس را ارتقاء بخشد؛ زمینه‌ساز بهره‌وری بیشتر در این درس شود. مهم‌ترین عنصر تاثیرگذار در این تحول حول محور استاد، متن و روش تدریس است که می‌تواند به عنوان عامل تاثیرگذار در این عرصه مورد توجه قرار گیرد.

دو عامل استاد و متن درسی نیز وابسته به روش تدریس این درس است. در اصل روش می‌تواند به عنوان عنصر واسطه محتوای مورد نظر استاد را با توجه به ابزار و امکانات متناسب به دانشجویان منتقل کند.



مدرسه و دانشگاه شاید یکی از مؤثرترین دوران‌هایی باشد که آینده مادی و معنوی افراد را رقم می‌زند و می‌تواند از شاگردان انسان‌های موفق و ارزشمند یا ناموفق و مغبون بسازد. چیزی که در همه کشورها و نظام‌های سیاسی مورد توجه و اهتمام است.

محیط کلاس درس از مهم‌ترین ارکان نظام تعلیم و تربیت است که در آن افراد نسبتاً رشد یافته و مسائل جدید و نوبی را تجربه می‌کنند. در این تجربه نوع شخصیت معلم و استاد و محتوای آموزشی از یک سو و روشی که استاد برای آموزش دانشجویان و فراگیران انتخاب می‌کند از سوی دیگر می‌تواند به فرایند تاثیرگذاری در محیط درس بیانجامد.

این تاثیرگذاری در برخی از دروس که صبغه دینی و فرهنگی دارند بیشتر حائز اهمیت است. دروس معارف اسلامی در زمره این دروس هستند که برگزاری مطلوب آن‌ها می‌تواند نقش مؤثری در ساخت و بافت فکری دانشجویان داشته باشد و بخش عمده‌ای از ایدئولوژی و فرهنگ مورد وثوق را برای آن‌ها نهادینه سازد یا از سویی با بی‌توجهی و برگزاری نامطلوب آن‌ها با مشکلات عدیده‌ای در این صورت مواجه خواهیم شد. به نظر می‌رسد توجه به ابعاد مهم این مسئله و نگاه دوباره به رسالت دروس معارف اسلامی که با نقش سازنده استاد رهین است امر مهمی است که باید مورد توجه متولیان امر به ویژه نظام آموزش عالی، نهاد مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها و دانشگاه‌ها، دانشکده‌ها و گروه‌های معارف اسلامی و رشته‌های مدرسی معارف اسلامی قرار گیرد.

### آسیب‌شناسی وضع موجود

آسیب‌شناسی این دروس این امکان را برای دست‌اندرکاران و برنامه‌ریزان آموزشی دروس معارف اسلامی فراهم می‌سازد تا علاوه بر سنجش اثربخشی این دروس در نگرش دینی دانشجویان، تصمیمات لازم را نسبت به بازبینی، اصلاح و تجدیدنظر در زمینه‌های مربوط اخذ نمایند.

در برخی از پژوهش‌ها به این مهم اشاره شده است؛ از جمله در پژوهشی با عنوان «تأثیر آموزش دروس معارف اسلامی بر نگرش دینی دانشجویان» به قلم وحید یوسفی لویه، تلاش شده نگرش دینی فرد دانشجو بر مبنای عناصر انگیزشی، شناختی، عاطفی و آمادگی برای عمل (رفتاری) به عنوان متغیر وابسته مورد سنجش قرار گیرد. سپس اثرات تربیت دینی در نظام آموزش عالی که در قالب دروس معارف اسلامی صورت می‌پذیرد را به عنوان متغیر مستقل اندازه‌گیری نماید.<sup>۱</sup>

به باور این پژوهشگر در فرایند آموزش دروس معارف اسلامی

مؤلفه‌های مختلفی وجود دارد که سزاوار است سهم هر کدام در اثراگذاری بر نگرش دینی دانشجو تعیین گردد. عمده‌ترین مؤلفه‌های آموزش این دروس عبارت است از: دانشجو، استاد و محتوای آموزشی. البته متغیرهای مربوط به دانشجو و استاد در این مطالعه، به عنوان متغیرهای تعدیل‌کننده (مستقل ثانوی) در نظر گرفته شده است؛ چرا که اطلاعات مربوط به دانشجو اولین رده اصلی از رده‌های پنج‌گانه ارزشیابی جامع عمل‌های آموزشی است؛ همچنین در دیدگاه‌های ارزش‌گذارانه بر ارزشیابی از اثربخشی استادان تأکید زیادی شده است. اما در ارزشیابی از محتوا و مواد آموزشی، عمده‌ترین ملاک، پیشرفت تحصیلی یا میزان یادگیری دانشجویان است. که نیازمند پژوهش‌های بیشتری است. علاوه بر این، محتوای آموزشی هر یک از دروس معارف از نظر میزان پاسخ‌گویی دروس به نیازها، میزان تحقق اهداف دروس و همچنین میزان اهمیت هر یک از آن‌ها، در تحقیقی دیگر توسط محقق پیش گفته بررسی شده است.<sup>۴</sup>

بر اساس چنین مطالعاتی اهمیت تحول روشی در دروس معارف اسلامی خود را نشان می‌دهد. این تحول روشی بر اساس اهداف آموزشی و تربیتی اهمیت بیشتری دارد چرا که وقتی سخن از دروس معارف اسلامی به میان می‌آید باید به میزان تاثیر این دروس در سه ساحت معرفتی، عاطفی و رفتاری دانشجویان توجه نمود. در این زمینه نیز مطالعاتی صورت گرفته است به عنوان نمونه در مورد سنجش نگرش دینی دانشجویان این‌گونه گزارش شده است:

نتایج حاصله در یک تحقیق نشان می‌دهد که از مجموع ۱۸۰۴ پاسخ‌گو، میزان نگرش دینی دانشجویان به ترتیب ۱۵/۰ درصد خیلی قوی، ۴۲/۶ درصد قوی، ۳۲/۲ درصد بینابین، ۶/۳ درصد ضعیف و ۰/۳ درصد خیلی ضعیف است.

در مجموع می‌توان گفت که میزان نگرش دینی ۵۰/۶ درصد از پاسخ‌گویان در حد قوی و خیلی قوی، ۳۲/۲ درصد در حد متوسط و ۶/۶ درصد در حد ضعیف و خیلی ضعیف است. همچنین نمره نگرش دینی دانشجویان بر مبنای نمره‌گذاری ۱ (یعنی کمترین نمره) تا ۵ (یعنی بیشترین نمره) ۳/۶۷ است؛ به این ترتیب نگرش دینی دانشجویان در حد مطلوب (یعنی قوی و مثبت) است.

البته این نکته ضروری است که در شکل‌گیری نگرش دینی فرد، صرفاً آموزش‌های رسمی تاثیرگذار نمی‌باشند، بلکه آموزش‌های غیررسمی که از بدو تولد، توسط خانواده و محیط اعمال می‌گردد، مؤثر می‌باشند. با این حال آسیب‌شناسی و ارزیابی

دروس معارف اسلامی در مجموعه عوامل مؤثر در شخصیت افراد بر اساس اهداف تعیین شده حائز اهمیت است و برای دستیابی به روش‌های اثربخش و تأثیرگذار مطالعه آسیب‌شناسانه آن‌ها با رویکرد اصلاحی حائز اهمیت است. از این رو توجه به همه عناصر تدریس از نقش استاد تا محیط آموزشی و نیز محتوای دروس ارائه شده در قالب کتب درسی در این آسیب‌شناسی و ارزیابی ضروری است.

### تحول در روش کانون تحول در دروس معارف

روش را باید مهم‌ترین رکن تحول در دروس معارف اسلامی دانست. ابعاد تأثیر روش تدریس در عمل کرد استاد تا نوع متن و محتوای درسی و نیز اهداف آموزشی و تربیتی تأثیرگذار است. آن‌چنان که اهل لغت آورده‌اند به سبک، طریقی، قاعده، قانون، اسلوب، رسم و آیین، روش گفته می‌شود.<sup>۵</sup>

در زبان عربی، روش را «منهج» و در لاتین نیز روش از «method» به معنای راه اخذ شده و در پیش گرفتن راهی برای رسیدن به هدفی معین به شرط نظم خاص آمده است.<sup>۶</sup>

روش به معنای عام به معنی شیوه، راه و مسلک است که بر اساس علوم مختلف و اهداف هر علمی ممکن است تحقق یابد به عنوان نمونه: برخی محققین معتقدند برای رسیدن به معرفت (از هر سنخی) و یا توصیف واقعیت، ذهن فرایندی را دنبال می‌کند که از آن به روش یاد می‌کنند. به این بیان، روش راه‌های رسیدن به هدف است که ما را در جهت فهم و حل مسئله‌ها بهتر به مقصد می‌رساند. لایه نظر می‌رسد در این تعریف از روش به عنوان فرایند یاد شده و فرایند را می‌توان از سلسله اجزایی در کنار یکدیگر در مسیر هدفی مشخص انتزاع کرد. در اصل روش را می‌توان امری انتزاعی و از سنخ مقولات ثانی فلسفی دانست حال آنکه برخی محققین روش را به ابزار روش تحول برده و روش را ابزار معنا کرده‌اند بر این اساس این پرسش مطرح است که آیا روش به خود راه اطلاق می‌شود یا ابزارهای رسیدن به آن؟ در این باره بین محققان اختلاف است. برخی اصطلاح روش را هم به خود «راه» و هم به قواعد و ابزارهای رسیدن به آن باز می‌گردانند.<sup>۸</sup>

عده‌ای روش را هرگونه ابزار مناسب برای رسیدن به مقصود دانسته‌اند. واقعیت آن است که روش به معنای خاص غیر از ابزار است که سبب و عامل تحقق یک یا چند هدف مشخص شده است و مقصود ما نیز از روش تدریس در این بحث ناظر به این معناست. فرایندی منظم که برای رسیدن به هدفی مشخص به کار گیرند. چنان چه بیان شد روش، حلقه وصل عناصر و اجزای تدریس

در تحقق اهداف آموزشی و تربیتی است. استاد، دانشجو، متن درسی، فضای تدریس و دیگر اجزای مؤثر در تدریس مرهون روشی است که استاد برای به خدمت گرفتن این اجزای می‌تواند به کار بندد.

### تحول در اهداف

اما عنصر دیگری که می‌تواند در تحول روشی تأثیرگذار باشد شاخص اهداف است. به راستی ما در دروس معارف اسلامی چه اهدافی را دنبال می‌کنیم. در اهداف آموزشی معمولاً اهداف شناختی، عاطفی و رفتاری مورد توجه اصحاب تکنولوژی آموزشی است. البته اهداف آن‌ها بر تأثیرگذاری در این حیطه‌های سه‌گانه در فرایند یاددهی و یادگیری استوار شده است ولی در دروس معارف اسلامی این اهداف صرفاً به انتقال دانش متمرکز نشده و اهداف اعتقادی، اخلاقی و تربیتی سرلوحه این اهداف است.

یکی از عللی که موجب شده تا دیدگاه نادرستی نسبت به دروس معارف بر اذهان اکثر دانشجویان و حتی برخی استادان دروس اختصاصی غالب شود، واژه «عمومی» است که به عنوان صفت این دروس به کار برده می‌شود؛ چه آن‌که اکثر افراد وقتی با لفظ «عمومی» مواجه می‌شوند، کم‌اهمیتی و کم‌ارزشی به ذهنشان تبادر می‌کند هم‌چنان که نزد دانشجویان، رفت و آمد به دانشگاه با سرویس عمومی نسبت به خودرویی اختصاصی، ارزش و اهمیت کمتری برخوردار است.

آنچه مزید بر علت شده و این دیدگاه منفی نسبت به دروس معارف را تشدید کرده آن است که در عناوین درسی دانشگاه‌ها «دروس عمومی» را در مقابل «دروس تخصصی» به کار می‌برند و همین دو اصطلاح در بین دانشجویان شهرت دارد. وقتی به دانشجویان تلقین شود که در دانشگاه دو نوع درس «عمومی» و «تخصصی» وجود دارد، طبیعی است که واژه «عمومی» در این کاربرد به قرینه مقابله به معنای «غیر تخصصی» قلمداد خواهد شد. از این رو برای استاد و سیستم آموزشی باید این پرسش مطرح شود که آیا دانشجویان نسبت به این درس نگرش سازنده‌ای دارند. و این تحول تا کجا و چگونه می‌تواند نگرش آن‌ها را به درس معارف اسلامی، دیدگاه و نگرشی مقبول و سازنده سازد.

از سوی دیگر اهداف عملی و رفتاری نیز در درس معارف اسلامی حائز اهمیت است. تحول باید به گونه‌ای باشد که بتواند اهداف عملی را به شکل مطلوب در اختیار ما قرار دهد چرا که درس معارف اسلامی صرفاً انتقال دانش نیست. از این رو یکی از محورها و شاخص‌های تحول تمرکز بر اهداف آموزشی و تربیتی است. این مسئله در مورد استاد معارف اسلامی بسیار متفاوت است. او باید

بتواند با نفس انسان‌ها مرتبط شود و ذهن و روح آن‌ها را در راستای تعالی معنوی و روحی رشد دهد. کار استاد معارف از این جهت دشوار است چون ابتدا باید بیاموزد و خود را بسازد آنگاه در راستای هدایت دانشجویان برآید. در اصل خاصیت دانش مفید و علم نافع همین است. این علم است که از عبادت برتر است سعدی علیه‌الرحمه این مسئله را در قالب حکایتی کوچک این‌گونه بیان کرده است:

صاحب‌دلی به مدرسه آمد ز خانقاه  
بشکست عهد صحبت اهل طریق را  
گفتم میان عالیم و عابد چه فرق بود  
تا اختیار کردی از آن این فریق را  
گفت آن گلیم خویش بدر می‌برد ز موج  
وین جهد می‌کند که بگیرد غریق را!

لذا پزشک معنوی و اخلاقی شدن و نجات افراد از عقیده فاسد امری مهم، ارزشمند و البته خطیر است.

در اینجا بزرگترین آفتی که استاد دروس معارف اسلامی با آن مواجه است مسئله خود فراموشی و از خود بیگانگی است. جایی که تدریس درس معارف اسلامی به شکل عادت روزمره جلوه می‌کند و شخص از باب رفع تکلیف به آن مبادرت می‌ورزد. مثلاً دانشجوی پزشکی آن قدر نوار قلب بگیرد که از قلب خودش غفلت کند. آن قدر صدا به گوش ما برساند که صدای خودمان را نتوانیم بشنویم؛ و آن قدر عکس به ما نشان دهند که تصویر خودمان را هم نتوانیم در آینه ببینیم. انسان قبل از این که پزشک، شیمیست، حقوقدان یا... باشد، انسان است و به دلیل انسان بودن، نیازمندی‌هایی دارد که بدون توجه به آن نمی‌تواند عنوان انسان بر خود بگذارد. این بیم هست که گاهی اوقات تخصصی شدن، ما را از آنچه نیاز انسان بودن است باز دارد؛ یعنی فرد در رشته تخصصی خود رشد کند ولی در اصل مسائل مربوط به انسانیت، کودک باقی بماند.

### ویژگی‌های استاد تحول خواه

تحول درسی را باید مبتنی بر عنصر استاد شایسته دانست از جمله پرسش‌های قابل طرح در این باب این‌هاست. آیا استاد دروس معارف اسلامی برای تدریس این دروس برنامه مشخصی دارند؟ آیا اهداف مشخصی را پی‌ریزی کرده‌اند؟ آیا برای تدریس خود در دروس مختلف روش خاصی را برگزیده‌اند؟ آیا روش‌های خود را به روز می‌کنند؟ آیا آموزش‌های کافی در روش‌های تدریس و تکنولوژی آموزشی را فرا گرفته‌اند؟ آیا با علوم بین رشته‌ای مرتبط با تدریس مثل جامعه‌شناسی تدریس، روان‌شناسی تدریس و اخلاق تدریس آشنایی کافی دارند؟ آیا مهارت‌های لازم در تدریس را کسب

کرده‌اند؟ قطعاً تحول آموزشی را نمی‌توان بدون عنصر استاد شایسته در نظر گرفت و عنصر شایسته نیز درگرو پاسخ مطلوب به پرسش‌های بالاست.

تحول دروس معارف اسلامی بدون تحول در توش و توان و قابلیت‌های علمی و اخلاقی استادان امکان‌پذیر نخواهد بود بر این اساس باید بیش و پیش از همه نهادهای مرتبط برای تحقق این مهم برای اساتید چاره‌اندیشی کنند.

### تأثیر فضای آموزشی

بخشی از تحول دروس معارف اسلامی در استفاده از ظرفیت فضای آموزشی و بهینه‌سازی آن است. تغییر فضای آموزشی از کلاس در بسته به محیط‌های باز و نیز محیط‌های مرتبط با موضوعات درسی می‌تواند منجر به شکل‌گیری بخشی از این تحول باشد. به عنوان نمونه برای تبیین مسئله ابتلائات در زندگی بشر برگزاری کلاس درس در محیط‌های بیمارستانی و مراکز بهداشتی می‌تواند مؤثر باشد.

استفاده از اساتید به نام و اثرگذار در فضای علمی و آموزشی کشور به عنوان مهمان کلاس یا استفاده از فرماندهان و اشخاص معنوی و اخلاقی می‌تواند بخشی از این نقشه راه باشد. در برخی از دانشگاه‌ها این روش مورد اقبال دانشجویان قرار گرفته به این شکل که چند جلسه از اساتید معروف به عنوان مهمان برای تدریس دروس معارف اسلامی دعوت شده و با استقبال دانشجویان همراه شده است. اساساً تغییر فضای کلاس از شیوه سنتی به نوین می‌تواند اثربخشی آموزشی را ارتقا بخشد.

### انطباق محتوا با اهداف و روش

محتوای درسی نیز از عناصر بسیار تأثیرگذار در تحول دروس معارف اسلامی است. در این زمینه پس از نقش استاد می‌توان محتوای درسی که معمولاً برای دانشجویان کارشناسی در قالب کتاب درسی ارائه می‌شود را از اهمیت ویژه‌ای برخوردار دانست. در این زمینه این پرسش مطرح است که آیا سر فصل‌های دروس معارف اسلامی مورد بازنگری قرار گرفته است؟ آیا برای شرایط و مسائل جدیدی که دانشجویان با آن مواجه هستند محتوای جدیدی سامان یافته است. آیا تکنولوژی آموزشی مناسب در کتب معارف اسلامی منظور شده است. قطعاً آنچه در طول چندین سال که از شکل‌گیری و انتشار کتب درسی می‌گذرد آثار شایسته و ارزشمندی به بار نشسته که قابل تقدیر است ولی آیا می‌توان به این منابع و کتب محدود بسنده کرد؟

کتب درسی معارف اسلامی نیز باید بر اساس مسائل جدید و نیز

ارتقای اساتید و روزآمدی آنان در روش‌های تدریس از یک سو و ایجاد حس شوق و انگیزه فراگیری به واسطه تربیت استادان دانشمند و عامل سوی دیگر این تحول است. البته باید به این نکته توجه داشت که با همه این مشکلات، توقع تحول عظیم از دروس معارف اسلامی نیست. در اصل باید واقع بین بود و انتظارات خودمان را متناسب با شرایط و وجود هزاران عامل و متغیر بیرونی در نظر گرفت.

مهم این است که از شعارزدگی فاصله گرفته و اقدام‌های واقعی مؤثر را سرلوحه عمل خود قرار دهیم و بیش از آن که به تدوین آیین‌نامه‌های غیر واقعی در محیط بسته جلسات بپردازیم، به شکل میدانی برای چنین تحولی همت گماریم.

۶. سیدعلی اصغر کاظمی، روش و بینش در سیاست، ص ۲۸.
۷. علیخانی و دیگران، روش‌شناسی در مطالعات سیاسی اسلام، ص ۲۳.
۸. پارسائیا، روش‌شناسی انتقادی حکمت صدرایی، ص ۶۹؛ حقیقت، سید صادق، روش‌شناسی علوم سیاسی، ص ۳۷.
۹. باقر، ساروخانی، روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی، ص ۲۴.
۱۰. سعدی، گلستان، باب دوم، در اخلاق درویشان، حکایت ۳۷.

نوسازی روش‌ها و رویکردها در دروس، بخشی از این تحول را فراهم آورند. به عنوان نمونه برخی از تلاش‌های دانشگاه معارف اسلامی در تدوین متون ویژه رشته‌های پزشکی، مهندسی، علوم اقتصادی، یا متون ویژه بانوان یا برادران قابل تحسین است ولی به نظر می‌رسد اهتمام بایسته و شایسته در این زمینه صورت نگرفته و در این باب باید همت بیشتری فراروی مراکز مؤثر در این زمینه باشد.

### سخن آخر

نکته آخر این که برای تحول، همت جمعی از همه مهمتر است و افتادن در دام آیین‌نامه و ارائه نسخه‌های فرمایشی خیلی کارساز نخواهد بود.

۱. وحید یوسفی لویه، تأثیر آموزش دروس معارف اسلامی بر نگرش دینی دانشجویان، دو فصل‌نامه علمی - تخصصی تربیت اسلامی، شماره ۷.
۲. علی اکبر سیف، اندازه‌گیری، سنجش و ارزشیابی آموزشی، ص ۸۹.
۳. همان، ص ۸۶.
۴. وحید یوسفی لویه، تأثیر آموزش دروس معارف اسلامی بر نگرش دینی دانشجویان، دو فصل‌نامه علمی - تخصصی تربیت اسلامی، شماره ۷.
۵. علی اکبر دهخدا، لغت‌نامه، ج ۸، ص ۱۲۳۷.





# مجریان تحول

## و توجه به گروه‌های رقیب

دکتر رضا ابروش

استاد یار و عضو هیئت علمی دانشگاه معارف اسلامی

دانشگاهیان را دنبال می‌کند و در این راستا یقیناً با رقبای متعدد مواجه است. رقابت در اصطلاح به معنای؛ مراقبت و تدابیری که در برابر سایر سازمان‌های مشابه اتخاذ می‌شود. در تبیین اندیشه و معارف اسلامی ما تنها نیستیم، دیگرانی هستند که در این عرصه کار می‌کنند و متأسفانه رقبای ناسالمی هستند که در این عرصه تلاش می‌نمایند اندیشه‌های نامناسب و نامطلوب را به نام اسلام در جامعه دانشگاهی، به خصوص در میان دانشجویان، ترویج و نهادینه کنند. رقیب یعنی یک تأمین کننده دیگر که به صورت بالقوه یا بالفعل به دنبال این هست که نیازهای دینی و معرفتی و ارزشی دانشجویان ما را تأمین کند. رقبای ما، برخی افراد و گروه‌ها و جریان‌ها و رسانه‌ها و فضاهای مجازی و سازمان‌های، بعضاً

تحول دروس معارف اسلامی چنان حائز اهمیت و روشن و بدیهی است که شایسته نیست خیلی پیرامون اهمیت و ضرورت تحول دروس معارف اسلامی حرف بزنیم؛ بلکه الان باید یک گام جلو برویم و ببینیم چه اقدامات تحول گرایانه‌ای را در تحول دروس معارف اسلامی باید دنبال کنیم. وقتی از تحول دروس معارف اسلامی صحبت می‌کنیم متولیان دروس معارف اسلامی مخاطب ما قرار می‌گیرند. متولیان دروس معارف اسلامی و متولیان تحول این دروس سه گروه هستند: نهاد مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها، دانشگاه معارف اسلامی، که نقش مهمی را در این عرصه می‌تواند ایفا کند و متولی سوم اساتید محترم دروس معارف اسلامی در تمام دانشگاه‌ها. بنابراین وقتی صحبت از تحول دروس معارف اسلامی می‌شود باید این سه ضلعی را در نظر داشته باشیم. تحول دروس معارف زمانی رخ می‌دهد که هر یک از این اضلاع سه گانه در جای خود سیاست‌ها و برنامه‌های تحول گرایانه و الزامات یا پیشران‌های تحول گرایانه را دنبال کنند.

رکن اصلی و مهم این سه، نهاد مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها است که وظیفه سیاست‌گذاری‌های کلان و برنامه‌های راهبردی پیرامون تحول دروس معارف را باید پایه‌گذاری کند. دو رکن دیگر یعنی دانشگاه معارف اسلامی و اساتید معارف اسلامی که نقشی مهم در تحول دروس معارف دارند به مثابه دو ضلع دیگر هستند که بر روی ضلع نهاد قرار گرفته‌اند.

### گروه‌های رقیب گروه معارف اسلامی!

اگر قرار است تحول در دروس معارف را دنبال کنیم دو نکته مهم و کاربردی را باید مورد توجه قرار دهیم. اولین آن‌ها تحلیل رقابت است، ما در دروس معارف باید تحلیل رقابت کنیم. نهاد مقام معظم رهبری یک سری حرکت‌های عمیق فرهنگی در راستای رشد و توسعه اندیشه‌ها و آگاهی‌های دینی و اسلامی دانشجویان و

اگر قرار است تحول در دروس معارف را دنبال کنیم اول باید تحلیل رقابت کنیم. در تبیین اندیشه و معارف اسلامی ما تنها نیستیم؛ دیگرانی هستند که در این عرصه کار می‌کنند و متأسفانه رقبای ناسالمی هستند که تلاش می‌نمایند اندیشه‌های نامناسب و نامطلوب را به نام اسلام در جامعه دانشگاهی، به خصوص در میان دانشجویان، ترویج و نهادینه کنند. رقبای ما، برخی افراد و گروه‌ها و رسانه‌ها و فضاهای مجازی و سازمان‌های، بعضاً خارج از مرزها، هستند! پس در تحول دروس معارف باید برنامه‌ای برای تحلیل رقابت داشته باشیم، یعنی رقیب خود را بشناسیم. مدیران و تصمیم‌گیران یا سیاستگذاران دروس معارف اسلامی، باید به صورت دائم خدمات و شیوه‌های ارائه معارف خودشان را با سایر نهادها و گروه‌های رقیب مقایسه کنند.

دانشگاه نیستند. این گروه‌ها باید نگاه آینده‌پژوهانه داشته باشند و محیط بیرونی و رقبا را رصد کنند. به دلیل وجود رقابت‌های متعدد یک استاد درس معارف نمی‌تواند رقبا را تحلیل کند. چه بسا یک واحد یا حتی دانشگاه معارف به تنهایی نتواند این کار را انجام دهد. گروه تحلیل رقابت، رقبا را شناسایی و سطح رقابت را در این عرصه بررسی می‌کند.

ما فرقه‌ها و رقبای متعددی در این عرصه داریم، فرقه‌ها و مکاتب تکفیری که به شدت بر مبانی اندیشه اسلامی هجمه دارند، به متون و منابع غنی اسلامی خدشه و شبهه وارد می‌کنند، مبانی آرمان‌ها و ارزش‌ها و امامین انقلاب را می‌زنند. زمانی فقط شناسایی یک یا دو یا نهایتاً سه رقیب بود الان در بین این همه رقبا، می‌خواهیم تحول در دروس معارف ایجاد کنیم و آن‌ها هم در حال کار و رصد فعالیت‌های ما هستند. اقدامات و برنامه‌ها و استراتژی‌های ما باید به گونه‌ای باشد که فعالیت‌ها و استراتژی‌های رقبای ما را از بین ببرد. در برخی مراکز اسلامی مثل «المدینه» در مدینه عربستان یا «دانشگاه ام‌القرآ» در مکه و «دانشگاه محمد بن سعود» در جده. رقبای ما روی معارف اسلامی کار می‌کنند و نیرو تربیت می‌کنند. برخی نیروهای آن‌ها ممکن است با قشر تحصیل کرده ما ارتباط گرفته، و بر بستر فضای مجازی شبهاتی را در میان جامعه دانشجویی رسوخ دهند.

وجود گروه‌هایی از عرفان‌های نوظهور برای دانشجوی تازه وارد، که علاقه‌مند به عرفان ناب اسلامی هست، رهن است. این گروه‌ها از دل پاک این جوانان سوء استفاده می‌کنند. از طرف دیگر گرایش‌های باستان‌گرایانه انگیزه‌ها و علایق دینی دانشجویان ما را مخدوش می‌کنند و تلاش می‌کنند ارزش‌های اخلاقی در جامعه از بین برود. برخی گروه‌ها، استراتژی زدودن ارزش‌های اخلاقی در جامعه را دنبال می‌کنند تا دانشجویان ما دنبال اخلاق و مبانی اخلاقی نباشند. دانشجو اگر بخواهد بررسی کند که کدامیک از سلوک‌های اخلاقی را دنبال کند متحیر می‌شود.

#### چاره کار

چندین گروه برای تحلیل رقابت باید تشکیل شود؛ گروهی ناظر به عرفان‌های نوظهور، گروهی ناظر به مباحث اخلاق، گروهی ناظر به اندیشه‌های تکفیری و دیگر مباحث اعتقادی و دینی و گروهی.... این گروه‌ها نقش مهمی در تحلیل رقابت دارند و می‌توانند پایه‌های یک تحول عمیق و بنیادی در دروس معارف را پایه‌ریزی کنند. با تحلیل رقابت، راهبردهای رقبا شناسایی می‌شود و بهتر می‌شود برنامه‌های تحول‌گرایانه را دنبال کرد. در این

یکی از راه‌های بررسی و تحلیل رقابت، تشکیل گروه‌های راهبردی در درون گروه‌های معارف اسلامی است. یکی از کارهای قشنگی که در برخی از نظریه‌های مدیریتی در سازمان‌های آموزشی مطرح می‌شود این است که اساتید هر از چند گاهی تجربیات خود را به اشتراک بگذارند. باید به هر طریقی شده اساتید جمع شوند، نه صرفاً یک برنامه سمیناری که یکی دو سه نفر از مسئولین حرف بزنند و بقیه اساتید گوش دهند. شبکه‌ای از اساتید ایجاد کنیم که اساتید شیوه‌های تدریس خودشان را با هم به اشتراک بگذارند. اگر لازم باشد باید به سمت ایجاد شبکه‌های اساتید برویم، ما می‌توانیم با کمی تلاش و سیاست‌گذاری و الزام و ایجاد مشوق‌های لازم، شبکه‌ای از اساتید معارف ایجاد کنیم. مثلاً ۵۰۰ شبکه داشته باشیم که هر شبکه ۵ تا ۱۰ نفر با هم عضو باشند و تجربیاتشان را در عرصه‌های مختلف، از جمله شیوه‌های تدریس و کلاس داری و ارتباط با دانشجو به اشتراک بگذارند.

خارج از مرزها، هستند! معارفی که آن‌ها ارائه می‌کنند اندیشه‌های ناب اسلامی نیست. رقبا تلاش می‌کنند از بستر و علاقه و میلی که دانشجویان ما به مباحث اسلامی دارند استفاده کنند و مبانی فاسد خودشان را در ذهن دانشجویان ما القا کنند.

پس در تحول دروس معارف باید برنامه‌ای برای تحلیل رقابت داشته باشیم، یعنی رقیب خود را بشناسیم. مدیران و تصمیم‌گیران یا سیاستگذاران دروس معارف اسلامی و تحول در دروس معارف، باید به صورت دائم خدمات و شیوه‌های ارائه معارف خودشان را با سایر نهادها و گروه‌های رقیب مقایسه کنند. رقبا چه کار می‌کنند که توانسته‌اند برخی از مبانی و معارف ناصواب خودشان را در جامعه دانشگاهی بگسترانند و زمینه‌ها و پایه‌های معرفتی دانشجویان را متزلزل کنند. یکی از راه‌های بررسی و تحلیل رقابت، تشکیل گروه‌های راهبردی برای تحلیل رقابت در درون معارف اسلامی است.

این گروه‌های راهبردی می‌توانند متشکل از خبرگان دانشگاهی، اساتید، اعضای هیئت علمی و اساتید با تجربه دروس معارف اسلامی باشند. اشخاصی که سال‌ها در کلاس‌های دروس معارف با دانشجو ارتباط داشته‌اند و بیگانه با فضای دانشجو و

صورت می‌توانیم بگوییم نهاد رهبری به یک مزیت رقابتی دست پیدا کرده است، چون دارای گروه‌های راهبردی برای تحلیل رقابت است و می‌تواند راهبردهای تحول دروس معارف را دنبال کند و یک نقشه راه مشخص و جامع را برای تحول دروس معارف در دانشگاه‌ها اجرا کند.

### نوآوری و ابعاد آن

یکی دیگر از لوازم تحول دروس معارف توجه به نوآوری است. محال است که حرف از تحول بزنیم ولی قصد نوآوری نداشته باشیم. در دل تحول، نوآوری نهفته است، لذا اگر قرار شد به سمت تحول برویم باید نوآوری کنیم. نوآوری فراتر از خلاقیت است، خلاقیت یعنی ایده پردازی و سلاست فکر، ممکن است. استادی ایده خوبی به ذهنش برسد اما مادامی که توسط اضلاع سه گانه فوق‌الذکر حمایت و ایده او چکش کاری نشود محال است بگوییم این ایده به نوآوری می‌رسد. بر اساس ادبیات صنعتی باید فکر نو را تبدیل به محصول کرد؛ و این نهاد است که باید ایده را تبدیل به محصول کند.

کتاب‌های قبلی جلد گالینگور و شومیز در قطع رحلی و پالتویی و جیبی بود اما امروز صحبت از الکترونیک بوک است. الان صحبت در مورد کتاب‌های تصویری و صوتی است چون بعضی‌ها وقت و حوصله کتاب خواندن ندارند. ما مجبوریم کتاب‌های صوتی تولید کنیم. باید کاری کنیم کتاب‌ها در برنامه‌های نرم افزاری قابل اجرا باشد تا هر لحظه و هر جایی دانشجوی موضوع خاصی را خواست سریع بتواند جستجو کند. الان در زمانی قرار گرفته‌ایم که با حجم انبوهی از کتاب مواجه هستیم و باید تلاش کنیم کتاب‌های ما در بستر فضای مجازی و الکترونیکی در دسترس باشد تا اگر دانشجویی ما از دانشگاه فارغ التحصیل شد و رفت و چند سال بعد با شبهه‌ای مواجه شد بتواند با یک جستجوی ساده در منابع نرم افزاری که ما تولید می‌کنیم به جواب برسد. تولید منابع نرم افزاری در واقع برآیند رویکرد تحول گرایانه ماست، بنابراین باید سراغ نوآوری برویم.

نوآوری در دروس معارف ابعادی دارد؛ بعد اول آن نوآوری در موضوعات و عناوین است، حتی بعضی وقت‌ها لازم است موضوعات و سرفصل‌ها عوض شود. اگر لازم باشد هر دو سه سال یک بار موضوعات و سرفصل‌ها عوض شود. نه اینکه یک سرفصل ده سال هم چنان تدریس شود!

بُعد دوم نوآوری در متن و محتوا است؛ کتاب‌ها باید عوض شود. در حال حاضر کارهای قشنگی انجام می‌شود، نسل امروز

خیلی حوصله خواندن ندارد، من باید کتابی متناسب برای این نسل فراهم کنم و در اختیار او قرار دهم.

بعد سوم نوآوری، شیوه‌های ارائه در کلاس است؛ امروز باید اساتید محترم و خدوم و زحمت‌کش ما شیوه‌های ارائه‌شان را عوض کنند. مثلا در وضعیت امروز که کرونا فراگیر شده است، دانشجو حضور ندارد، باید برویم وارد فضای مجازی شویم و از نرم افزارهای موجود استفاده کنیم و همچنان تلاش کنیم تا با دانشجو ارتباط برقرار کنیم. با نرم افزارهایی که برای آموزش تعبیه شده اساتید ما فقط صوت را منتقل می‌کنند. در حالی که این نرم افزار بسترهای خوبی دارد و می‌شود اسلاید و پاورپوینت ارائه کرد. به هر صورت شیوه‌های ارائه در کلاس را باید دگرگون کنیم و شیوه‌های نوآورانه داشته باشیم. یکی از کارهای قشنگی که در برخی از نظریه‌های مدیریتی در سازمان‌های آموزشی مطرح می‌شود این است که اساتید هر از چند گاهی تجربیات خود را به اشتراک بگذارند. باید به هر طریقی شده اساتید جمع شوند، نه صرفا یک برنامه سمیناری که یکی دو سه نفر از مسئولین حرف بزنند و بقیه اساتید گوش دهند. شبکه‌ای از اساتید ایجاد کنیم که اساتید شیوه‌های تدریس خودشان را با هم به اشتراک بگذارند.

اگر لازم باشد باید به سمت ایجاد شبکه‌های اساتید برویم، ما می‌توانیم با کمی تلاش و سیاست گذاری و الزام و ایجاد مشوق‌های لازم، شبکه‌ای از اساتید معارف ایجاد کنیم. مثلا ۵۰۰ شبکه داشته باشیم که هر شبکه ۵ تا ۱۰ نفر با هم عضو باشند و تجربیاتشان را در عرصه‌های مختلف، از جمله شیوه‌های تدریس و کلاس داری و ارتباط با دانشجو به اشتراک بگذارند. از دل اشتراک این تجربیات ایده‌های خلاقانه به وجود می‌آید و با اندکی حمایت و تشویق تبدیل به عمل می‌شود و همین نوآوری است! اگر چنین اتفاقی بیفتد دانشجو از کلاس و استاد درس معارف لذت می‌برد. امروزه برای اینکه با مخاطب ارتباط برقرار کنند سراغ موشن گرافی و تایپوگرافی و محتواهای تصویری می‌روند و از اینها کمک می‌گیرند تا با مخاطب ارتباط برقرار کنند.

در علم ارتباطات تکنیکی به نام «ان ال پی» داریم که با شناخت سیستم روحی افراد و انطباق آن با فن برنامه‌ریزی عصبی کلامی، تلاش می‌کند تا فرستنده پیام یعنی معلم و استاد، با گیرنده پیام یعنی فراگیر و دانشجو ارتباط برقرار کند. یکی از معضلاتی که داریم و شاید ریشه در فرهنگ ما داشته باشد این است که همه آدم‌ها را سمعی فرض می‌کنیم. در حالی که تکنیک ان ال پی به ما می‌گوید دانشجویها از این جهت چند قسم هستند: برخی بصری و



برخی سمعی و برخی لمسی و برخی حسابگر هستند؛ بعضی‌ها فقط می‌خواهند گوش دهند، آن کسی که سمعی است استادی را دوست دارد که خوب و قشنگ و با محتوا حرف بزند. بعضی‌ها بصری هستند و باید ببینند. برای آدم‌های بصری کتاب حتی کم حجم صد صفحه‌ای هم جواب نمی‌دهد، برای آدم بصری تصویر جواب می‌دهد. برخی از افراد حساب گر هستند، وقتی می‌خواهی برای او مطلبی را ارائه کنی دنبال استدلال و برهان می‌گردد، باید صغری و کبری بچینیم!

### باید ذائقه مخاطب را بدانیم

یکی از انتقاداتی که به نظرم به برخی از ناشران ما وارد هست این است که ما کتاب‌های معارفی و دینی چاپ می‌کنیم و در اختیار دانشجویان قرار می‌دهیم و این کتاب خسته کننده و ملال آور بوده است. اما کتاب‌های آموزشگاه‌های زبان مثل «هد وی، هد استار» و انواع و اقسام کتاب‌های زبانی که وجود داشته و دارد، اصلاً خود شکل و تصاویر آن‌ها دانشجو را جذب می‌کند! بنابراین اگر قرار شد نوآوری کنیم لازم است سراغ فعالیت‌های میان رشته‌ای برویم؛ یعنی اساتید معارف و اساتید هنر و کسانی که در عرصه‌های موشن گرافی و تایپوگرافی هستند، در کنار هم کار کنند. اگر لازم باشد باید در این گروه‌ها تصویرگر بیاوریم تا مبتنی بر محتواهای علمی و معارفی، محصولاتی برای انتقال مفاهیم دینی تولید کنند.

البته یقیناً یک عده در برابر این کار مقاومت خواهند کرد. یک زمانی کسی از روحانیون جرأت نمی‌کرد لب تاپ یا تبلت بالای منبر ببرد اما این تابو شکست. این وسیله، تکنولوژی است و من به عنوان یک مبلغ می‌توانم از این استفاده کنم. به هر حال در هر تحولی یک عده از افراد مقاومت می‌کنند و انگ‌ها و برچسب‌هایی هم ممکن است بزنند.

وقتی قرار شد فعالیت‌های نوآورانه به منظور تحول دروس معارف اسلامی شکل بگیرد ما باید متناسب با ذائقه‌ها حرکت کنیم. امروزه مخاطبان دانشگاهی دارای ذائقه‌ها و نیازهای متعدد و متنوعی هستند و کار را برای من استاد معارف به مراتب سخت‌تر کرده است. من معتقدم هر استادی که در زمان خودش مطرح می‌شود، در زمان خودش اقدامات نوآورانه داشته است. امروز اگر من بخواهم عملکرد یک استادی که بیست سال پیش با آن اقدامات فعالیت کرده و توانسته دانشجویان آن زمان را جذب کند، عیناً تکرار کنم موفق نخواهم بود. شاید بتوان تا حدی از تجربیات او استفاده کنم اما اگر بخواهم عیناً مثل او رفتار کنم نمی‌شود چون

من در مقطع زمانی قرار گرفتم که باید دست به، نوآوری در کلاس و محتوا و شیوه‌های ارائه و حتی در برخورد، بزنم. باید به شدت توجه داشت که دانشگاهیان ما ذائقه‌ها و نیازهای متعدد و متنوعی دارند که باید در ارائه دروس معارف برای دانشجویان، ذائقه‌ها و نیازهای آن‌ها را مورد توجه قرار داد. در گذشته اگر برای یک درس یک نوع کتاب تولید می‌کردیم امروز باید برای یک درس، پنجاه نوع کتاب تولید کنیم! شاید این حرف خنده‌دار باشد؛ چون کسانی که می‌خواهند حرف‌های نوآورانه بزنند چیزهایی را می‌گویند که در آن جامعه و آن بستر پذیرش کمی داشته باشد یا اصلاً مورد پذیرش واقع نشود و مورد استقبال قرار نگیرد و برخی بخندند! ولی حقیقت این است.

اگر یک نفر از این نوع کتاب و محتوای آموزشی ما در دروس معارف لذت نبرد، آیا ما جایگزینی برای او داریم؟ ما سناریوهای مختلفی را باید در بحث تحول دنبال کنیم؛ یعنی متناسب با این ذائقه این دسته کتاب‌ها را داریم و متناسب با این شباهت این

امروزه مخاطبان دانشگاهی دارای ذائقه‌ها و نیازهای متعدد و متنوعی هستند و کار را برای من استاد معارف به مراتب سخت‌تر کرده است. معتقدم هر استادی که در زمان خودش مطرح می‌شود، در زمان خودش اقدامات نوآورانه‌ای داشته است. امروز اگر من بخواهم عملکرد استادی که بیست سال پیش با آن اقدامات فعالیت کرده و توانسته دانشجویان آن زمان را جذب کند، عیناً تکرار کنم، موفق نخواهم بود. شاید بتوان تا حدی از تجربیات او استفاده کنم اما اگر بخواهم عیناً مثل او رفتار کنم، نمی‌شود چون من در مقطع زمانی قرار گرفتم که باید دست به، نوآوری در کلاس و محتوا و شیوه‌های ارائه و حتی در برخورد، بزنم.

دسته کتاب‌ها را داریم و... همه این حرف‌ها مبتنی بر نگاه تحول‌گرایانه و ادبیات تحولی است که ما باید آن را در تمام فعالیت‌های تحول‌گرایانه مان دنبال کنیم.

# مانیتورینگ دروس معارف در دانشگاه

دکتر ابوالفضل خوشی

دانشیار و عضو هیأت علمی دانشگاه علوم پزشکی بقیةالله



## درآمد

برای تحول در دروس معارف این ۴ حوزه را باید همراه با هم ببینیم.

همچنین در تحول باید به یادگیرنده توجه شود؛ یادگیرنده کسی است که در پی یادگیری است. معلم، که نقش مهم و بی بدیلی در آموزش و تحول دارد، در پی هدایت و راهنمایی یادگیرنده هست و سه ویژگی عمده؛ تسهیل کنندگی، راهبری و مدیریت یادگیری در معلم وجود دارد. اگر خواستار یک طرح تحول هستیم، مطالبه مقام معظم رهبری خصوصاً از گروه معارف اسلامی، توجه به نیاز یادگیرنده است. ما خواستار این هستیم که سطح گروه‌های معارف، فارغ از مقایسه با دیگر گروه‌های آموزشی، متناسب با تراز انقلاب اسلامی و نقش تمدنی آن در تمدن نوین اسلامی، بالا بیاید.

## رویکردهای آموزشی

دو رویکرد فعال و منفعل در آموزش و تدریس مطرح است. در تدریس شاگرد و معلم توأمان با هم مشارکت دارند و به تناسب اینکه سهم کدام یک بیشتر باشد نوع خاصی از آموزش و تدریس مطرح می‌شود. آنجایی که سهم معلم بیشتر است و به صورت کامل معطوف به نقش معلم هستیم، معلم محوری و تمرکز است. آنجایی که نقش بیشتری در فعالیت به شاگرد بدهیم و او را در یادگیری دخیل کنیم، اصطلاحاً آن را «تدریس فعال» می‌گوییم. اگر سهم معلم بیشتر شود اصطلاحاً به آن تدریس غیرفعال می‌گوییم، چون در این صورت شاگردان عموماً شنونده هستند و هیچ مشارکتی ندارند. تدریس به کارگیری هنرمندانه علم است، یعنی اگر می‌خواهیم تحولی در ارائه دروس ببینیم معلم باید هنرمندی

روود آموزش‌های جدید به ایران مصادف با دوران قاجار است. از دوره ناصرالدین شاه مفاهیم جدید آموزشی به صورت رسمی وارد آموزش ما شد که دارالفنون یکی از نمادهای آن است. از دوره دارالفنون تا دوران پهلوی شاهد اولین رویکرد به آموزش، یعنی «آموزش معلم‌محور» یا «آموزش اقتدارگرایانه» هستیم. در این رویکرد سیاست‌گذاری و محتوا و نوع ارائه معلم و نوع حضور دانش آموز، همه به صورت ابلاغی از بالا به پایین عمل می‌شود و هیچ نوآوری و تغییری در آن روا نیست و روش آن هم بر محور معلم است.

بعد از انقلاب این احساس به وجود آمد که آموزش و پرورش ما در تحولاتی که از ۱۹۵۰ در جهان شروع شده، عقب مانده و ما باید رویکرد جدیدی را ایجاد کنیم. سال ۱۳۶۳ شمسی به پیشنهاد شورای عالی انقلاب فرهنگی رویکرد نیمه متمرکز، که باعث شد برخی اختیارات به مؤسسات آموزشی و دانشگاه‌ها واگذار شود، شکل گرفت و تا امروز، که حدود ۴ دهه می‌گذرد، تقریباً مادر رویکرد نیمه متمرکز قرار داریم؛ البته در مواردی می‌خواستیم به سوی تحول و یادگیرنده محور یا نیاز محور برویم. رویکردی که نزدیک ۷۰ سال است در دنیا اجرا می‌شود «آموزش مدرن» است و در ۴ ساله اخیر وارد مرحله «یادگیرنده محور» شده‌اند.

## حلقات تحول

در تحول باید به ۴ حوزه توجه کافی داشته باشیم؛ حلقه اول مدل‌های آموزشی و حلقه دوم راهبردهای آموزشی و حلقه سوم روش‌های آموزشی و حلقه چهارم مهارت‌های آموزشی است. ما



کتاب‌هایی که الان نوشته می‌شود چقدر با اهداف آموزشی متناسب هست و چقدر نیست، کار کند. هدف‌های آموزشی هم می‌تواند موضوع فعالیت یک کارگروه باشد. (در پژوهش‌هایی که در درس معارف در سال‌های گذشته انجام دادم بعضی دانشجویان گفته‌اند ما پنجاه درصد این هدف‌ها را قبول داریم و قابل اجرا می‌دانیم. ولی نهاد هم چنان بعد از چهار دهه اصرار بر اجرای آن اهداف دارد) وقتی اهداف آموزشی تغییر نکنند هدف‌های جزیبی و رفتاری و عینی هم به تبع آن تغییر نمی‌کند.

نیازهایی که در دهه هشتاد بوده با نیازهایی که در دهه نود هست البته با هم متفاوت است و نیازهایی که امروز مطرح است با نیازهایی که در دهه‌های بعد مطرح خواهد شد کاملاً با هم متفاوت است. ما باید اول نیازها را شناسایی کنیم و در مرحله بعد آن‌ها را جمع‌آوری و در مرحله سوم آن‌ها را طبقه‌بندی و در مرحله چهارم آن‌ها را اولویت‌بندی کنیم و دائماً این مراحل را در یک کلاس درس

از دوره ناصرالدین شاه مفاهیم جدید آموزشی به صورت رسمی وارد آموزش ما شد که دارالفنون یکی از نمادهای آن است. از دوره دارالفنون تا دوران پهلوی شاهد اولین رویکرد به آموزش، یعنی «آموزش معلم‌محور» یا «آموزش اقتدارگرایانه» بودیم. در این رویکرد سیاست‌گذاری و محتوا و نوع ارائه معلم و نوع حضور دانش‌آموز، همه به صورت ابلاغی از بالا به پایین عمل می‌شود و هیچ نوآوری و تغییری در آن روا نیست و روش آن هم بر محور معلم است. اما رویکردی که نزدیک ۷۰ سال است در دنیا اجرا می‌شود «آموزش مدرن» است و در ۴۰ ساله اخیر وارد مرحله «یادگیرنده محور» شده‌اند.

باشد که بتواند علمش را با همه ابزارهای هنری و به صورت هنرمندانه در آن رشته علمی، منتقل کند.

### عوامل مؤثر بر یادگیری

عوامل مؤثر بر یادگیری عبارتند از عوامل زمینه‌ای مثل خانواده، جامعه، وارثت، شرایط فرهنگی و اقتصادی، و عوامل درون‌داد که مربوط به فراگیر می‌باشند مثل شرایط جسمی، ذهنی و برخی عوامل مربوط به معلم و فراگیر. در عوامل و عناصر مؤثر بر یادگیری در طرح تحول، نهاد رهبری باید موضوعات مختلفی را به صورت تخصصی و با همت جدی، پیگیری کند. مثلاً یک کارگروه روی فراگیر و استعدادها و توانایی‌ها و تجارب او و یک کارگروه مستقل روی محتوای برنامه درسی، خصوصاً بررسی اینکه

تدریس به صورت علمی و درست به اساتید منتقل شود. در تدریس فعال باید تدریسی متمایل به یادگیرنده داشته باشیم، به او آزادی عمل و نقش اساسی دهیم و یادگیری پایدار و مؤثر را تسهیل کنیم. اگر یادگیری را ایجاد تغییر نسبتاً پایدار در رفتار

در تحول باید به ۴ حوزه و حلقه توجه کافی داشته باشیم؛ حلقه اول مدل‌های آموزشی و حلقه دوم راهبردهای آموزشی و حلقه سوم روش‌های آموزشی و حلقه چهارم مهارت‌های آموزشی است. ما برای تحول در دروس معارف این ۴ حوزه را باید همراه با هم ببینیم. اگر خواستار یک طرح تحول هستیم، مطالبه مقام معظم رهبری خصوصاً از گروه معارف اسلامی، توجه به نیاز یادگیرنده است. ما خواستار این هستیم که سطح گروه‌های معارف، فارغ از مقایسه با دیگر گروه‌های آموزشی، متناسب با تراز انقلاب اسلامی و نقش تمدنی آن در تمدن نوین اسلامی، بالا بیاید.

بالقوه یادگیرنده بدانیم، مشروط بر آنکه این تغییر بر اثر تجربه رخ دهد؛ یعنی این تغییر باید در محیط یادگیری در تعامل با استاد و دانشجویان دیگر و مرور مطالبی که یادگرفته، فضایی را ایجاد کند که این فضا یادگیرنده محور باشد تا ببینیم که یادگیرنده در جهات مختلف فعال نیز هست. این یک تدریس تحول یافته و فعال خواهد بود.

ما باید کارگاه‌های متعددی بگذاریم و زمینه‌های متعددی برای آمادگی استاد معارف اسلامی ایجاد کنیم. آمادگی‌های قبل از تدریس، حین تدریس و بعد از تدریس چه باشد؟ ارائه مطالب باید به چه صورتی باشد؟ توقع ما در ارائه از استاد چیست؟ و... همه اینها نیاز به ارائه تکنیک و روش‌های جدید دارد و در طرح تحولی باید حتماً به اینها هم پرداخته شود.

### آموزش گام به گام

طبیعت آموزش، گام به گام و مرحله به مرحله است و دفعی نیست؛ یعنی از یک مرحله به مرحله دیگر وارد می‌شود؛ پس تحول در آموزش هم همینطور است. در تحول اهداف کلی و جزئی یا حتی اکشن پلن (برنامه فعالیت) در سطوح مختلف را می‌نویسیم. تا رسیدن به اکشن پلن ما باید یک طرح داشته باشیم و بر اساس آن

یا سیستم آموزشی یا نهاد رهبری اجرا کنیم و اینها باید دائماً ماینورینگ شوند، دائماً باید رصد شوند و هر ترم یا هر سال، نو گردند. ما هدفی را سال ۶۳ نوشتیم و بر اساس آن طرح، محتوا و کتاب‌هایی تدوین کردیم و این کتاب یا کتاب‌ها دائماً در طول سه/چهار دهه با اندک ویرایش و تجدید نظری چاپ می‌شوند!

ما باید به سازماندهی محتوا به صورت عمودی و افقی دقت کنیم؛ چون محتوا یکی از عناصر مؤثر بر یادگیری است. همچنین باید به نقش معلم نیز دقت شود و فیلترهای ورودی و مجوزهای ما متحول شود. با همه زحماتی که دوستان در طول ۴ دهه متحمل شدند هنوز ایرادات اساسی به فرایند آموزش و فرایند جذب اساتید جدید (حق تدریسی یا پذیرش عضو جدید) وارد است. ما یک فرایند فعال و پویا در گزینش اساتید نداریم و آنچه که عمل می‌شود به نظر می‌آید تا حدودی به صورت سلیقه‌ای است؛ چنان‌که این فرآیندها از یک مدیر به مدیر دیگر می‌تواند کاملاً متحول شود!

ارتباط متقابل فراگیران در گروه‌بندی و فعالیت‌های یادگیری، که دو عنصر مهم از عناصر ده‌گانه آموزش هستند، می‌تواند یکی از مواردی باشد که باید متحول شود.

### استاد معارف عالم و ماهر

یکی از چیزهایی که در دروس معارف اسلامی از معلم انتظار می‌رود علاوه بر ایجاد فرصت و تجارب یادگیری و تسهیل و مدیریت یادگیری، داشتن نقش الگویی و مشاوره‌ای است. یعنی معلم ما در میان دیگر گروه‌های آموزشی و بین همکاران و در تعامل با دانشجویان، باید نقش مرجع داشته باشد. به نقش مرجعیت خوب پرداخته نشده است؛ با توجه به اینکه رشته دکتری بنده روانشناسی یادگیری است و حدود بیست سال عضو هیأت علمی گروه معارف هستم، خیلی دوست داشتم در جنبه مشاوره‌ای، ما دارای یک دپارتمان مشاوره باشیم و علاوه بر آموزش‌های که ارائه می‌دهیم، یک نقش مشاوره‌ای، برای محیط دانشگاه و سیستم آموزشی دانشگاه و همکاران دیگر داشته باشیم. در حال حاضر نقش مشاوره‌ای و الگویی ما پررنگ نیست و باید به صورت علمی روی این مسئله کار شود.

استاد معارف باید عالم باشد که بخشی از آن به محتوا بر می‌گردد. محتوا باید به روز و کارآمد باشد. بخش دیگر آن مهارتی است، استاد باید در هر سه حوزه آموزش و یادگیری که حیطه دانشی و شناختی، حیطه انگیزشی یا عاطفی و حیطه روان حرکتی و مهارتی است، مسلط باشد. تسلط در اینها نیاز به آموزش و کارگاه دارد. اگر واقعاً دنبال تحول هستیم باید فنون و مهارت‌های آموزشی و

طرح جلو برویم و مطالب آموزشی را مطرح کنیم. قطعاً در تحول جدید اگر بخواهیم به شکل مدیریتی نگاه کنیم قسمتی هم مربوط به نوع تعامل ما با وزارت علوم و وزارت بهداشت، به عنوان دو وزارتی که متولی آموزش کشور هستند، است.

یکی از بخش‌های تحول، تحول در پژوهش و فعالیت‌های پژوهشی است و همه تحولات در آموزش نیست. به اعتقاد من دو بال معلم برای پرواز در محیط یادگیری، یکی فعالیت‌های آموزشی و دیگری فعالیت‌های پژوهشی است. اگر ما در نهاد بگوییم صرفاً به موضوعات آموزشی می‌پردازیم و به پژوهش کاری نداریم، قطعاً از نیازهای یادگیرنده و نظام آموزشی دور می‌شویم.

### سطوح برنامه ریزی برای تحول

ما در چند سطح نیاز به برنامه‌ریزی در تحول داریم؛ یکی سطح تعاملات وزارتخانه‌ای، حتی شاید نیاز به مصوبات جدید در شورای عالی انقلاب فرهنگی داشته باشیم. تحول در هدف گذاری‌ها سطح دیگری است که باید مورد توجه قرار گیرد. سطح سوم محتواهای آموزشی است؛ و سطح بعدی مربوط به راهبردهای تدریس است. در یک سطح دیگر تحول نسبت به نوع سنجش و ارزشیابی ما در کلاس‌ها باید برنامه‌ریزی شود و در مجموع ما به تحول در عناصر ده گانه آموزش نیاز داریم. پس در تحول، «مدل‌ها و راهبردها و روش‌ها و تکنیک‌های آموزشی» باید دیده شود و این چهار تا کاملاً به هم وصل هستند.

ما در مدل‌های آموزشی با نظام‌های آموزشی مواجه هستیم و برای تغییر در رویکردهای آموزشی، مثلاً از متمرکز به غیر متمرکز، از نیمه متمرکز به یادگیرنده محور، حتماً باید با وزارتخانه‌های علوم و بهداشت هماهنگ باشیم و طرح تحول را نمی‌توانیم فقط در دروس معارف اجرا کنیم. باید تصمیم‌گیران آموزش دانشگاه‌ها به نیازهای ما و به هماهنگی این نیاز با دروس دیگر توجه داشته باشند. پس ما در کرسی‌های تصمیم‌گیری و نظریه‌پردازی در وزارت علوم و وزارت بهداشت باید دخالت جدی و مؤثر داشته باشیم. سطح دیگر سطح مدیران، یعنی مدیران گروه آموزشی است، مدیرانی که مؤثر و مرتبط هستند. باید در طرح تحولی نهاد مقام معظم رهبری تنها یک صدا شنیده شود؛ چه در معاونت محترم آموزش نهاد و همه عزیزان قسمت‌های مختلف آموزشی پژوهشی نهاد، پژوهشگاه نهاد و حتی دانشگاه معارف اسلامی، که دخیل و مؤثر در این موضوعات هستند. یعنی اگر در سطح وزارتخانه و کمیسیون‌های تخصصی و دبیرخانه تخصصی آموزش وزارتخانه کاری را پیگیری کردیم و ریل گذاری را انجام

دادیم، در سطح مدیران میانی نهاد و مدیران گروه این باید کاملاً دیده و تبدیل به برنامه شود.

راهبردها و سیاست‌ها در گروه‌ها تبدیل به برنامه می‌شود. اینکه این ده عنصر آموزش و سیاست گذاری‌های کلان را چطور می‌خواهند در بُعد اجرا مدیریت کنند؛ در معاونت آموزش، در معاونت پژوهش، در دانشگاه معارف، در پژوهشگاه قم، باید با هم در جزء و کل روابط معناداری داشته باشیم. همه ما یک پازل و جدولی را با هم پر می‌کنیم، این جدول، محیط یادگیری و آموزش است. ولی در این جدول؛ نقش و جای هر فرد یا گروه و هر سیستم تصمیم‌گیرنده‌ای باید کاملاً تعریف و مشخص شود. من بیشتر مدل‌ها را معطوف به مدیران رده بالای نهاد و وزارتخانه می‌دانم. راهبردها را متوجه گروه‌های آموزشی و مراکز تصمیم‌گیرنده می‌دانم، و در سطح سوم که روش‌ها هست معلم است که باید این روش‌ها را با تکنیک‌هایی که در اختیار دارد در مرحله چهارم در کلاس درس محقق کند.

### نیازمند یک فضای مانیتورینگ هستیم

ما در نگاه به نیاز یادگیرنده باید به‌روز عمل کنیم. با وجود دستگاه‌های ارتباط جمعی متنوع و متکثری که امروز در فضای مجازی هست و در اثرگذاری‌هایی که به صورت لحظه‌ای بر دانشجویان و اساتید و محیط یادگیری و سیستم آموزشی وجود دارد، نیازمند یک فضای مانیتورینگ هستیم. ما نیاز داریم مثل اداره راهنمایی و رانندگی که یک مرکز مانیتورینگ برای جاده‌های کشور دارد و دوربین‌های مختلفی که رصد می‌کند ترافیک و نوع وضعیت جاده‌ها، ورود و خروج، و... حتی الان به تکنیک‌هایی رسیدند که تعداد ماشین‌هایی که از هر معبر عبور می‌کند را به صورت کمی و کیفی قادر به ارائه گزارش لحظه‌ای هستند، ما هم از همین مدل مانیتورینگ می‌توانیم برای دروس معارف اسلامی در دانشگاه استفاده کنیم. می‌توانیم محاسبه کنیم امروز یا ترم گذشته در کل دانشگاه‌های ایران دانشجویان چه نیازهایی را بیان کردند، آیا بین نیازهای دو ترم در این سال با دو ترم قبل تفاوت معناداری وجود دارد؟ اگر دارد در چه زمینه‌هایی هست؟ و ده‌ها سؤال از این دست می‌توانیم با مرکز مانیتورینگ که زیر نظر حجت الاسلام والمسلمین دکتر رستمی، که هم شاداب هستند و هم روحیه جوانی دارند، این موضوعات را در لحظه مانیتورینگ کنیم. حتی ما می‌توانیم یک مرکز مانیتورینگ یا مرکز تحول و تعالی در دروس معارف در صنعت کشور قرار دهیم که قرارگاه مرکزی آن هم در یک جایی مثل خیابان اسکو یا خیابان زرتشت باشد که دائماً اینها را

ماه طراحی کنیم و بنویسیم.

در آن برنامه استراتژیک ما از مرحله رسیدن به هدف و بعد تبدیل به برنامه و اکشن پلن می‌توانیم یک برنامه ده ساله تحولی برای نهاد رهبری بنویسیم؛ تا هر کس که بعد از معاون آموزش یا حتی مسئول نهاد بود بتواند این خط را دنبال کند. ما می‌توانیم یک هدف کوتاه مدت یک ساله و میان مدت سه ساله و پنج ساله و یک برنامه بلند مدت ده ساله داشته باشیم. باید یک سند ارائه دهیم که برنامه استراتژیک نهاد در یک دوره یک ساله، سه ساله و پنج ساله و ده ساله این است؛ این سند باید واقعی و متناسب و متأثر از اسناد بالادستی و انتظارات مقام معظم رهبری باشد.

در مرحله بعد که این سند را ارائه دادیم و مورد توافق و اعتبار بخشی همه مدیران گروه و صاحب نظران قرار گرفت، این سند را ملاک و مبنای حداکثر یک دوره سه ماهه یا شش ماهه قرار دهیم و ده سال آینده را بر مبنای این سند در سطوح مختلف، حتی گرفتن عضو جدید در گروه معارف و مجوزهای تدریس و چاپ کتاب و موضوعات مختلفی که در ده عنصر آموزش هست، برنامه ریزی استراتژیک داشته باشیم.

### گروه معارف، اقیانوسی از فضای همکاری و هم‌افزایی

گروه معارف در ۴۷۰ واحد دانشگاهی مشغول به فعالیت است و اساتید زیادی عضو گروه‌های معارف هستند و چندین برابر این اعضا عزیزانی هستند که به صورت حق التدریس همکاری می‌کنند. اگر اینها را به اضافه ویژگی‌های ده عنصر آموزش و دیگر ویژگی‌ها، کنار هم بگذاریم می‌بینیم اقیانوسی از فضای همکاری و هم‌افزایی ایجاد می‌شود. متأسفانه در گذشته به دلیل جزیره‌ای عمل کردن و عدم ارتباطات معنادار بین گروه‌های آموزشی نتوانستیم از این ظرفیت‌ها خوب استفاده کنیم.

سعی کنیم از اساتیدی که دارای تخصص در حوزه‌های مختلف علمی هستند و تجربه تدریس در گروه معارف اسلامی را دارند استفاده کنیم. اینجا نیاز است که ما با اتکا به درون مجموعه گروه‌های معارف اسلامی و کمک و مشورت گرفتن از بیرون و کارشناسانی که در آموزش و پرورش و آموزش عالی هستند، همت کنیم و این تغییر را انجام دهیم. تغییر باید توسط خود نهاد، گروه‌های معارف اسلامی اساتید بزرگواری که مشغول به کار هستند رقم بخورد. ضمناً تأکید روی اساتید تمام وقت و ثابت گروه‌های معارف است، چون اینها هستند که در دراز مدت می‌توانند یک سیاستی را مثلاً در طول پنج یا ده یا بیست سال به صورت پیوسته جلو ببرند.

ما نیاز داریم مثل اداره راهنمایی و رانندگی که یک مرکز مانیتورینگ برای جاده‌های کشور دارد و با دوربین‌های مختلفی ترافیک و نوع وضعیت جاده‌ها، ورود و خروج، و... را رصد می‌کند و به صورت کمی و کیفی گزارش لحظه‌ای می‌گیرند، ما هم می‌توانیم از همین مدل مانیتورینگ برای دروس معارف اسلامی در دانشگاه استفاده کنیم. می‌توانیم محاسبه کنیم امروز یا ترم گذشته در کل دانشگاه‌های ایران دانشجویان چه نیازهایی را بیان کردند، آیا بین نیازهای دو ترم امسال با دو ترم سال قبل تفاوت معناداری وجود دارد؟ اگر دارد در چه زمینه‌هایی هست؟ و ده‌ها سؤال از این دست می‌توانیم با مرکز مانیتورینگ که زیر نظر ریاست محترم نهاد هست، این موضوعات را در لحظه رصد کنیم.

رصد کند.

اگر این رصد از دانشجویان و نیازهای او و از شکل شناخت نیاز و بعد جمع‌آوری و طبقه‌بندی و مرحله چهارم اولویت‌گذاری انجام شد، می‌توانیم یک طرح تحولی بدهیم. طرحی که در ساختار ما و در ساختار گروه‌ها و در ساختار جذب و گزینش و مجوزها و نوشتن محتواها و نوع اجرای کلاس‌های معارف و... صدها متغیر را چه به صورت مستقل، چه به صورت غیر مستقل یا وابسته، می‌توانیم مطالعه کنیم. طبق فرمایش مقام معظم رهبری رسالت ما فقط درس دادن دروس معارف اسلامی نیست، ما در اسلامی شدن و در تراز انقلاب اسلامی قرار گرفتن دیگر گروه‌ها و دانشگاه‌ها باید مؤثر و پیشگام و الگو باشیم تا این مهم اتفاق بیفتد.

### باید سند تحول داشته باشیم

اشاره شد که آموزش و تغییر دفعتاً نیست بلکه گام به گام است. ابتدا باید یک برنامه استراتژیک داشته باشیم و در برنامه استراتژیک دو بُعد داخلی و خارجی متصور است؛ در بُعد خارجی فرصت‌ها و تهدیدها و در بُعد داخلی موضوعاتی مثل نقاط قوت و ضعف را مطالعه می‌کنیم و بر مبنای آن‌ها و از برابند آن‌ها یک برنامه استراتژیکی می‌نویسیم که محور به محور ذیل موضوعاتی مشخص می‌شود. اگر اراده‌ای باشد ما می‌توانیم برنامه استراتژیک نهاد رهبری و به تبع آن برنامه استراتژیک آموزش را در حداکثر سه

# «متن، استاد و برنامه»

به عنوان محورهای تحول دروس معارف اسلامی

دکتر حسن پناهی آزاد

استادیار و عضو هیئت علمی دانشگاه معارف اسلامی



## درآمد

تحول دروس معارف اسلامی، تحول خواهی استاد معارف است؛ آن استادی که در عین توانمندی در تولید متن درسی، در یک متن متوقف نمی‌شود و در عین داشتن معلومات قابل توجه، همواره در جستجوی نکته‌ها و ارمغان‌های نو برای ارائه به دانشجو است. این استاد می‌تواند نظام دروس معارف اسلامی را متحول کند و بدون تکیه بر متن معین، محتوای آموزه‌های اسلام را در جان جوان جاری سازد. البته اگر در کنار این امر، متن درسی مطلوب (منظم، روان، منضبط، غنی، روشمند و...) نیز در اختیار استاد و دانشجو باشد، عمق اثر دروس معارف بیشتر خواهد شد.

تحول دروس معارف، نیازمند سنجش و پردازش دقیق است و البته عجله‌بردار و مسامحه‌پذیر نیست. این تصور که می‌توان در کوتاه مدت، مثلا دو ترم تحصیلی، تحولی مشهود در دروس معارف ایجاد کرد، نادرست، ناتمام و گواه کم‌تجربگی است. اما به حکم «ما

درس و استاد معارف اسلامی، مأمور انباشت اطلاعات در حافظه دانشجو نیست؛ بلکه استاد معارف، پیش و بیش از متن و واحد و ترم، با قلب و تعلقات باطنی دانشجو سرو کار دارد. چه بسیار اساتید معارف اسلامی که از روی عشق به وظیفه و رسالت خود و ترویج آرمان‌های انسان‌ساز اسلام، قدم در کلاس معارف اسلامی می‌نهند. هرچند تلخی‌ها و سختی‌های وصف‌نشده‌ای را از دوست و دشمن تحمل می‌کنند.

اگر استاد معارف با این نگاه وارد درس معارف شد، در دانشگاه می‌درخشد و برای دانشجو، علاوه بر استاد، مشاوری امین، برادری ناصح و پدری خیرخواه است. آنگاه آموزه‌های وحیانی اسلام، همراه با اخلاق نیکو و عمل منطبق بر ادعا، نه تنها در ذهن، که در عمق قلب و روح دانشجو مستقر می‌شود. این امر محدود به زمان و مکان نیست و باید به طور مستمر و روزآمد جریان داشته باشد. رکن اصلی

لَا يُدْرِكُ كَلِمَةً لَا يُتْرَكُ كَلِمَةً» باید به قدر وسع کوشید و امیدوار بود که خدای مٔان عمر و امکان لازم را عنایت فرماید.

## معنا و ابعاد تحول دروس معارف

تحول دروس معارف اسلامی، یعنی بهبود شرایط «متن، استاد و برنامه» در راستای تاثیرگذاری بر اندیشه و رفتار دانشجو. اما این مفهوم، مفهومی کیفی است. تاثیر یک آموزه معارفی را نوعاً نمی‌توان در جمع‌های دوستانه دانشجویان در صحن دانشگاه دید؛ اما همین جوان سال‌ها بعد، وقتی در موقعیت انتخاب و رأی قرار گرفت، رفتاری از خود نشان دهد که منشأ آن نکته‌ای در دروس معارف استادی دلسوز و آگاه باشد. پس باید معیارهای توفیق دروس معارف را تحدید و تا حد ممکن کمی‌سازی کرد. مثلاً تعداد دانشجویی استقبال‌کننده از درس یک استاد، میزان حضور صبورانه دانشجو در کلاس یک استاد، میزان ارتباط دانشجو با یک استاد در بیرون از کلاس، میزان مراجعه و پرسش و مشورت‌گیری دانشجو از یک استاد نسبت به استاد دیگر، نشان از توفیق آن استاد است؛ همچنین آنس با یک کتاب و مطالعه مستمر توسط دانشجو، نشان توفیق آن متن درسی است. البته این امور به سادگی حاصل نمی‌شود و کانون تعیین‌کننده این مؤلفه‌ها، علم، مهارت، منش و روش استاد در تدریس و تعامل با دانشجو است. علاوه بر این که در این خصوص، تجربه بیش از تحلیل و بررسی نظری و جستجوی میدانی جامع بیش از پردازش حدسی اعتبار و اثر دارد.

سخن از تحول دروس معارف، منبعث از عدم تأمین اهداف تعریف شده برای دروس معارف است. اگر معیاری برای توفیق دروس معارف وجود داشته باشد، همان، معیار تحول نیز خواهد بود. تحول به معنای تجدید سازویرگ حرکت به سوی هدف تأمین نشده و طرح ضرورت تحول دروس معارف، به معنای عدم موفقیت دروس معارف اسلامی است. باید منشأ یا علت عدم توفیق را یافت و در پی تأمین ابزارها و لوازم و سازوکارهای تحول رفت. تحول بدون برنامه دقیق، عملی نیست. نباید انجام «کار بایسته و حساب شده» را با انجام «هر کار ممکن» جابجا گرفت. به نام تحول، تغییر یک یا چند ساختار و متن و تغییر یا جابجایی یک یا چند تصمیم‌گیرنده و تشکیل جمع جدید و ...، دردی را درمان نمی‌کند. متعلق تحول دروس معارف اسلامی، تنها متن و تنها استاد نیست، بلکه این دو در کنار هم و البته با اصالت استاد، متعلق تحول هستند. اگر اراده‌ای متعلق به تحول واقعی و بایسته در دروس معارف باشد، و نه صرف شعار و آمار و گزارش، باید این دو را در کنار هم ملاحظه کند. مبدأ و مقصد تحول

نیز باید روشن باشد. یعنی باید روشن شود دروس معارف اسلامی در چه وضعیت و موقعیتی قرار دارد و باید به کدام وضعیت و موقعیت برآید. به تبع این امر، باید روش تحول نیز روشن شود.

سطح انتظار دانشگاهیان عزیز از استاد معارف در کنار روحانیت و نهاد نمایندگی مقام معظم، سطح حضور و تاثیر علمی و معنوی بزرگانی چون شهید بهشتی و شهید مطهری است. چنان که جمله جناب آقای دکتر رحیمی معاون محترم پژوهشی وزیر «عتف»، در جلسه اخیرشان با جناب حجت الاسلام و المسلمین دکتر رستمی و معاونان محترم پژوهشی دانشگاه‌های کشور به مناسبت هفته پژوهش همین بود. این، منزلتی است که عنایت ویژه و جدیت هرچه بیشتر اساتید بزرگوار معارف اسلامی را می‌طلبد.

معاونت پژوهشی دانشگاه معارف، در طراحی، تحول دروس

تحول دروس معارف اسلامی، یعنی بهبود شرایط «متن، استاد و برنامه» در راستای تاثیرگذاری بر اندیشه و رفتار دانشجو. اما این مفهوم، کیفی است. تاثیر یک آموزه معارفی را نوعاً نمی‌توان در جمع‌های دوستانه دانشجویان در صحن دانشگاه دید؛ اما همین جوان سال‌ها بعد، وقتی در موقعیت انتخاب و رأی قرار گرفت، رفتاری از خود نشان دهد که منشأ آن نکته‌ای در دروس معارف استادی دلسوز و آگاه باشد. پس باید معیارهای توفیق دروس معارف را تحدید و تا حد ممکن کمی‌سازی کرد.

معارف را در سه بخش «متن، استاد و گروه معارف» بدین نحو تعریف کرده است:

۱. ارتقاء متون دروس معارف از یک متن آموزشی صرف به منبع معرفت دینی در دانشگاه‌ها ۲. ارتقاء استاد معارف اسلامی از استاد آموزشی صرف به راهنمای معرفتی و معنوی ۳. ارتقاء گروه‌های معارف اسلامی، از گروه آموزشی به مرجع علمی به ویژه علوم انسانی در دانشگاه‌ها. به میزان تحقق این سه هدف، مرجعیت علمی و



فکری نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاهها تامین شدنی است.

در خصوص متن هم باید گفت: عدم رضایت از متون تولید شده در سالیان متممادی مشهور است. البته کسی هم منکر ضعف برخی کتابها نیست. اما چه باید کرد؟ شکی نیست که تولید محصول بدون تشخیص ذائقه مصرفکننده شکست می‌خورد. بنابراین باید تولیدکننده کتاب، سازوکار تشخیص ذائقه مخاطب را در اختیار داشته باشد. این طور نباشد که ذائقه مخاطب را کسی بسنجد و محصول را کسی دیگر تولید کند. به نظر می‌رسد عامل نامطلوب بودن کتب درسی، همین گسست بین تشخیص و تولید است. بنابراین باید هر دو بخش در اختیار یک مرکز باشد و این مرکز، با اطلاع جامع از حال و هوای مخاطب و عوامل جلب توجه و راهزنان ذهن او، محتوای معارف اسلامی را فرآوری کرده و در اختیار او قرار دهد. ناگفته نپیداست که همین امر فرآوری و تولید محصول مطلوب، خود امری بسیار مهم و دقیق است. علاوه بر این، ارزیاب محصول تولید شده هم خود مصرفکننده است. یعنی باید ارزیابی کتب درسی بر عهده خود اساتید معارف اسلامی و دانشجویان باشند و این نظرات و ارزیابیها تا مدام به تولیدکننده منتقل شود. در این فرایند نباید از ابلاغ و تبلیغ غافل بود. چه بسا محصولی با کیفیت و مطلوب تولید شده، اما به دست مخاطب یا مصرفکننده (به ویژه استاد) نرسیده باشد. حقیر در جریان کتابهای تولیدی چند سال اخیر مشاهده می‌کنم که کتابی به چاپهای مکرر می‌رسد، در حالی که کتابی همتراز یا کیفی‌تر در چاپ اول و دوم مانده است! این نشان از عدم ابلاغ و تبلیغ به موقع و کافی است. در نتیجه متن درسی، نیازمند یک چرخه جامع «سنجش، تولید، توزیع، بازخوردگیری و بازتولید» است.

### محورهای تحول دروس معارف اسلامی

۱. تحول محتوایی دروس معارف اسلامی، به معنای کنار گذاشتن ارکان و مبانی معرفتی دروس معارف اسلامی نیست. مثلا نمی‌توان اصول اعتقادی، اوصاف متون دینی (قرآن و حدیث)، آرمانها و شعائر محوری انقلاب اسلامی یا میراث تمدنی اسلامی را از متن دروس معارف اسلامی کنار نهاد و مضمون دیگری جایگزین کرد؛ چیزی که هست این که باید غنای مطالب را ارتقاء داد تا دانشجوی در درس معارف اسلامی، مثلا درس اندیشه اسلامی ۱ و ۲، احساس کند مطالبی به مراتب برتر و بهتر از مطالب دبیرستان به دست می‌آورد. این امر با مهارت استاد در ارائه و غنای متن درسی قابل تامین است. به عنوان مثال در درس اندیشه ۱ و ۲ توقف در متن براهین توحید،

ارمغان جدیدی ندارد، اما امتداد مطلب در توحید عملی و آثار آن و استشهاد به سیره و سنت اولیا و صلحا، برای دانشجویان جذابیت توأم با معرفت بخشی دارد. در درسی مانند انقلاب نیز باید از قلمرو تفسیر انقلاب به عنوان یک پدیده سیاسی اجتماعی فراتر رفت و کارکردهای انقلاب مبتنی بر آرمانهای انقلاب اسلامی را با شواهد آماری پیش روی دانشجویان نهاد.

معاونت پژوهشی دانشگاه معارف، در طرحی، تحول دروس معارف را در سه بخش «متن، استاد و گروه معارف» بدین نحو تعریف کرده است:

۱. ارتقاء متون دروس معارف از یک متن آموزشی صرف به منبع معرفت دینی در دانشگاهها ۲. ارتقاء استاد معارف اسلامی از استاد آموزشی صرف به راهنمای معرفتی و معنوی ۳. ارتقاء گروههای معارف اسلامی، از گروه آموزشی به مرجع علمی به ویژه علوم انسانی در دانشگاهها.

البته در این میان نباید از آسیبهای خواسته یا ناخواسته بر سر راه دانشجوی غفلت کرد. شرح این نکته مجال دیگری می‌طلبد که عمدتا در بحث مهارت‌های استادی قابل طرح است. اما کوتاه این که جوان دانشجویان در پی پاسخ به پرسشهای درونی و گمشده حقیقی خویش است، هرچند در ظاهر رفتارشان نمایان نباشد؛ اما به محض این که ندایی از جنس پاسخ مطلوب خویش بشنود، اقبال خواهد کرد. استاد معارف باید علاوه بر خطاب آموزشی، فراخوان و جهت‌دهی معنوی و تربیتی را نیز در کلاس خود جاری سازد.

تنوع و تکثر متون درسی، نیاز دیگری است که منبعث از تنوع و تکثر بالای قومیت، مذهب، زبان، فرهنگ و ... است. ایران اسلامی در عین این تنوع و تکثر، دارای وحدتی مثال‌زدنی است و محور اصلی این وحدت، مبانی فطری اسلام است. چه بهتر که ابعاد مختلف فطری دین مبین اسلام بر محمل قومیتها و مذاهب و زبانها و فرهنگها به دانشجویان امروز ارائه شود. این امر، یکی از بخشهای طرح تحول دروس معارف اسلامی است که در دانشگاه معارف اسلامی طرح شده و مدنظر قرار دارد.

۲. محتوای مطلوب، باید با فنون موثر ارائه شود. در نظام آموزشی، سخن از روش‌های نیمه‌مستقیم و غیرمستقیم، فراوان است. روش‌های تدریس و کلاس‌داری متنوع و فراوانند؛ اما استاد و نویسنده موفق، کسی است که روش متناسب با محتوای درس معارف را یافته و مجهز به آن، وارد کلاس شود. مثلاً اگر درس استاد در قلمرو تفسیر قرآن کریم است، برخورداری استاد از قرائت شیرین و حلاوت صوت و لحن، به ذائقه جوان القا شود. علاوه بر این که استاد معارف باید این توان را داشته باشد که معرفت ناب متعالی قرآن، سنت، حکمت و اندیشه اسلامی را فراوری کرده و به سطح ذائقه جوان برساند. در این راستا ممکن است طی یک ترم تحصیلی به ظاهر چند درس بیشتر از متن یک کتاب خوانده نشود اما بهره دانشجویان از بیان و شرح استاد بسیار بیش از متن درسی امتحانی باشد.

۳. ادبیات مطلوب، محیطی بسیار وسیع و پرتنوع است. تحول ادبیات دروس معارف اسلامی، از کسی توقع می‌رود که خود ادیب باشد یا دستی بر آتش ادبیات و قریحه داشته و قطعاً از پیشینه تعلیم و تعلم خود را به سیر در ادبیات گذرانده باشد. این عرصه بنابر حاکمیت ذوق و قریحه، گاه رهزنان جدی معرفتی هم دارد. مرحوم علامه جعفری بارها این بیت را از مثنوی می‌خواندند که «لفظ شیرین است و زیرش دام‌ها/ لفظ شیرین ریگ آب عمر ما». آرایه‌های ادبی و الفاظ جذاب تیغی دولبه است. یکی از دانشجویان موفق و پرانگیزه دوره دکتری مبانی نظری در دانشگاه معارف که به اقتضاء تحقیقاتشان برخی رمان‌های غربی یا تابع غرب را می‌خواندند، به بنده گفتند الفاظ این رمان‌ها بسیار روان و جذاب است، اما محتوایشان غیر از تاریکی باطن، چیزی در پی ندارد. بنده عرض کردم: طیب نخستین کسی است که با مرض و آلودگی مواجه می‌شود. استفاده از ادبیات خوب در دروس معارف باید طیبانه باشد نه از سر ذوق و قریحه که جولانگاه خیال و خیالات است. ادبیات شخصیت‌هایی مانند شهید مطهری، علامه جعفری و دیگر بزرگان که به اصطلاح «انضمامی» است برای دروس معارف اسلامی ضروری است. نمونه‌های موفق در آثار وجود دارد مثلاً یکی از اساتید مشاور

تربیتی و اخلاقی، متونی از آثار حضرت امام خمینی «ره» را که ادبیات بسیار فاخر و وزن علمی بسیار بالایی دارد و شاید جوان دانشجویان با آن ارتباط برقرار نکند، طوری بازنویسی و روان‌سازی کرده است که بدون مخدوش شدن محتوای معرفتی، جذابیت متن بسیار بالا و برای پیر و جوان مفید است.

جهت تاکید، تکرار می‌کنم که رکن اصلی موفقیت دروس معارف اسلامی، استاد است. استاد برخوردار از علم، مهارت، نظم و بیش از همه «اخلاص»، بی‌گمان منشأ جذب و هدایت دانشجویان و سرمایه اصلی دروس معارف اسلامی است. حدود هفت سال پیش، در جلسه گروه معارف اسلامی یکی از دانشگاه‌ها، موفق‌ترین استاد معارف آن دانشگاه گفتند: رمز موفقیت استاد معارف اسلامی، این است که جوان دانشجویان را دوست داشته باشد. آن روز معنای سخن ایشان را درنیافتیم اما امروز فهمیده‌ام که دوست داشتن جوان، شرط هدایت جوان است که همان سیره اهل بیت علیهم السلام در هدایت انسان‌هاست. این امر منشأ همه ملزومات علمی و مهارتی و ابزاری است که داشتندشان از استاد موفق معارف اسلامی توقع می‌رود.

در پایان به فراخور وظیفه سازمانی‌ام ضمن قدردانی صمیمانه از همکاران عزیزم در دانشگاه معارف در مسیر چهارده ساله تربیت استاد معارف اسلامی و تولید متون درسی معارف اسلامی، نظر اساتید محترم را به حدود دویست اثر درسی تولید شده در پنج گرایش دروس معارف اسلامی در این دانشگاه جلب می‌کنم. این آمار، حاصل تلاش‌ها و تجربه‌های ارزشمند این عزیزان در کنار همکاری‌های اساتید محترم معارف اسلامی سطح کشور است و رشد کمی و کیفی متون درسی معارف در گرو استمرار این همیاری و همدلی است. در دانشگاه معارف اسلامی، فرایند، سازوکارها، ابزارها، سرمایه‌های سخت افزاری و نرم‌افزاری و از همه مهم‌تر تسلط مدیران و اساتید محترم، فعلیت دارد و تولید متون درسی، دستور کار معاونت پژوهشی این دانشگاه است و مضیقه‌های مختلف مالی و اداری و ساختاری و ... تاکنون مانع جدی در این مسیر نبوده است. امیدوارم با عنایت هرچه بیشتر مدیران بالادستی به ویژه ریاست محترم نهاد، این مأموریت با کیفیت هرچه برتر استمرار یابد.

درآمدی بر

## بایسته‌های تدریس تحول محور

در دروس معارف اسلامی

دکتر امیرمحسن عرفان

استادیار و عضو هیئت علمی دانشگاه معارف اسلامی

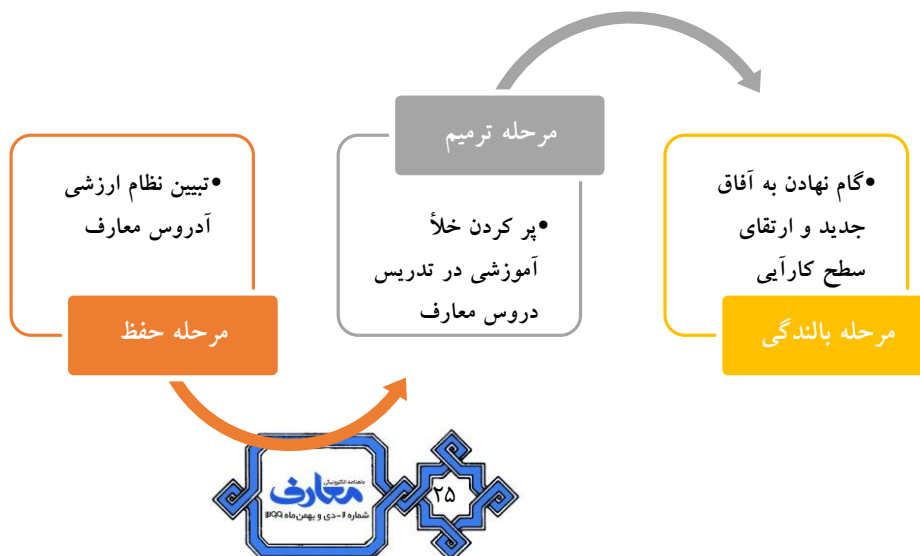
erfan@maaref.ac.ir



### طلیعه

توانمندسازی استادان معارف به لحاظ نقش مهمی که در ارتقای کیفی نگرش معارفی دانشجویان دارد از اهمیت بالایی برخوردار است؛ چرا که عدم توجه به این مهم آسیب‌هایی را به دنبال خواهد داشت. نباید از نظر دور داشت که در صورت به تأخیر افتادن شناخت نقاط ضعف و دلایل نارضایتی دانشجویان و عدم کنترل نقاط ضعف اساتید معارف اسلامیدر حوزه تدریس، نارضایتی بین دانشجویان به وجود خواهد آمد و واحدهای تحلیل بیشتری آسیب خواهند دید. چون ژرف بنگریم به شدت نیازمند ارزیابی و تحول علمی در تدریس دروس معارف اسلامی در دانشگاه‌ها هستیم. باید ضمن تبیین کلان نظام ارزشی آموزش دروس معارف درصدد آسیب‌شناسی و بر طرف کردن آسیب‌ها نیز بود و در نهایت با ارتقای سطح کارایی این دروس به آفاق جدید گام نهاد.

### نمودار الگوی ارزیابی و تحول علمی در تدریس دروس معارف اسلامی



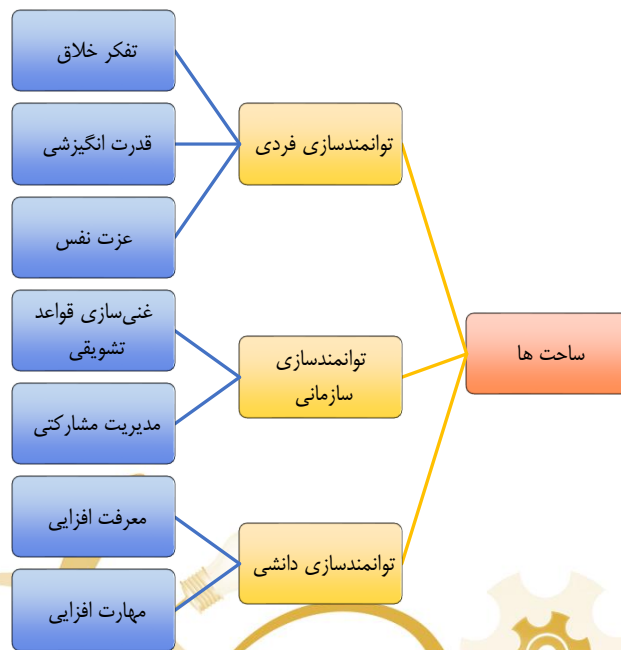
## بایسته‌های تدریس تحول محور در دروس معارف اسلامی

برای رقم‌زدن نظام آموزشی مطلوب و خلاق در عرصه تدریس دروس معارف اسلامی تمهیداتی اساسی لازم است. در این زمینه مدیران آموزش عالی باید درصدد بررسی جامع «وضعیت گذشته» و «وضع موجود» در قالب یک طرح کلان تحقیقاتی باشند. برخی از مهم‌ترین بایسته‌های تدریس تحول محور در دروس معارف اسلامی عبارتند از:



### یک. تدریس مبتنی بر تفکر خلاق

یکی از عوامل مهم سبب‌ساز برخی از کاستی‌ها در حوزه تدریس دروس معارف اسلامی در دانشگاه‌ها، آگاهی نداشتن از نقش کلیدی خلاقیت فکری در انتقال پیام معارفی به دانشجویان است. توانایی «فکر خلاق» به مراتب بیشتر از «فناوری آموزشی» در کیفی‌سازی تدریس نقش دارد. باید بر این نکته تأکید داشت که به جای انتقال پر حجم اطلاعات به مخاطب رویکرد و نگرش دانشجویان به مسائل معرفتی را تغییر داد. مدرسان این حوزه نیازمند کسب مهارت‌های تفکر خلاق، قابل انعطاف و دقیق هستند تا بتوانند راه‌حل‌هایی برای پیشبرد هرچه بهتر کلاس داشته باشند. لزوماً در حوزه تدریس با اصلاح رفتار مربی نمی‌توان به اهداف رسید. مدرس در حوزه تدریس نیازمند تفکر عمیق در اهداف و چگونگی تصمیم‌گیری و برنامه‌ریزی خود و یک نگاه کیفی به مسائل خود است. به همین دلیل، تفکر سطح بالاترین ویژگی انسانی برشمرده می‌شود. توانمندسازی اساتید معارف اسلامی در سه حوزه «فردی»، «سازمانی» و «دانشی» قابل بررسی است. تفکر خلاق، ارتقای قدرت انگیزشی، نوآوری و عزت نفس در حوزه توانمندسازی فردی می‌گنجد. طراحی برنامه‌های کیفی در عرصه مدیریت مشارکتی و سازمانی و غنی‌سازی قواعد تشویقی به توانمندسازی اجتماعی مربوط است. معرفت‌افزایی و مهارت‌افزایی اساتید معارف به توانمندسازی آنان در عرصه دانشی کمک می‌کند.



تفکر خلاق به اساتید معارف کمک می‌کند تا احساس «خود اثربخشی» داشته باشند. با تفکر خلاق است که اساتید قابلیت‌ها و تبحر لازم را برای انجام دادن موفقیت‌آمیز وظایف آموزشی و پژوهشی خود به دست می‌آورند. کارآمدی یک باور شخصی است که فرد احساس می‌کند می‌تواند وظایف خود را به طور موفقیت‌آمیز انجام دهد.

تفکر خلاق به اساتید معارف اسلامی کمک می‌کند تا «فنون تدریس» خود را ارتقا ببخشند. نباید از یاد برد که عدم توجه به فنون تدریس به کاهش کیفیت تدریس دروس معارف در دانشگاه‌ها می‌شود. برخی از اساتید دروس معارف اسلامی روش‌های جدید آموزش و تدریس آشنایی ندارند و از شیوه‌های ناکارآمد قدیمی در امر آموزش استفاده می‌کنند. نتیجه این امر، تبدیل دروس معارف اسلامی به محلی خسته‌کننده با بازدهی کم است. افزون بر این، تدریس دروس معارف اسلامی ظرافت‌های خاصی دارد که با دیگر دروس متفاوت است و می‌طلبد که استاد معارف اسلامی اصول روان‌شناسی و ارتباط مؤثر نیز آشنایی داشته باشد.

### دو. تناسب بخشی میان «محتوای تدریس» و «شرایط محیطی»

از جمله بایسته‌های تدریس تحول‌محور تناسب میان «محتوای آموزشی» و «شرایط محیطی» است. بدین معنا که محتوای آموزشی با شرایط محیطی دانشجویان نظیر: «زمان»، «مکان»، «رشته»، «سن»، «جنسیت» و ... هماهنگ می‌گردد.

متناسب بودن آموزش با شرایط محیطی سبب رغبت دیگران به داده‌های تدریس می‌گردد. از دیگر سو این مسئله آموزش را از حالت نظری صرف و اغلب بی‌فایده و یا کم‌فایده، به یادگیری مفید تبدیل می‌کند؛ انسان را از علم غیرمفید نجات می‌دهد و او را از علم نافع بهره‌مند می‌سازد.<sup>۱</sup> توجه به «ظرفیت‌های فکری و عقلانی» و «تفاوت‌های فردی مخاطبان» و در نظر گرفتن «سطح درک و فهم مخاطب» در ارائه نوع برنامه و پیام و ارتباط با او و انتقال پیام‌های اخلاقی و تربیتی، و ملاحظه تناسب محتوای کلامی با گنجینه فهم مخاطب در پذیرش پیام نقش تعیین‌کننده‌ای دارد؛ زیرا ارسال پیام با هدف تغییر نگرش مخاطب صورت می‌گیرد تا مخاطب در زندگی خویش از اصولی پیروی کند که در این پیام‌ها بیان می‌شود. بنابراین، هدف از ترویج و ارائه یک پیام دینی، تغییر و دگرگون‌سازی «بینش» و «نگرش» مخاطب پیام است. بنابراین، توجه ویژه به مخاطب امری ضروری است. از این رو، اگر برنامه و یا پیامی متناسب با سطح فهم مخاطب نباشد، عملاً تأثیرگذار نخواهد بود.

برای نمونه در تدریس تاریخ اسلام و تاریخ امامت باید از راهبرد «تمرین تجسم» استفاده کرد. بسیاری از دانشجویان در کلاس معارف تاریخ، خود را در موقعیت واقعه تاریخی ترسیم نمی‌کنند و دیدگاه‌های مردم زمانه واقعه را تجسم و درک نمی‌کنند. تمرین مداوم به شیوه ایفای نقش یا پذیرش دیدگاه، روشی مؤثر در افزایش توانایی همدلی دانشجویان است.

برای درک دیدگاه‌های متفاوت دانشجویان، از روش «ایفای نقش» باید استفاده کرد. معمولاً وقتی واقعه عاشورا تدریس می‌شود همگان دوست دارند خود به جای شخصیت‌های ممتاز داستان قرار دهند. اما آیا تا به حال پیش آمده است که از دیدگاه سپاهیان عمر بن سعد به واقعه نگریست.

در کلاس تاریخ اسلام یا تاریخ امامت باید دانشجویان تشویق شوند که خود را به جای مردمی که در دوره تاریخی یا موقعیت جغرافیایی مورد نظر زندگی می‌کردند یا می‌کنند، قرار دهند و تصور کنند آن‌ها چه احساسی داشته یا دارند. این کار کمک می‌کند تا دانشجویان تمایل و گرایش به اینکه شبیه شخصیت‌های الگویی باشند یا مثل آن‌ها فکر کنند و از شخصیت‌های منفی دوری گزینند را افزایش می‌دهد.

راهبردی نمایشی موسوم به «صندلی داغ» آتیز وجود دارد که می‌توان از آن برای تقویت انتقال پیام معارفی به دانشجویان استفاده کرد. در این روش، یکی از دانشجویان داوطلب می‌شود که روی «صندلی داغ» بنشیند و نقش شخصیت یا فردی خاص در واقعه تاریخی را ایفا کند و

دانشجویان دیگر با وی مصاحبه کنند. پاسخ‌های دانشجویی که روی صندلی داغ نشسته است باید مبتنی بر طرز فکر شخصیت مورد نظر تاریخی باشد، نه مبتنی بر افکار خودش. این فرایند کمک می‌کند تا عمق شکل‌گیری واقعه تاریخی از سوی دانشجویان درک شود.

داستان، نقش بسیار مهمی در انتقال پیام معرفتی به دانشجویان دارد. داستان‌ها بسیار قدرتمند، فعال و سرگرم‌کننده‌اند و دارای فرایندی از حرکت به سوی خلاصه‌بندی رضایت‌بخشی هستند - به عبارتی دیگر، بیشتر پویا هستند تا ثابت.

عدم توجه اساتید معارف اسلامی به تحولات جهانی و متغیرهای زمانی آسیب‌زا است. سوگمندانگزارش‌هایی از عدم تغییر منابع و جزوه درسی برخی از مدرسان دروس معارف اسلامیدر مدت زمان طولانی وجود دارد.

یک نکته اساسی در خور یادکرد این است که به همان اندازه که کهنه‌گرایی و گذشته‌گرایی به تدریس آسیب

یکی از عوامل مهم سبب‌ساز برخی از کاستی‌ها در حوزه تدریس دروس معارف اسلامی، آگاهی نداشتن از نقش کلیدی خلاقیت فکری در انتقال پیام معارفی به دانشجویان است. توانایی «فکر خلاق» به مراتب بیشتر از «فناوری آموزشی» در کیفی‌سازی تدریس نقش دارد. باید تأکید داشت که به جای انتقال پر حجم اطلاعات به مخاطب، رویکرد و نگرش دانشجویان به مسائل معرفتی را تغییر داد. مدرسان این حوزه نیازمند کسب مهارت‌های تفکر خلاق، قابل انعطاف و دقیق هستند. تفکر خلاق به اساتید معارف کمک می‌کند تا احساس «خود اثربخشی» داشته باشند. تفکر خلاق به اساتید معارف کمک می‌کند تا «فنون تدریس» خود را ارتقا ببخشند.

می‌رساند، «زمانه‌زدگی» که به صورت عصری‌سازی افراطی و تجددطلبی در همه چیز جلوه‌گر شده است، از جمله موانع رشد محتوایی تدریس دروس معارف اسلامی است. با سیال و بی‌ثبات شدن معارف دینی، حقایق بسیاری در زیر گل و لای این سیل تجددطلبی دفن می‌شود. و اندیشه‌های تازه نیز مجال نما و نمود و بروز و بقا نمی‌یابند و در این میان نواندیشی حقیقی رخ در حجاب می‌کشد. هر چند این رفتار غلط‌انداز، گاه به غلط، نواندیشی یا آزاداندیشی نیز نامیده می‌شود اما خود از بزرگ‌ترین عوامل رکود معرفت دینی به شمار می‌رود. نباید نو آوردن و نو گفتن را، هر چه که باشد، بالذات ارزشمند انگاشت، برخی امروز حتی در فهم و بیان آموزه‌های دینی تابع خوشایند و بدایند عناصر و جریان‌ات روشنفکری‌اند!

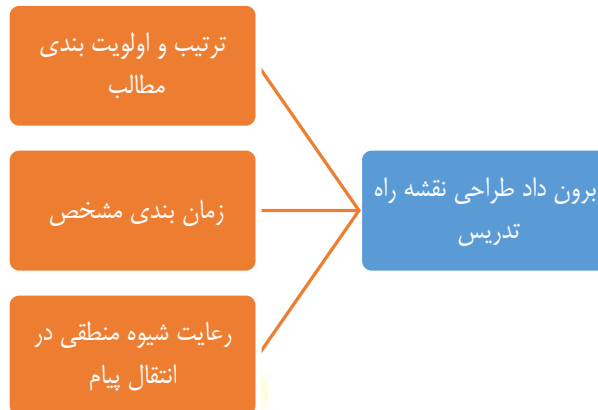
### سه. طراحی نوآورانه نقشه راه تدریس

هر نوع برنامه‌ریزی در حوزه‌های مختلف تدریس بر الگویی استوار است که در آن متغیرهای مختلف شناسایی شده، روابط و پیوستگی میان آن‌ها بررسی و معلوم شده است. با وجود دشواری سنجش کیفی تدریس، ساخت چنین الگویی ممتنع نیست.

در صورت ساخت چنین الگویی در عرصه تدریس دروس معارف اسلامی‌توان اهداف آموزشی را به صورت کمی و کیفی تعریف کرد و با توجه به امکانات و زمینه‌های موجود، میزان تغییرات عملی و مطلوب را سنجید. بر پایه الگوی برنامه‌ریزی آموزشی در تدریس امکان مدیریت تدریس فراهم می‌شود، به این معنا که مدیریت تدریس در صدد تغییر متغیرها در جهت دستیابی به اهداف از پیش تعیین شده است. در صورت وجود یک الگو می‌توان تغییرات لازم را در متغیرها مورد مشاهده قرار داد و حتی مقدم بر آن می‌توان متغیرهای مدیریت را تعیین کرد.

طرح درس سندی است که اجزای مختلف آموزشی فعال برای مشارکت دانشجویان به منظور دستیابی به اهداف آموزشی را ترسیم می‌کند. در یک طرح درس نوآورانه است که پیام‌های معرفتی به ترتیب و در مراحل و زمان‌های مشخص و به شیوه‌ای منطقی به دانشجویان منتقل می‌شود.

### برون‌دانشناسی کاربری نقشه راه تدریس



شاید برنامه‌ریزی در تدریس نتواند «دست نیافتنی‌ها» را «دست یافتنی» کند، اما قطعاً فقدان آن می‌تواند «دست یافتنی‌ها» را «دست نیافتنی» کند. دست یافتن به آرمان‌هایی که در آموزش دروس معارف اسلامی پیش روی ما نهاده شده است، ضرورت توجه بیشتر به برنامه‌ریزی تدریس را ایجاد می‌کند.

یکی از حساس‌ترین مراحل برنامه‌ریزی در تدریس، مرحله‌ای است که پس از سنجش میزان تأثیر آموزش‌های گذشته نیازهای آموزشی در افق زمانی آینده مشخص می‌گردد. در این مرحله باید به برآورد و ارزیابی خواسته‌ها و نیازهای مبرم پرداخت و با قراردادن حاصل این برآوردها و ارزیابی‌ها در چارچوب محدودیت‌های امکانات و منابع، هدف‌های مشخصی برای بلندمدت (هدف‌های آرمانی) و برای میان‌مدت (هدف‌های کلی) تعیین کرد و سپس با استفاده از الگوهای برنامه‌ریزی تدریس، هدف‌های برنامه را به صورت کمی مشخص نمود. چهار. اهتمام به آموزش پنهان و غیرمستقیم

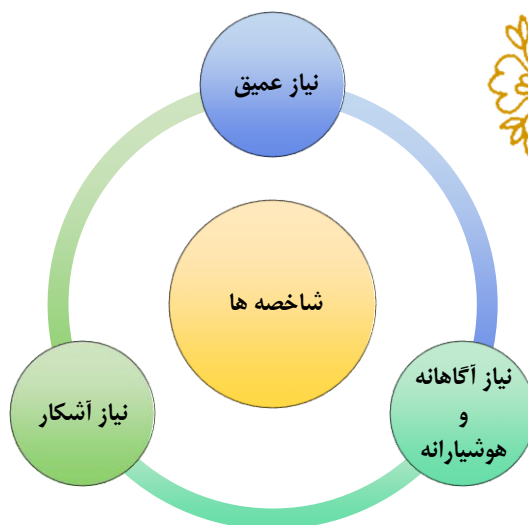
استاد معارف اسلامیدر دانشگاه جایگاهی فراتر از صرف انتقال دهنده اطلاعات دارد. دانشجویان به عنوان یک انسان مسلمان مشکلات و نیازهایی دارند که توقع دارند که مدرسان معارف اسلامی به آن مشکلات توجه داشته باشد. ارتباط غیررسمی مدرسان معارف اسلامی شاید مهم‌ترین ضعف اساتید در این عرصه باشد. مدرسان دروس معارف اسلامی به جهت عنوان خاص و ویژه‌ای که تدریس می‌کنند باید ارتباط غیرآموزشی خود را با دانشجویان ارتقا ببخشند.

عده‌ای از مدرسان معارف اسلامی در دانشگاه‌ها حتی در کلاس درس تلاشی برای آشنایی با نام دانشجویان نیز نمی‌کنند. این ارتباط ضعیف، از یک سو بر رشد معرفتی مورد توقع از دروس معارف اسلامی اثر منفی می‌گذارد و از سوی دیگر مانع از ایفای نقش معلمی توسط مدرسان می‌شود. دروس معارف اسلامی در صورتی بر دانشجویان اثرگذار است که آنان به اساتید اعتماد داشته باشند و علاوه بر دریافت پیام‌های ارسالی، آن‌ها را نیز بپذیرند. در این زمینه اساتید معارف اسلامی باید جلب اعتماد عمومی را شعار اصلی خود قرار دهند و از طریق تجزیه و تحلیل بازخوردهای دانشجویان، رعایت اخلاق حرفه‌ای، اعتماد به دانشجویان و ارزش قائل شدن برای همه آنان و ... اعتماد آنان را جلب کنند.

### پنج. نیازشناسی معارفی دانشجویان

تدریس دروس معارف اسلامی اگرچه از یک سو برای شکل‌دهی و جهت‌دهی ذهنیت جامعه صورت می‌گیرد، اما از سویی نیز تحت تأثیر آن است. نیاز دانشجویان است که تعیین می‌کند چه موضوع و در چه موقعیتی قابل آموزش هست یا نیست؛ و نیاز به پژوهش دارد. نیاز مخاطب اگر آشکار؛ آگاهانه و هوشیارانه و دارای عمق کافی باشد ضرورت پژوهش دوجندان می‌شود.<sup>۳</sup>

## نمودار شاخصه‌های نیاز قابل پاسخ دانشجو



یکی از رسالت‌های اساتید دروس معارف اسلامی این است که بافت ذهنی دانشجویان را بشناسند و به اقتضای آن تصمیم بگیرند و طرح بریزند و عمل کنند.

برای نمونه در تدریس تاریخ اسلام و تاریخ امامت باید از راهبرد «تمرین تجسم» استفاده کرد. بسیاری از دانشجویان در کلاس معارفی تاریخ، خود را در موقعیت واقعه تاریخی ترسیم نمی‌کنند و دیدگاه‌های مردم زمانه واقعه را تجسم و درک نمی‌کنند. تمرین مداوم به شیوه ایفای نقش یا پذیرش دیدگاه، روشی مؤثر در افزایش توانایی همدلی دانشجویان است. برای درک دیدگاه‌های متفاوت دانشجویان، از روش «ایفای نقش» باید استفاده کرد. معمولاً وقتی واقعه عاشورا تدریس می‌شود همگان دوست دارند خود به جای شخصیت‌های ممتاز داستان قرار دهند؛ اما آیا تا به حال پیش آمده است که از دیدگاه سپاهیان عمر بن سعد به واقعه نگریست؟!

نیازسنجی آموزشی این امکان را فراهم می‌سازد تا نیازهای دارای اولویت رصد شوند. تعامل مستمر با دانشجویان، نظرخواهی آنان، نظرسنجی و ... از مواردی هستند که در بحث رصد ضروری به نظر می‌رسد و باید با برنامه‌ریزی درباره آن‌ها بر عمق و وسعت این ارتباط با دانشجویان افزود.

برای برقراری ارتباط نزدیک با دانشجویان و افزایش اعتماد آنان به پیام‌های معارفی، باید نحوه فرایند محتوای تدریس را بر اساس نیاز دانشجویان و واکنش‌های آنان از طریق روش‌های تفکرسنجی را مدیریت کرد. در واقع آنچه با عنوان مدیریت تدریس مطرح است، بیانگر مجموعه‌ای از اقدامات، برنامه‌ریزی‌ها، تصمیم‌گیری‌ها و هماهنگی‌ها میان عوامل تولید پیام معارفی (اساتید معارف) و

دریافت‌کنندگان (دانشجویان) است. به هر روی باید توجه داشت که عوامل ساختاری و محتوایی در عدم پابندی دانشجویان به دروس معارف اسلامی نقش ایفا می‌کنند.

### شش. توجه به اصل رفتارسازی در دانشجویان

مهم‌ترین رسالت دروس معارف اسلامی در دانشگاه‌ها خلق رفتارهای متعالی در دانشجویان می‌باشد. این مهم در دیگر دروس خیلی به چشم نمی‌آید. تغییر سبک زندگی، مقوله گسترده و پیردانه‌ای است که ظاهر و باطن جامعه را در سطوح موجود و افق‌های آینده دگرگون می‌نماید. رفتارها از نظر دامنه، به سه دسته «فردی، گروهی و همگانی» تقسیم می‌شوند.

اساتید معارف اسلامی در این زمینه باید سه اصل «آموزش اثربخش»، «آموزش فرهنگ‌ساز» و «آموزش مصون‌ساز» را مورد اهتمام قرار دهند. ضروری است اساتید دروس معارف اسلامی با توجه به مرجعیت آموزشی خود در جامعه، از طریق افزایش غنای آموزش، افزایش تنوع در آموزش، توجه به جذابیت در آموزش، استفاده از محتوای متنوع، به کارگیری هم‌زمان آموزش‌های مستقیم و غیرمستقیم «اثربخشی آموزشی» را مدنظر قرار دهند.



«آموزش فرهنگ‌ساز» به این معناست که اساتید باید با برنامه‌ریزی برای ارائه آموزش‌های فرهنگ‌ساز، اقدام به تبدیل نگرش دینی به رفتار دینی در دانشجویان کنند.

با توجه به رقابت شدید حاکم بر فضای رسانه‌ای و تلاش مستمر رسانه‌های بیگانه در تحمیل مدل الگویی خاص در سبک زندگی، یکی از وظایف کلیدی رسانه‌ها مصون‌سازی دانشجویان در این عرصه است. ضروری است اساتید با «آموزش پیشگیرانه (مصون‌ساز)» با واکسینه کردن دانشجویان و افزایش قدرت تحلیل آنان به پیشگیری از اثرگذاری شبهات در جامعه کمک کند.<sup>۴</sup>

### اصول آموزشی در تغییر رفتار دانشجویان در دروس معارف اسلامی



#### سخن پایانی

یکی از عوامل کهنه‌گرایی در تدریس معارف اسلامی در دانشگاه‌ها، عدم وقوف بر کاستی‌ها و نیازهای واقعی دانشجویان در این زمینه است؛ و طبیعی است که تا کاستی‌های موجود دیده نشود، برای تعالی تدریس، گامی برداشته نمی‌شود. ضرورت شناخت نیازهای واقعی در این زمینه، پرسش‌هایی را به میان می‌آورد:

ردیف	عنوان پرسش
۱	توقع ما از آموزش دروس معارف اسلامی در دانشگاه‌ها چیست؟
۲	وضعیت فعلی تدریس دروس معارف اسلامی در دانشگاه‌ها چگونه است؟
۳	«وضعیت موجود» آموزش معارف اسلامی در دانشگاه‌ها با «وضعیت مطلوب» چه فاصله‌ای دارد؟
۴	پیدایش «وضعیت فعلی» و یا فاصله بین دو وضعیت یادشده را به وسیله کدام عامل و یا عوامل می‌توان تبیین کرد؟
۵	محققان حوزه مطالعات دینی در پیدایش وضعیت فعلی چه نقشی دارند و مسئولیت آن‌ها در کاستن فاصله، چیست؟

۱. در این زمینه اساتید معارف اسلامی باید با آگاهی و شناخت کافی از مقتضیات روز جهانی و نیز شیوه‌های نوین آموزشی، و بهره‌گیری از سازوکارهای روان‌شناختی برای جذابیت‌بخشی به تدریس خود، و مهارت‌افزایی برای افزایش توان رقابت با اساتید کیفی در دیگر دروس، همواره با لحاظ کردن عنصر زمان، در پی نهادینه‌سازی کیفی انتقال پیام معارفی باشند.

۲. hot seating.

۳. گستره وجودی دانشجویان برای اساتید، شبیه به یک منطقه عملیاتی برای فرماندهان نظامی است، همان‌گونه که فرمانده نظامی، اگر بدون شناخت از منطقه، دست به عملیات بزند خطا کرده و امکان دارد با خطرهای بزرگی روبه‌رو شود، استاد و معلم نیز دقیقاً همین‌گونه است. در وجود مخاطبان نیز موانع بزرگ و کوچک روانی و موقعیت‌های استراتژیک و... وجود دارد که اگر در صدد تسخیر مخاطب هستیم، باید به شناسایی او بپردازیم.

۴. فضای مجازی افکار و هیجان‌های دانشجویان را در معرض تغییر و حمله قرار می‌دهد، و تلاش می‌کند منابع دخیل در تصمیم‌گیری‌ها و رفتارهای دانشجویان را تحت کنترل قرار دهد. از این روست که با تسخیر فکر و ذهن دانشجویان، بافت جامعه و ساختارهای اساسی آن به گونه‌ای تغییر خواهد یافت که خواست گردانندگان فضای مجازی باشد.

Δ Present state.

⋈ ideal state.



# کارکردهای فضای مجازی

## در تحقق اهداف اخلاقی دروس معارف اسلامی

دکتر حسینعلی رحمتی

عضو هیات علمی پژوهشگاه قرآن و حدیث، گروه اخلاق کاربردی

harahmati2@gmail.com

### جستارگشایی

دانشگاه‌ها، مانند میلیون‌ها هم‌وطن خود، هر روز مجبورند بسیاری از کارهای روزمره خود از وظایف شغلی تا پرداخت قبوض خدماتی، سفرهای درون شهری با تاکسی‌های آنلاین و حتی خرید ضروریات زندگی خود را با استفاده از فضای مجازی انجام دهند. با فراگیر شدن ویروس کرونا (Covid-19) نیز برگزاری کلاس‌های حضوری در دانشگاه‌ها محدود شده و همه اساتید، از جمله اساتید معارف اسلامی، درس‌های خود را با استفاده از پلتفرم‌های خاص تدریس در فضای مجازی انجام می‌دهند. بنابراین، وقتی که فضای مجازی می‌تواند در خدمت برآورده کردن نیازهای شخصی اساتید معارف اسلامی باشد به طریق اولی می‌تواند در خدمت وصول به اهداف کلان درسی آن‌ها نیز باشد.

نکته دیگر این‌که گرچه گروه معارف اسلامی در دانشگاه‌ها متکفل ارایه چندین درس است ولی آنچه در این مقاله ارایه می‌شود بیشتر نگاهی اخلاقی به اهداف کلانی است که برای این دروس در نظر گرفته شده است. از آنجا که طبیعتاً مخاطب این نوشتار، اساتید دروس معارف اسلامی هستند و کم و بیش با اهداف درس‌های خود آشنایی دارند، این اهداف نیاز به شرح و بسطی

اجازه دهید نگاهی به اطراف مان بیان‌دازیم و به خیل گسترده جوانان حاضر در شبکه‌های اجتماعی از منظر دانشجویان دروس معارف اسلامی بنگریم آن‌گاه از خود بپرسیم نسبت این نسل با فضای مجازی چیست و از آن مهم‌تر، این حضور برای ما به عنوان «استاد دروس معارف اسلامی» چه پیام‌هایی دارد؟ همچنین به پرسشی مهم‌تر نیز بیان‌دیشیم: آیا انس و الفت روز افزون دانشجویان با فضای مجازی، تعریف متعارف از «کلاس درس معارف اسلامی» را به چالش کشیده و زمان آن رسیده که تعریف و تصویری جدید از این اصطلاح ارایه دهیم؟ در این صورت آیا مفهوم و شاخصه‌های «استاد درس معارف اسلامی» هم نیازمند بازنگری است؟

در نوشتار حاضر گرچه به طور مختصر به برخی از این پرسش‌ها پاسخ داده خواهد شد ولی بهانه نگارش این مکتوب، طرح این پرسش بود که «آیا فضای مجازی می‌تواند اهداف اخلاقی و صنفی گروه‌ها و دروس معارف اسلامی دانشگاه‌ها را تامین کند؟». به گمان نگارنده با توجه به فراگیری فضای مجازی در زندگی انسان امروز، پاسخ پرسش بالا مثبت است و چندان نیاز به شرح و بسط ندارد؛ چرا که همه آشکارا می‌بینیم که هر شهروند جامعه ما مانند شهروندان دیگر جوامع، و هر یک از اساتید دروس معارف اسلامی در

ندارد بلکه صرفاً اشاره‌ای به آن‌ها می‌شود که زمینه‌ساز بیان مقصود اصلی این مقاله باشد.

ضرورت بحث حاضر از آنجا ناشی می‌شود که طبق برخی بررسی‌ها و پیمایش‌های انجام شده<sup>۱</sup> درصد قابل توجهی از دانشجویان از نحوه برگزاری دروس معارف اسلامی رضایت ندارند. طبیعتاً این نارضایتی موجب موضع‌گیری منفی نسبت به این دروس و اساتید آن و در نتیجه بازماندن درس‌های معارف اسلامی از وصول به اهداف خود می‌شود. به همین خاطر بایست ضمن شناسایی علل و عوامل بروز این وضعیت، برای بهبود آن چاره‌اندیشی کرد.

در این راستا، «ابزارهای مناسب» برای دروس معارف اسلامی باید شناسایی و اساتید آن نسبت به بهره‌گیری از آن‌ها توجیه شوند. یکی از مهم‌ترین این ابزارها «فضای مجازی» است. این موضوع را می‌شود و باید از ابعاد و منظرهای مختلفی بررسی کرد ولی در مکتوب حاضر سعی شده از منظر اخلاقی نقش این فضا در وصول اساتید معارف اسلامی به اهداف خود بررسی شود.

با توجه به آنچه گفته شد، پاسخ به پرسشی که ابتدای بحث مطرح شد را مثبت فرض کرده و سؤال دیگری را که به نظر می‌رسد مهم‌تر و اساسی‌تر است مطرح می‌کنیم: فضای مجازی «چگونه» می‌تواند اهداف اخلاقی و صنفی گروه‌ها و دروس معارف اسلامی دانشگاه‌ها را تأمین کند؟ پاسخ به این پرسش مبتنی بر این است که ببینیم اصولاً هدف‌های برگزاری دروس معارف اسلامی در دانشگاه‌ها چیست.

### اهداف سه‌گانه دروس معارف

در یک تقسیم‌بندی، برای دروس معارف اسلامی می‌توان یک هدف اولیه، یک سری اهداف میانی و یک هدف غایی و بنیادین تعریف کرد. هدف اولیه عبارت است از افزایش آگاهی دانشجویان نسبت به آموزه‌های اسلامی در گرایش‌های پنج‌گانه تعریف شده برای آن‌ها. اما اهداف میانی ناظر به فرارفتن دانشجویان از هدف اولیه و رسیدن به هدف غایی است. برخی از این اهداف عبارت است از: احساس مسؤلیت نسبت به دیگران و سفارش آنان به کارهای نیک و بازداشتن آن‌ها از کارهای بد (امر به معروف و نهی از منکر)، مشارکت در کارهای خیر، نشر دانش و انتقال دانسته‌های خود به دیگران، کمک به رشد و توسعه جامعه و کاهش رنج و آلام هم‌وطنان خود. اهداف میانی زمینه‌سازی است برای تبدیل شدن دانشجویان به یک «فاعل اخلاقی» (Moral agent) که، با توجه به

گرایش‌های تعریف شده برای او بیشترین تقید را به مراعات اخلاق در عرصه زندگی فردی و اجتماعی خود داشته باشد.

هدف اولیه بیشتر صبغه آموزشی و هدف دوم، صبغه تربیتی و اخلاقی دارد. میزان موفقیت در رسیدن به هدف اولیه با معیارهای کمیت‌پذیری چون کسب نمره لازم در آزمون و انجام تکالیف کلاسی قابل سنجش است ولی شناخت میزان موفقیت استاد در رهنمون کردن دانشجویان به هدف دوم، کاری آسان و مکانیکی نیست؛ بلکه در طول زمان و با مشاهده نوع کنش‌های دانشجویان در موقعیت‌های گوناگونی که با آن مواجه می‌شود قابل سنجش است.

هدف غایی دروس معارف ناظر به «قرب الی الله» است. از آنجا که بر اساس نگرش دینی، خداوند در رأس نظام هستی و مبدأ و مقصد همه چیز است «إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ» و از آنجا که خداوند خیر و کمال مطلق است، پس یک فاعل اخلاقی به هر اندازه که «صبغه الهی» بگیرد و به خداوند نزدیک‌تر شود بهره بیشتری از

وقتی که فضای مجازی می‌تواند در خدمت برآورده کردن نیازهای شخصی اساتید معارف اسلامی باشد، به طریق اولی می‌تواند در خدمت وصول به اهداف کلان درسی آنان نیز باشد. از منظر بحث فضای مجازی، کلاس درس معارف اسلامی در واقع نه یک کلاس به معنای آکادمیک و سنتی آن، بلکه یک همایش یا کنفرانس است با حضور اندیشوران متعدد و اندیشه‌های متفاوت و متکثر. از این رو استادی که عهده‌دار تدریس معارف می‌شود در واقع پذیرفته است که در چنین همایشی شرکت کند و دیدگاه‌های خود را در معرض داوری دانشجویان قرار دهد. مشخص است که در این صورت حضور در کلاس معارف، دیگر صرفاً انتقال مجموعه‌ای از معرفت‌ها و داده‌های دینی به دانشجویان نیست، بلکه فراتر از آن، شرکت در هم‌وردی جدی با اندیشه‌هایی مختلف است که پذیرش هرکدام بر اندیشه و شخصیت اخلاقی دانشجویان تأثیرات متفاوتی باقی می‌گذارد.

سعادت و کمال را برده است؛ و این همان نظریه قُرب الهی است که در فلسفه اخلاق مطرح شده است.

اهداف مطرح شده هرچند ناظر به دانشجویان دروس معارف اسلامی بود اما از جهت دیگر نوعی هدف برای اساتید هم محسوب می‌شد. جدای از آن اهداف، از منظر صنفی نیز می‌توان برای خود اساتید نیز از نظر کاری و صنفی اهدافی را تعریف کرد. این اهداف از یک جهت صبغه کاری دارد، از قبیل ارتباط با دانشجویان یا مسؤولان دانشگاه، انجام مکاتبات اداری، تدریس آنلاین و مانند آن. اما از جهت دیگر اهدافی اخلاقی در پس آن نهفته که عبارت است از انجام هرچه درست‌تر و متقن‌تر و وظیفه مهمی که بر عهده دارند که افزون بر این که حکم وجدان اخلاقی آن‌هاست، عمل به دستورات دینی نیز می‌باشد؛ از جمله این سخن پیامبر خدا(ص) که فرمود: «إِذَا عَمِلَ أَحَدُكُمْ عَمَلًا فَلْيَتَّقِنَ»<sup>۲</sup>.

### فضای مجازی؛ ابزار، و ظرف تحقق اهداف اخلاقی

وصول به اهدافی که گفته شد نیازمند بهره‌گیری از اسباب و ابزار است؛ که گفته‌اند: «أَبَى اللَّهُ أَنْ يَجْرِيَ الْأَشْيَاءَ إِلَّا بِأَسْبَابِهَا». طبیعتاً این ابزار می‌تواند متناسب با هر زمان متفاوت باشد، اما امروزه و از منظر این بحث، یکی از مهم‌ترین، مؤثرترین و در دسترس‌ترین آن‌ها «فضای مجازی» است.

هم اکنون تقریباً همه دانشجویان با استفاده از تلفن‌های همراه و اتصال آسان به اینترنت، به مجموعه بزرگی از برنامه‌ها و داده‌ها دسترسی دارند و افزون بر آن با بهره‌گیری از این امکانات، فعالیت‌های آموزشی و علمی خود را نیز انجام می‌دهند؛ و البته از این فضا برای سرگرمی و دور زدن ممنوعیت‌ها و محدودیت‌های رسمی و عرفی فضای حقیقی نیز استفاده می‌کنند. از سوی دیگر، این دانشجویان با عضویت در «شبکه‌های اجتماعی» به مجموعه‌ای وسیع از افراد مرتبط می‌شوند و با حضور شبانه‌روزی در این شبکه‌ها و شکل‌گیری مجموعه‌ای از مراودات به طور لحظه‌ای در حال دریافت اطلاعات و آگاهی‌های درست و نادرست هستند.

از منظر دروس معارف اسلامی باید گفت داده‌هایی که این دانشجویان دریافت می‌کنند و فضای گفتمانی که در آن قرار می‌گیرند، بر باورهای دینی و رفتارهای اخلاقی‌شان تأثیرات چندگانه‌ای را از خود باقی می‌گذارد. اساتید معارف تا با این تأثیرات آشنا نشوند نسبت به واقعیت فضایی که دانشجویان‌شان در آن

زندگی می‌کنند شناخت کافی نخواهند داشت و طبیعتاً از این فضا نمی‌توانند برای وصول به اهداف پیش‌گفته استفاده کنند.

فضای مجازی برای دانشجویانی که در درس معارف اسلامی شرکت می‌کنند چه آورده‌هایی دارد؟ موارد زیر برخی از مهم‌ترین آن‌هاست:

### ۱. فراهم شدن میدانی جدید و وسیع برای کنشگری اخلاقی

بسیاری از دانشجویان امروزه با استفاده از امکانات فضای مجازی به گسترش فضایل اخلاقی کمک می‌کنند. آنان با تشکیل گروه‌های مختلف علمی به ارتقای سطح علمی جامعه یاری می‌رسانند؛ نشست‌های علمی برگزار می‌کنند، به یاری نیازمندان می‌شتابند، از منافع ملی کشورشان دفاع می‌کنند و با استفاده از این فضای تازه، استعدادها و توانایی‌های خود را شکوفا می‌سازند. انجام کارهایی از این دست با این شدت و وسعت تا چند سال قبل امکان‌پذیر نبود.

### ۲. آشنایی با دیدگاه‌های مختلف درباره معارف اسلامی

فضای مجازی به خاطر ساختار گسترده و تقریباً کنترل‌ناپذیر خود این امکان را فراهم می‌کند که افراد، دیدگاه‌های خود را درباره دین و معارف دینی بیان کنند؛ دیدگاه‌هایی که گاه به خاطر محدودیت‌های فضای رسمی، امکان طرح در فضای واقعی را ندارد. دانشجو در این فضا با نگرش‌های غیردینی و یا ضددینی آشنا می‌شود. او از این رهگذر نگرش‌های متفاوتی درباره ماهیت دین و دینداری پیدا می‌کند؛ دیدگاه‌هایی که ممکن است اصلاً دینی نباشد یا اگر هم دینی است، ناظر به دین اسلام نباشد، اگر هم مبتنی بر اندیشه‌های اسلامی است لزوماً منطبق و سازگار با معارف نباشد که در فضای دانشگاهی و در قالب دروس معارف اسلامی با آن‌ها آشنا شده است.

### ۳. آگاهی از سبک‌های مختلف زیست دینی و اخلاقی

دانشجو امروزه از دریچه فضای مجازی می‌تواند مشاهده کند که پیروان هر یک از ادیان و مذاهب و باورمندان به تفکرات اخلاقی گوناگون در سراسر کره زمین چگونه براساس معیارهای مورد پسند خود زندگی می‌کنند. این آشنایی زمینه مقایسه سبک‌های زندگی را با آنچه استاد معارف اسلامی به او معرفی می‌کند فراهم می‌نماید. استاد معارف اسلامی چنانچه با آنچه بر سر این سفره رنگین پیش روی دانشجو نهاده شده آشنایی نداشته باشد طبیعتاً نمی‌تواند

آن گونه که باید سبک‌های زندگی دینی و اخلاقی دیگران را نقد و از سبک زندگی اسلامی دفاع نماید.

#### ۴. یافتن مجال برای «زیستن از نوعی دیگر»

در جامعه ما، مانند دیگر جوامع، مجموعه‌ای از قوانین رسمی، باورهای دینی و اخلاقی و آداب و رسوم وجود دارد که چارچوب‌ها و محدودیت‌هایی را برای جوان دانشجو فراهم می‌کند، اما فضای مجازی به خاطر ساختار ویژه خود برای او این امکان را فراهم کرده که موارد زیادی از این چارچوب‌ها را نادیده بگیرد و گفتار و رفتاری متفاوت داشته باشد و به تعبیری، شاید بتوان گفت یک نظام ارزشی متفاوت از آنچه در آموزش‌های رسمی دانشگاه‌ها بیان می‌شود برای خود طراحی نماید. بنابراین، استاد درس معارف اسلامی نباید گمان کند رفتار و گفتار و حرکات و سکنتی که از دانشجویان در فضای حقیقی می‌بیند بیانگر «همه» وجوه شخصیت و اندیشه آنان است.

#### شرایط موفقیت در رسیدن به اهداف اخلاقی دروس

با توجه به آنچه گفته شد، اینک به پرسشی که در ابتدا مطرح شد باز می‌گردیم: اساتید معارف اسلامی برای وصول به اهداف اخلاقی این دروس چه باید بکنند؟ پیش از پاسخ بایستی به این نکته اشاره کرد که آنچه درباره فضای مجازی گفته شد به معنای آن نیست که کاری از دست اساتید بر نمی‌آید و باید در مواجهه با آن منفعل باشند، بلکه به عکس، هدف این است که بر لزوم مواجهه فعالانه با این فضا تأکید شود. برای موفقیت در این مسیر، توجه به موارد زیر لازم است:

#### ۱. حضور عینی و معرفتی در فضای مجازی

این حضور یک سطح شکلی دارد و یک سطح محتوایی، که هر دو برای استاد لازم است. سطح شکلی آن است که استاد روش استفاده از فضای مجازی برای انجام کارهایی چون انجام امور اداری، تدریس آنلاین، و حضور در شبکه‌های اجتماعی برای ارتباط با دیگران و دسترسی به اخبار را بداند. اما از آن مهم‌تر، حضور او باید ناظر به شناخت فضای گفتمانی حاکم بر فضای مجازی، کارکردها و کارکردهای اخلاقی آن، سنخ مناسبات اخلاقی و غیراخلاقی که در این فضا شکل می‌گیرد، تأثیر این فضا بر بینش، منش و کنش دانشجو و شکل‌گیری هویت اخلاقی او باشد. این‌ها در واقع

«خطوط سفید» و نانوخته‌ای است که شناخت آن نیاز به توجه و دقت فراوان دارد.

#### ۲. توجه به فضای مجازی به عنوان یک منبع هنجارگذار

از منظر بحث فضای مجازی، کلاس درس معارف اسلامی در واقع نه یک کلاس به معنای آکادمیک و سنتی آن، بلکه یک همایش یا کنفرانس است با حضور اندیشوران متعدد و اندیشه‌های متفاوت و متکثر. از این رو استادی که عهده‌دار تدریس معارف می‌شود در واقع پذیرفته است که در چنین همایشی شرکت کند و دیدگاه‌های خود را در معرض داوری دانشجو قرار دهد. مشخص است که در این صورت حضور در کلاس معارف، دیگر صرفاً انتقال مجموعه‌ای از معرفت‌ها و داده‌های دینی به دانشجو نیست، بلکه فراتر از آن، شرکت در هماوردی جدی با اندیشه‌هایی مختلف است که پذیرش هر کدام بر اندیشه و شخصیت اخلاقی دانشجو تأثیرات متفاوتی باقی می‌گذارد. بنابراین، استاد معارف اسلامی باید ساختار این میدان را بشناسد، از قواعد حاکم بر آن آگاه باشد، با دیدگاه‌های مطرح در آن آشنا باشد و این دیدگاه‌ها را تحلیل و نقد کند. همچنین باید آگاهی داشته باشد که انواع دیدگاه‌هایی که در فضای مجازی در باب دین و اخلاق مطرح می‌شود با آن نگرشی از اسلام که استاد در کلاس از آن دفاع می‌کند چه وجوه اشتراک و افتراقی دارد و برتری‌های آن نسبت به دیدگاه‌های دیگر چیست.

#### ۳. تغییر روش از «خطابه» به «گفت‌وگو»

مونولوگ یا «تک‌گویی»، شاخصه تبلیغات دینی در دوره پیشافضای مجازی است. ساختار فضای مجازی به گونه‌ای است که تا حد زیادی افراد را وادار به گفت‌وگو می‌کند و فرد نمی‌تواند هرچه خواست بگوید و بگذرد و به دیدگاه‌های مخاطبان خود بی‌توجه باشد؛ چرا که این بی‌توجهی موجب روی گرداندن افراد از او و ترک گروه، کانال یا صفحه‌اش می‌شود. روشن است که «تنها ماندن» و طرد شدن در فضایی که اساسش بر «دیده شدن» است چه اندازه می‌تواند رنج‌آور و غیرقابل تحمل باشد. این شرایط، فرد را وادار می‌دارد که در این فضا به‌طور واقعی یا نمایشی، خود را اهل گفت‌وگو و شنیدن نظرات مختلف نشان دهد. این که امکان «کامنت‌گذاری» و درج نظرات در یک شبکه اجتماعی نوعی امتیاز محسوب و از آن استقبال می‌شود و این که سبب‌هایی که امکان درج نظرات کاربران را فراهم می‌کنند مورد استقبال بیشتر قرار می‌گیرد، نشانه آن است که فضای مجازی توانسته پرهیز از «تک‌گویی» و روی آوردن به «گفت‌وگو» را به عنوان هنجاری اخلاقی در ذهن و ضمیر مخاطبان خود برجسته سازد. بر این

اساس، دانشجوی درس معارف اسلامی نیز به عنوان یکی از شهروندان فضای مجازی با «گفت و شنید» و «مباحثه» و «مناظره» توافق و همدلی بیشتری دارد تا این که بخواهد صرفاً مسافر جاده‌ای یک طرفه باشد.

**مونولوگ یا «تک‌گویی»**، شاخصه تبلیغات دینی در دوره پیشافضای مجازی است. ساختار فضای مجازی به گونه‌ای است که تا حد زیادی افراد را وادار به گفت‌وگو می‌کند و فرد نمی‌تواند هرچه خواست بگوید و بگذرد و به دیدگاه‌های مخاطبان خود بی‌توجه باشد؛ چرا که این بی‌توجهی موجب روی‌گرداندن افراد از او می‌شود. این که امکان «کامنت‌گذاری» و درج نظرات در یک شبکه اجتماعی نوعی امتیاز محسوب و از آن استقبال می‌شود و این که سایت‌هایی که امکان درج نظرات کاربران را فراهم می‌کنند مورد استقبال بیشتر قرار می‌گیرد، نشانه آن است که فضای مجازی توانسته پرهیز از «تک‌گویی» و روی آوردن به «گفت‌وگو» را به عنوان هنجاری اخلاقی در ذهن و ضمیر مخاطبان خود برجسته سازد. بر این اساس، دانشجوی درس معارف اسلامی نیز به عنوان یکی از شهروندان فضای مجازی با «گفت و شنید» و «مباحثه» و «مناظره» توافق و همدلی بیشتری دارد تا این که بخواهد صرفاً مسافر جاده‌ای یک طرفه باشد. نکته قابل تأمل این که اتفاقاً فضای مجازی می‌تواند ابزاری برای شکل‌دهی به «تدریس گفت‌وگو محور» باشد.

شروط آن است که استاد اولاً سخن خود (نه کلام دین را) از هر جهت کامل و بی‌ایراد نداند، ثانیاً نظرات دانشجویان را نیز یک‌سره خطا و نادرست نپندارد، ثالثاً در مراعات اصول «اخلاق گفت‌وگو» الگوی دانشجویان باشد. از جمله این اصول می‌توان مدارا و تحمل، سعه‌صدر، شفقت و مهربانی در برخورد با دانشجو، مراعات ادب و احترام حتی در صورت مخالفت با دیدگاه‌های دانشجویان نام برد.

نکته قابل تأمل این که اتفاقاً فضای مجازی می‌تواند ابزاری برای شکل‌دهی به «تدریس گفت‌وگو محور» باشد. به این معنا که استاد می‌تواند به خاطر صرفه‌جویی در وقت کلاس و عقب‌نماندن از برنامه درسی، بخش‌های اساسی درس را در کلاس بیان کند و گفت‌وگو و مباحثه پیرامون آن را از طریق فضای مجازی و در غیر ساعات درسی پیگیری نماید. مثلاً با راه‌اندازی یک گروه یا صفحه در یکی از شبکه‌های اجتماعی یا با استفاده از برنامه‌های مخصوص تدریس آنلاین، یک فضای گفت‌وگو و مباحثه را دربارہ درس معارف اسلامی ایجاد کند. این کار در واقع مکمل و ادامه کلاس درس است اما مزیتش نسبت به کلاس فیزیکی آن است که:

اولاً غیر از دانشجویان، دیگر علاقه‌مندان هم می‌توانند در گفت‌وگو (و در واقع در کلاس درس) شرکت کنند چرا که هیچ محدودیت فیزیکی ندارد.

ثانیاً شاگردان در هر گوشه جهان به راحتی می‌توانند در کلاس حاضر شوند و بُعد مکان مانع از حضور آنان نیست.

ثالثاً امکان گفت‌وگو به صورت‌های متنوع، اعم از نوشتاری، صوتی و تصویری فراهم است.

رابعاً چه استاد چه دانشجویان می‌توانند به آسانی منابع مورد نیاز را به اشتراک بگذارند.

#### ۴. فعالیت مشارکتی با دانشجویان

بیشتر گفته شد که تدریس دروس معارف اسلامی صرفاً یک فعالیت آموزشی نیست، بلکه اهداف تربیتی نیز دارد. آنچه با عنوان اهداف میانی برای این دروس ذکر شد، از قبیل ایجاد حس مسئولیت نسبت به سرنوشت جامعه و مشارکت در کارهای خیر، ناظر به این اهداف است.

امروزه فضای مجازی با امکاناتی که دارد بستر بسیار مناسبی برای تحقق این اهداف است؛ مشروط به این که استاد اولاً با این امکانات آشنا باشد ثانیاً دانشجویان را نیز درگیر آن کند یا اگر دانشجویان از طریق این فضا کارهای خیرخواهانه‌ای را آغاز کردند استاد هم در آن‌ها مشارکت کند و به تعبیر امام صادق علیه السلام «کونوا

بنابراین، استاد معارف اسلامی اگر بخواهد در وصول به اهداف پیش گفته موفق شود بایستی کلاس درس خود را به «فضای ارتباطی گفت‌وگو محور» تبدیل کند. یعنی از یک سو «برای دانشجویان» سخن بگوید و از سوی دیگر «از دانشجویان» سخن بشنود. ورود به این فضا نیازمند برخی شروط و مقدماتی است که تأمین آن‌ها در قدم اول بر عهده استاد کلاس است. از جمله این

کارهایی است که امروزه بر بستر فضای مجازی می‌تواند توسط استاد و دانشجویان انجام شود.

#### ۵. توجه به عنصر «واقع بینی»

گفت: نازنینی تو ولی در حد خویش / الله‌الله پامینه از حد،  
بیش؟ استاد معارف اسلامی در قضاوت پیرامون تأثیرات فضای مجازی و در استفاده از آن، بایستی «واقع‌بین» باشد. یعنی توجه داشته باشد فضای مجازی به رغم همه کارکردهای مثبتی که برای وصول به اهداف اخلاقی درش دارد، اما مسائل، محدودیت‌ها و کژکارکردهای خاص خود را نیز دارد. از این رو نه می‌تواند و نه باید جای ارتباط حضوری استاد و دانشجو را بگیرد بلکه این دو باید مکمل هم باشند. در این زمینه بایستی اندازه نگه داشت که گفته‌اند: «اندازه نگه دار، که اندازه نکوست».

۳. بحار الأنوار، ج ۲۲، ص ۲۶۴، ح ۵.

۴. طریحی، مجمع‌البحرین، ج ۱، ص ۲۵۶.

۵. کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۷۸، ح ۱۴، بَابُ الْوَرَعِ.

۶. مولوی، مثنوی معنوی، دفتر اول، دعا کردن بلغم باعور... بیت ۸.

دُعَاةٌ لِلنَّاسِ بِغَيْرِ أَلْسِنَتِكُمْ» باشد تا دانشجو «الْوَرَعُ وَ الْإِحْتِهَادَ وَ الصَّلَاةَ وَ الْحَيْرَ» را در عمل ببیند. این تبلیغ عملی موجب می‌شود که دانشجویان، استاد را عامل به علم خود بدانند و به آنچه در کلاس می‌گویند توجه و اعتماد بیشتری کنند.

راه اندازی کمپین‌ها و فراخوان‌ها برای کمک به نیازمندان، تهیه کتاب برای مناطق محروم، ارائه خدمات آموزشی و مشاوره‌ای به افراد نیازمند، گردآوری کمک‌های مالی برای بیماران و افراد نیازمند، دفاع از امنیت ملی و تقویت همبستگی اجتماعی، ترویج استفاده درست از محیط زیست، اصلاح اخلاق شهروندی، ارائه کنفرانس‌ها و نشست‌های علمی آنلاین و تشکیل گروه‌های مختلف برای اطلاع‌رسانی متعهدانه و حقیقی ت‌محور، چند نمونه از

۱. قاسم پور عرفانه، و دیگران، «مطالعه برنامه درسی اجرا شده و کسب شده دروس عمومی معارف اسلامی در آموزش عالی با تأکید بر روش آمیخته»، فصل‌نامه پژوهش‌های کیفی در برنامه درسی، س ۲، ش ۶، ص ۸۹-۱۱۲.
۲. بقره: ۱۵۶.



# نیازها و حیطة‌های تحول

## در دروس معارف اسلامی دانشگاه‌ها

حجت‌الاسلام والمسلمین اکبر فرحزادی



### درآمد

همه شهید است، به خطر می‌افتد و آسیب می‌بیند.

### تحول نیاز به اتاق فکر دارد

هر گونه اقدام و تحول و فعل و انفعال اگر قرار است انجام شود قطعاً باید بر اساس یک تفکر و نگاه راهبردی باشد. پس برای تحول ملزوماتی نیاز داریم، که اتاق فکر یکی از مهم‌ترین ملزومات تحول است. یک اتاق فکر منسجم، متشکل از افراد صلاحیت‌دار و نه صرفاً دارای عنوان و شهرت؛ افراد دارای تجربه مناسب و خوش فکر و دارای تفکر راهبردی و سعه اطلاعات و آشنا به مهارت‌هایی که در این حیطة به آنها نیاز هست. افرادی که وقت بگذارند، نه اینکه اتاق فکر کار رده دوم و سوم و چندم آن‌ها باشد. اتاق فکر صورتی کاری از پیش نمی‌برد، اتاق فکری می‌خواهیم که در آنجا مسائل درست دیده و اندیشیده شود و نگاه سیستمی و راهبردی داشته باشد. نگاه سیستمی یعنی نگاهی جامع

بی‌مقدمه باید گفت اگر تحول در دروس معارف اسلامی ضرورت نداشته باشد این همه بحث و وقت و سرمایه و کارهایی که در این راستا انجام می‌شود، لغو خواهد بود و اگر ضرورت دارد باید با عزمی جدی به آن پرداخته شود. کسی که می‌خواهد وارد عرصه تحول شود باید بداند بحث تحول در دروس معارف اسلامی بسیار مهم و البته خطرناک است، چون این بحث به نوعی حق الناس است. هر گونه تحول در نظام دروس معارف اسلامی در صورتی که منفی و غلط باشد حق عظیمی از سوی میلیون‌ها جوان دانشجو بر گردن مسئولان می‌ماند و آنان قطعاً از عهده آن برنخواهند آمد! ضمن اینکه اگر تحول درست اتفاق بیفتد نظام اسلامی بیمه می‌شود و اگر درست اتفاق نیفتد نظام اسلامی، که حاصل خون این



نیازهای مشترک وارد زندگی ما می‌شود و انسان ۱۴۰۰ سال قبل با انسان امروز در آن نیازها با هم مشترک هستند. به همین دلیل است که معتقدیم دین برای همیشه پاسخگو است، چون نیازهای مشترک انسان ثابت است.

ما در طراحی دروس باید در وهله اول به نیازهای مشترک توجه کنیم. قبل از پرداختن به نیازهای مشترک نمی‌توانیم و حق نداریم به نیازهای اختصاصی بپردازیم. قبل از شکل‌گیری اعتقادی یک دانشجوی پزشکی، نباید در مورد اخلاق پزشکی برای او صحبت کنیم، قبل از باور به یک نظام اخلاقی در زندگی، نمی‌توان از اخلاق پزشکی یا اخلاق قضاوت یا وکالت یا... صحبت کرد. اول باید به باورها و نیازهای اولیه و درجه یک و اهم، در تدوین دروس و محتوا توجه شود. در نگاه نیاز محور این توجه وجود نداشت، بلکه نیاز سنجی را به عهده دانشجو گذاشتند و به شکل منفعل عمل شد! مثل اینکه یک مریض به پزشک مراجعه کند و پزشک از او بپرسد؛ چه داروهایی نیاز داری که بنویسم؟! بیمار باید احوالات خود را بگوید و پزشک بر اساس علائم و حالات بیمار تشخیص دهد که چه بیماری دارد و نیازهای بیمار را تشخیص دهد و بر اساس آن دارو تجویز کند.

هر گونه اقدام و تحول باید بر اساس تفکر و نگاه راهبردی باشد. پس برای تحول ملزوماتی نیاز داریم، که اتاق فکر یکی از مهم‌ترین ملزومات تحول است. یک اتاق فکر منسجم، متشکل از افراد صلاحیت‌دار و نه صرفاً دارای عنوان و شهرت؛ افراد دارای تجربه مناسب و خوش فکر و دارای تفکر راهبردی و سعه اطلاعات و آشنا به مهارت‌هایی که در این حیطه به آن‌ها نیاز هست. افرادی که وقت بگذارند، نه اینکه اتاق فکر کار رده دوم و سوم و چندم آن‌ها باشد.

همچنین در مرحله اول نباید به دانشجو بگوییم: تو به فکر چه هستی و چه نیازهای فکری داری و به آن بپردازیم، بلکه اول باید زیربنای فکری جوان را بسازیم، بعداً به نیازهای مستحده و نیازهای اختصاصی رشته‌ها و گرایش‌ها توجه کنیم. اینکه دروس را برای تنوع، چند سال قبل ۱۶ عنوان کردیم تا دانشجو هر چه را خواست به دنبال آن برود، اشتباه بود و در تحول باید به این مسئله پرداخته و بحث شود.

الاطراف و دقیق و دیدن همه عوامل و موانع مؤثر در تحول، کسی که نگاه سیستمی دارد می‌داند؛ مجموعه‌ای، به عنوان مثال یک دستگاه عظیم دارای انواع پیچ و مهره و قطعات و اتصالات، اگر یک پیچ یا مهره آن در جایی شل باشد یا بیفتد ممکن است کل سیستم را از کار بیندازد. در تحول دروس معارف نیز ممکن است یک مانع جدی، به همه اتفاقات مثبتی که می‌خواهیم رقم بزنیم آسیب بزند. درست دیدن همه عوامل و موانع وظیفه اتاق فکر است. کسی که می‌خواهد وارد اتاق فکر تحول بشود باید نگاهی آسیب‌شناسانه به معنای تبعات نگر و آینده‌نگر داشته باشد. واقع‌نگر باشد نه آرمانی و در توهم و خیال، نگاهی ژرف‌نگر و نه سطحی‌نگر و پوپولیستی و نمایشی و آماری، در اتاق فکر تحول لازم است.

### هدف گذاری و غایت نگری

یکی دیگر از ملزومات تحول، هدف گذاری و غایت نگری است؛ هدف غایی این تحول می‌تواند یک دانشجوی مؤمن و معتقد و متخلق و متقی و متفکر و ژرف‌نگر و عاشق انقلاب و انقلابی و ولایت‌مدار و ظلم ستیز و در یک کلام، دانشجوی حق‌مدار باشد. این دانشجو خروجی و نتیجه تحول است. برای رسید به این هدف غایی یک سری اهداف میانی لازم است که باید مورد توجه قرار گیرد. اهداف میانی می‌تواند تحول در حیطه هر درس یا کتاب و گرایش و ترم و سال تحصیلی یا هر دوره تحصیلی باشد. بدون هدف گذاری کار کردن، آب در هاون کوبیدن و هدر دادن بودجه بیت‌المال است.

### حیطه‌های تحول

تحول در دروس معارف اسلامی دارای حیطه‌های مختلف است که باید ضمن شناسایی آن‌ها، در خصوص هر حیطه هم تحول لازم را ایجاد کنیم.

### توجه به نیازهای مشترک در تحول محتوا

محتوا اولین حیطه تحول است که تقریباً به ذهن همه می‌رسد؛ آیا محتوای دروس موجود ما را به اهداف مورد نظر می‌رساند یا باید متون جدیدی طراحی شود؟ محتوا علی‌القاعده بر اساس نیازها طراحی می‌شود، اما ممکن است نیازها غلط دیده شود. در یک تقسیم‌بندی نیازها دو دسته هستند؛ یک سری نیازهای مستحده و اختصاصی داریم که ممکن است مرتب و روزانه در بین جوان‌ها ایجاد شود و برای بقیه جامعه موضوعیت ندارد. یک سری نیازهای مشترک بین انسان‌ها داریم که این نیازها می‌توانند پایه و اساس کار باشند و مهم نیز هستند. دین بر اساس

محتوا باید دارای غنای علمی و اتقان علمی باشد همچنین باید ناظر به اهداف غایی و میانی باشد. اتقان به معنای اینکه مستند باشد و منظونات و خرافات از ساحت این درس دور باشد. مباحثی که ارائه می‌شود در وهله اول به نیازهای اساسی و بنیادین و پایه توجه کند. مباحث پایه در اعتقادات و اخلاق و همه گرایش‌هایی که ارائه می‌کنیم مشخص است. مثلاً در مباحث اعتقادی زیربنای فکری و اعتقادی دانشجو نسبت به خدا و معاد و هدفمندی خلقت و ضرورت دین درست شود. بدون توجه به این تقدم و تأخر در مباحث، بقیه بحث‌های ما لغو و بی ارزش است. جوان برای اینکه بتواند با ما همراه شود باید بفهمد که موجودی عبث نیست و خلقتش بر اساس یک تصادف رخ نداده است. باید بداند مثل همه عالم هستی موجودی هدفمند است. شبهاتی که در مورد دین مطرح هست بررسی و پاسخ داده شود تا دانشجو با خیال راحت متدین شود. وقتی دانشجو متدین شد خودبخود بسیاری از مشکلات فکری و فردی و اجتماعی زائل می‌شود چون دین برای همه اینها پاسخ دارد. بدون شناخت این مباحث بنیادین قطعاً دانشجو با ما در درس آتی همراهی نخواهد کرد.

محتوا باید تاثیرگذار و جذاب و کاربردی و به‌روز و شاه کلیدی باشد، البته به‌روز بودن محتوا به معنای این نیست که مباحث حتماً نو باشد. ساده بودن و استفاده از تمثیل و داستان و نشان دادن کاربرد مباحث و پیوند زدن آن‌ها به نیازهای انسان، درس‌ها را جذاب و تاثیرگذار و ماندگار می‌کند. مطالب شاه کلیدی یعنی به جای اینکه یک قفل را برای جوان باز کند و یک مشکل را حل کند، شاه کلید را به جوان ارائه کند تا خود او بتواند مشکلات را مرتفع کند. این نگاه باعث می‌شود محتواهای صحیح و بنیادین انتخاب شود.

محتوا ناظر به سال‌های تحصیلی قبل باشد تا از هر گونه تکرار مُمل و مُحل جلوگیری شود، دانشجو نگوید من اینها را سال‌های قبل هم خوانده‌ام. مطالب باید مکمل هم باشند و در این مسئله اول مباحث بنیادین و پایه‌ای خوانده شود ضمناً باید نواقص قوانین هم برطرف شود، در بعضی دانشگاه‌ها می‌بینیم دانشجو اول اخلاق را می‌گیرد بعد سراغ اندیشه و معارف می‌رود که این غلط است. اول باید مباحث بنیادین و پایه‌ای درست شود بعد سراغ مباحث دیگر رفت، درس مثل حلقه‌های یک زنجیر هستند. گرایش‌های پنج‌گانه حلقه‌های یک زنجیر هستند که مجموعه آن‌ها هدف واحدی را دنبال می‌کنند که تربیت دانشجوی مؤمن و متخلق است. طراحی درس معارف نباید به شکل جزیره‌ای باشد

مثلاً متولیان درس اندیشه برای خودشان در یک اتاق کار کنند و متولیان درس دیگر در اتاق دیگر، بلکه همه باید بر هم نظارت و اشراف داشته باشند و مکمل یکدیگر باشند تا مجموعه این زنجیر بتواند صاحبش را به مقصد برساند.

### استاد، رکن تحول است

حیطه دوم روش‌هاست؛ چه بسیار بذر خوب که مورد استفاده قرار نمی‌گیرد و تلف می‌شود، یعنی محتوا خوب است اما اگر روش‌ها خوب نباشد محتوا را تلف می‌کند.

### حیطه استاد در اثربخشی درس معارف

حیطه سوم استاد است که اثربخشی مستقیم در درس معارف دارد. سلوک فردی استاد خیلی مهم است، اگر بهترین و غنی‌ترین مباحث را به یک استاد غیر متخلق بدهیم آن‌ها را نابود می‌کند بلکه تأثیرات منفی می‌گذارد. محتوای غنی به تنهایی کافی نیست بلکه استاد هم باید متخلق باشد. این تخلق عملی در حیطه‌های مختلف باید توجه شود، ولی یکی از نکاتی که باید خیلی مورد توجه باشد دغدغه‌مندی استاد است. استادی که فقط دغدغه معاش دارد، می‌خواهد پولی در بیاورد و اموراتش را بگذراند و یا تنها در پی استخدام باشد و.... این استاد قطعاً تاثیرگذاری پایینی خواهد

محتوا اولین حیطه تحول است که تقریباً به ذهن همه می‌رسد. در طراحی درس باید در وهله اول به نیازهای مشترک توجه کنیم. قبل از پرداختن به نیازهای مشترک نمی‌توانیم و حق نداریم به نیازهای اختصاصی بپردازیم. قبل از شکل‌گیری اعتقادی یک دانشجوی پزشکی، نباید از اخلاق پزشکی با او صحبت کرد، قبل از باور به یک نظام اخلاقی در زندگی، نمی‌توان از اخلاق قضاوت یا وکالت یا... صحبت کرد. در نگاه نیاز محور این توجه وجود نداشت، بلکه نیازسنجی را به عهده دانشجو گذاشتند و به شکل منفعل عمل شد! مثل اینکه یک مریض به پزشک مراجعه کند و پزشک از او بپرسد: چه داروهایی نیاز داری که برایت بنویسم؟! بیمار باید احوالات خود را بگوید و پزشک بر اساس علائم و حالات بیمار تشخیص دهد که چه بیماری و چه دارویی دارد.

داشت. اما استادی که دغدغه هدایت‌گری و اصلاح جوان و دغدغه انقلاب و نظام اسلامی را دارد هر جمله‌اش می‌تواند انسانی را متحول کند. پس روی سلوک فردی استاد و آموزش او توجه جدی باید شود.

البته توجه به سلوک فردی به تنهایی کافی نیست، اگر استادی سالک هم باشد اما تخصص‌ها و مهارت‌های لازم را نداشته باشد نمی‌تواند تأثیرگذار باشد. استاد خوب باید به انواع مهارت‌های کاربردی نیز اشراف نسبی داشته باشد؛ مهارت پاسخگویی و مخاطب‌شناسی و کلاس‌داری و مدیریت زمان و ارتباط مؤثر با مخاطبان و مهارت‌های فردی مثل کنترل خشم و صبر و مدارا، مهارت‌هایی است که استاد باید به آن‌ها مزین شده باشد و نیز باید به او آموزش‌های لازم داده شود. استاد باید برنامه درسی مشخص داشته باشد و با یک نظام منسجم وارد عرصه تدریس شود. استاد نمی‌تواند باری به هر جهت وارد کلاس شود و هر چه به ذهنش رسید بگوید! این مدل تدریس ما را به اهدافی که می‌خواهیم نمی‌رساند. اشراف علمی استاد نسبت به درس و دروس مرتبط یک ضرورت است و اگر استاد این اشراف را نداشته باشد یا حتی ضعیف باشد آثار مخربی خواهد داشت.

یکی از مباحث بسیار مهم این است که آموزش استاد را جدی بگیریم، یک استاد خوب که درست آموزش دیده باشد هزاران جوان را درست تربیت می‌کند، برعکس یک استادی که درست آموزش ندیده و تربیت نشده از جهات مختلف می‌تواند آثار مخرب برای هزاران جوان داشته باشد. این نکته بار مسئولان و کسانی که در انتخاب استاد دخیل هستند را سنگین‌تر می‌کند. ما هر کسی را به صرف داشتن مدرک نمی‌توانیم در این عرصه بپذیریم، پذیرش نباید رها و واداده باشد. اگر نصاب‌های لازم را نداریم آموزش برای تربیت استاد به شکل جدی‌تر در دستور کار قرار گیرد. دانشگاه معارف آموزش‌های خوبی را برای دانشجویان دارد. آموزش ضمن خدمت هم مهم است و اساتید نباید از آن دور باشند، آموزش مثل شارژ باطری موبایل است که دائم استاد باید خود را به آن متصل کند.

### تحول در مسئولان و قوانین تقدم زمانی دارد

حیطه چهارم تحول، تحول در مسئولان و قوانین و مقررات است که باید نگاه جدی به آن‌ها داشته باشیم و چه بسا در تحول اول باید از این حیطه شروع کنیم و از اینجا تحول آغاز شود. یعنی در نگاه مسئولان و قوانینی که از سوی آن‌ها وضع می‌شود و قوانین راهبردی که از سوی آن‌ها ایجاد می‌شود تحول رخ دهد تا بتوانیم

با پشتوانه خوبی به اهداف برسیم. این حیطه دو زیر شاخه دارد؛ یکی قوانین و مقررات و دیگری خود قانون‌گذاران. در قوانین و مقررات ما باید بر قوانین قبلی نظارت داشته باشیم و قوانینی که غلط است باید اصلاح شود و قوانین صحیحی که اجرا نمی‌شود باید جدی گرفته شود. همچنین ایجاد قوانین جدید در دستور کار قرار گیرد است، قوانین غلط از بین برود و قوانین جدید جایگزین شود. همه اینها نیازمند نظارت در اجرا است که این هم باید به شکل جدید و جدی در دستور کار قرار گیرد. اگر نظارت ضعیف شد قوانین و مقررات هم به درد نمی‌خورد، لذا همه اینها کنار هم باید توجه شود.

شاخه دوم خود قانون‌گذاران هستند، حق الناس بزرگی برگردن ماست، بحث دانشگاه و دانشجو و آینده نظام اسلامی است. هر کسی نمی‌تواند در جایگاه قانون‌گذار قرار گیرد. افراد قانون‌گذار مثل افراد اناق فکر باید دارای ویژگی‌های خاصی باشند که مهم‌ترین آن‌ها داشتن نگاه راهبردی است.

بعضی اوقات در سطح کلان کشور نمونه‌هایی دیده می‌شود که حاکی از خلاء در قوانین است. در قانون‌گذاری دروس معارف اسلامی، کسانی که دور هم جلسه می‌گذارند و در این مورد بحث می‌کنند، سعی کنند اول نگاه خودشان را اصلاح کنند و نگاه سیستمی و راهبردی را در خودشان ایجاد کنند و از جریان‌های سطحی و آماری و پوپولیستی و نمایشی به شدت پرهیز کنند چون روز قیامت نمی‌توانیم پاسخ دهیم!



می‌گرفتند تا از چنین منظری به تدریس دروس معارف بنگرند. این رویکرد هم در اهداف و هم بر محتوا و متن و هم بر روش‌ها حاکم می‌شد و صد البته بر فرآیند مدیریت نیروی انسانی از جذب گرفته تا...؛ چرا که کسانی باید به عنوان استاد این دروس مشغول می‌شدند که توانایی همه‌جانبه‌ای در اتخاذ چنین رویکردی داشته باشند.

اهداف دروس نیز چنین طراحی شد:

۱. توسعه و تعمیق آگاهی‌های دینی به منظور ایجاد نگرش صحیح دینی بر اساس آموزه‌های اسلام ناب محمدی ﷺ؛
۲. گسترش فضای معنویت و رشد فضایل اخلاقی به منظور تقویت ایمان و عمل صالح؛
۳. تبیین تاریخ اسلام در پرتو تمدن اسلامی به منظور تقویت روح خودباوری در نسل جوان دانشگاهی؛
۴. تبیین مبانی نظام اسلامی مبتنی بر اندیشه‌های حضرت امام خمینی رحمته‌الله؛
۵. پاسخگویی به نیازهای فکری، عاطفی و عقیدتی نسل جوان و مقابله با ترویج عقاید و افکار انحرافی؛
۶. توجه به ارتقاء فکر دینی، پر کردن خلاء فکری دانشجویان و روشنفکر دانشگاهی (در مسائل فوق) با سخنان نو، قوی، منطبق با معیارهای روشنفکری و نگاه مبتکرانه به مسائل دینی و مسائل فکری اسلامی.

بدیهی است مقصود اختصاص هر هدف به یک عنوان درسی نیست بلکه در هر درس به فراخور موضوع اگر امکان هر چند هدف میسر بود باید پیگیری می‌شد. به نظر می‌رسد اهداف مذکور هنوز هم می‌تواند کارکرد خود را داشته باشند هر چند با توجه به تحولاتی که در جغرافیای جبهه مقاومت در غرب آسیا صورت گرفته است و تزلزل ارکان استکبار جهانی به سرکردگی آمریکا و تلاش برای برداشتن با صلابت گام سوم برای تحقق تمدن نوین اسلامی از طریق تحقق دولت اسلامی و صدور بیانیه گام دوم، توسعه اهداف ضرورت می‌یابد. از این رو سپردن تدوین اهداف به عقل جمعی یک‌بار دیگر می‌تواند کارساز باشد؛ مشروط به این که اهداف روی کاغذ نماند و در قالب برنامه‌های کوتاه و میان مدت تنظیم و اجرا گردد و در پایان ارزیابی از نتیجه کار صورت گیرد.

### تحول محتوایی

قاعدتا هر تحولی در اهداف صورت گیرد باید به تبع آن در زمینه محتوا نیز تغییرات لازم صورت گیرد. به عبارتی محتوا تابع رویکرد



تأملی در

## محتوا و رویکردهای ارائه درس

### تاریخ اسلام

دکتر محمد حسین دانشکیا

دانشیار و عضو هیئت علمی دانشگاه معارف اسلامی

### درآمد

در باره این که آیا با گذشت بیش از یک دهه از آخرین تغییرات درباره اهداف دروس معارف اسلامی دانشگاه، نیازی به بازنگری دیده می‌شود یا خیر شاید پاسخ تاحدودی مشکل باشد زیرا باید ابتدا ارزیابی شود آیا اهداف قبلی تحقق یافته است؟ یا تغییراتی عمده در محدوده نیازهای دانشجویان رخ داده که ضرورتاً بازنگری در اهداف را می‌طلبد؟ شاید ابتدا مروری بر آن اهداف ضروری باشد. طی جلساتی که در نیمه دوم دهه هشتاد به مدیریت رئیس وقت نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها تشکیل گردید، رویکرد و اهداف دروس معارف اسلامی تعیین شد. در آن جلسات، تبیین نقش دین و کارکردهای آن در زندگی و سعادت انسان به منظور ایجاد تغییر مطلوب در بینش، نگرش، ارزش‌ها، گرایش‌ها و رفتارهای دانشجویان در جهت افزایش دینداری به عنوان رویکرد کلان مجموعه دروس در نظر گرفته شد. به عبارتی اساتید قاعدتاً از آن پس باید تلاش خود را به کار

و اهداف است. روشن است مقصود از محتوا صرفاً کتاب‌های درسی نیست بلکه اعم از آن است و مجموعه مطالب، اطلاعات، تحلیل‌ها و... که از سوی استاد و با مشارکت دانشجویان در کلاس ارائه می‌گردد را شامل می‌گردد، به طوری که کتاب جزئی از محتواست. از این رو از مدت‌ها قبل، سخن از این بوده که بخشی از محتوا به نیازهای نسبتاً ثابت و بخشی به نیازهای متغیر ناشی از تحولات روز، اختصاصات جغرافیای دانشگاه و عوامل دیگر بپردازد.

اما این که متون فعلی اهداف تعیین شده را تامین می‌نماید یا خیر؟ نیازمند نظر سنجی علمی فراگیر است. نظر سنجی از اساتید فن از یک سو و فراگیران محترم از سوی دیگر. در این جا مقصود از نظر سنجی علمی، یک نظر سنجی واقعی و نه نظرسازی است. حذر از اعمال نظرات مبتنی بر سلیقه شخصی که قطعاً می‌تواند به تحقق اهداف کلان دروس معارف اسلامی صدمه بزند باید سرلوحه کارگزاران قرار گیرد؛ امری که لطمات جبران ناپذیری به ترویج اسلام ناب محمدی ﷺ می‌زند.

قبل از ورود به بحث محتوایی ذکر دو نکته ضروری است.

**اول:** نقش استاد نقشی بی‌بدیل در آموزش، خصوصاً آموزش معارف اسلامی است. قطعاً امروز برای اندک طرفداران آموزش مجازی، کاستی‌های آن نسبت به روش چهره به چهره و آموزش حضوری وجدان شده است. هیچ نوع آموزشی نمی‌تواند نتایج آموزش چهره به چهره را در پی داشته باشد. این همان تاکید مقام معظم رهبری در دیدار با برخی از مسئولان نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها و دانشگاه معارف اسلامی است.<sup>۱</sup> ایشان در آن جلسه پر بار که متأسفانه چنان که باید رسانه‌ای نشد، از نقش بی‌همتای استاد سخن گفتند و تاکید فرمودند که استاد خوب می‌تواند محتوا آفرین باشد- نقل به معنی- از این رو باید سرمایه‌گذاری اصلی بر تامین و پشتیبانی اساتید مناسب در گام اول یا تربیت نیروی انسانی لازم و تداوم آموزش آن‌ها از طرق مختلف برای به روز نگه داشتن آن‌ها در گام‌های بعدی باشد. هر چند اگر از ابتدا نیروی انسانی به خوبی انتخاب شود، قطعاً خود، ارتقای خویش را رقم خواهد زد و نهاد به عنوان سازمان پشتیبان به همراه وزارتخانه‌های ذی‌ربط و دیگر مراکز مربوط تنها تسهیل‌کننده خواهند بود. البته در این باره سخن بسیار است و این ناچیز نمی‌آید. پیمی است.

**دوم:** به اعتقادی، محتوای دروس معارف اسلامی و در این بحث تاریخ اسلام (در معنای اعم آن که به نوعی تاریخ امامان و فرهنگ و تمدن را هم در بر گیرد) باید از سه رکن: "معرفت‌زایی"،

"توهین الباطل" و "شبهه‌زدایی" برخوردار باشند و باید به همین ترتیب محتوا سامان یابد. به عبارتی استادان محتوای دروس باید خود را بر این سه رکن استوار سازند.

رکن رکن محتوا، معرفت‌زایی برای مخاطب و فراگیر است. در معرفت‌زایی نه تنها دانش‌افزایی صورت می‌گیرد بلکه دانشی به فراگیر منتقل می‌گردد تا چراغ راه آینده‌اش گردد؛ او را بیدار کند یعنی موعظه باشد، تفکر و تأمل به دنبال داشته باشد و نتیجه‌اش عبرت و هدایت باشد. هدایت محوری هدفی عالی از اهداف واگویی تاریخ در کتاب عزیز ما قرآن است.

طی جلساتی در نیمه دوم دهه هشتاد به مدیریت رئیس وقت نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها، رویکرد و اهداف دروس معارف اسلامی تعیین گردید. در آن جلسات، تبیین نقش دین و کارکردهای آن در زندگی و سعادت انسان به منظور ایجاد تغییر مطلوب در بینش، نگرش، ارزش‌ها، گرایش‌ها و رفتارهای دانشجویان در جهت افزایش دینداری به عنوان رویکرد کلان مجموعه دروس در نظر گرفته شد. اساتید از آن پس باید تلاش خود را به کار می‌گرفتند تا از چنین منظری به تدریس دروس معارف بنگرند. این رویکرد هم در اهداف و هم بر محتوا و متن و هم بر روش‌ها حاکم می‌شد؛ و صد البته بر فرآیند مدیریت نیروی انسانی از جذب گرفته تا ...

رکن بعدی بر گرفته از فرمایش امام علی علیه السلام است. باید محتوا، پایه‌های اعتقاداتی باطل را سُست نماید یعنی بر جدال احسن بنا شده بتواند، پرده‌ای ظلمانی که به نام علم به فراگیر منتقل می‌شود را کنار زند و فساد آرای باطل را نمایان سازد. گاهی این آرا در محدوده اعتقادات است و گاه در اندیشه‌ای سیاسی و گاه .... در پایان نیز باید به طرح و ردّ عالمانه و استدلالی "شبهات کثیر الابتلا" و نه لزوماً هر شبهه‌ای اختصاص یابد. اگر دو رکن اول به خوبی بنا شود کار استاد در مرحله بنای رکن سوم سهل‌تر خواهد بود. بنای کلاس و محتوا بر رکن سوم فقط، نه تنها کار ساز نیست بلکه قدم گذاشتن در راهی است بی‌انتها زیرا شبهه هیچ‌گاه تمام نمی‌شود و هر روز خناسان به طرح شبهه‌های نو روی می‌آورند اما اگر فراگیر به نور معرفت مسلح شود بعد از چندی از عهده ردّ بسیاری از شبهات بر می‌آید و هر شبهه‌ای او را در ادامه راه متزلزل نمی‌سازد.

استخراج محتوای معرفت‌زا که بتواند ارکان باطل را سست نماید کاری دشوار و صد البته شدنی است.

### محتوا در درس تاریخ اسلام

با عنایت به این دو نکته بحث محتوا در درس تاریخ اسلام می‌تواند با رویکردهای مختلف مطالعه و ارائه شود و چنانچه که گفته شد استاد مجرب با توجه به احاطه‌ای که به متون مختلف دارد و نیز نیاز دانشجویان، قادر است حتی با ترکیب رویکردهای مختلف، محتوای مورد نیاز را برای هر جلسه درس استخراج، تنظیم و ارائه کند.

برخی از این رویکردها عبارتند از:

**۱. تاریخ نقلی:** سال‌ها قبل در برخی کلاس‌ها، محتوا بر اساس این رویکرد ارائه می‌شد. مشاهده نگارنده حاکی از عدم تاثیرگذاری این نوع رویکرد در ارائه درس تاریخ بود. کتاب تاریخ اسلام مرحوم آیتی نمونه‌ای از متون نقلی در دوره معاصر است.

**۲. تاریخ تحلیلی (ناظر به تحولات سیاسی):** در این نوع رویکرد استاد به تحلیل و چرایی رویدادهای دوره نبوی و امامان می‌پردازد. انتخاب موضوعاتی که بتواند به روشن شدن علت رخدادهای حوادث تاثیرگذار بر مسیر تاریخ منجر گردد، کارآمدی درس را ارتقاء خواهد برد. در صورت اتخاذ چنین رویکردی انتخاب حوادثی که قرار بر تحلیل آن است، بسیار مهم است. در جایی از مقام معظم رهبری نقل می‌شود که آنچه در انتخاب موضوع راهگشاست این است که موضوع از میان حوادثی انتخاب گردد که باز تحلیل آن از اولویت و ضرورت برخوردار باشد. در کلاس‌هایی که مخاطب آن عام است و برای صرفاً شنیدن تاریخ به کلاس نمی‌آید نمی‌توان به تحلیل هر حادثه‌ای پرداخت. در نظر داشتن رویکرد کلان دروس معارف اسلامی نیز می‌تواند به انتخاب حوادث کمک کند. حادثه‌ای برای تحلیل انتخاب شود که به تبیین نقش دین و کارکردهای آن در زندگی و سعادت انسان بینجامد و بتواند در بینش، نگرش، ارزش‌ها، گرایش‌ها و رفتارهای دانشجویان در جهت افزایش دینداری تغییر مطلوب ایجاد نماید. لذا معیار انتخاب حوادث همین امر است و ضروری بودن و اولویت داشتن آن حاکم بر همین امر خواهد بود. استاد به هنگام تدوین طرح درس خود و انتخاب محتوا حتماً این ملاک را باید مد نظر قرار دهد و از انتخاب موضوعات بی‌ثمر یا کم‌ثمر یا غیر ضرور و بدون اولویت اجتناب نماید.

**۳. تاریخ تحلیلی (ناظر به تحولات اقتصادی):** تفاوت این رویکرد با رویکرد قبل نوع موضوع آن است که در اینجا مواد آن اقتصادی است.

**۴. تاریخ تحلیلی (با رویکرد اخلاقی):** در این نوع از منظر اخلاقی به حوادث توجه می‌شود. لذا موضوعاتی مورد توجه قرار می‌گیرد که بتوانند مورد تحلیل اخلاقی قرار گیرند. قاعدتاً در این مورد نیز مانند موردی قبل اولویت و ضرورت داشتن از عناصر مهم در انتخاب حوادث است.

**۵. سبک زندگی:** در ابتدا شاید تصور شود مباحث سبک زندگی صرفاً مباحثی اخلاقی است؛ اما در واقع چنین نیست و این مباحث اعم از آن است. مقصود استفاده از تاریخ اسلام و البته دیگر آموزه‌های اهل بیت علیهم‌السلام به صورت مکمل و متمم برای استخراج قواعد و اصولی ثابت جهت کاربست آن‌ها در زندگی است. مقصود از زندگی نیز عرصه‌های مختلف آن است اعم از خانوادگی، سیاسی، اجتماعی، نظامی و... به نظر می‌رسد این نوع رویکرد نیز از اقبال خوبی در میان دانشجویان محترم برخوردار خواهد بود. اصولاً وقتی جهت‌گیری دروس، کاربردی باشد و دانشجویان با آن احساس قربات کند اثر گذار است. از این رو باید موضوعاتی انتخاب گردد که با نیاز دانشجویان در زندگی روزمره یا کاری امروز یا آینده وی هماهنگ باشد.

**۶. تاریخ فرهنگ:** بعثت نبی اعظم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم انقلابی فرهنگی در جهان آن روز به پا کرد؛ انقلابی که تا امروز و حتی فرداها استمرار خواهد داشت. نگاه به تاریخ از این منظر می‌تواند در تحقق اهداف دروس کمک کند و شاید بتوان ادعا کرد از رویکردهایی است که از ضریب بالایی در مقبولیت دانشجویی برخوردار است. نبی اعظم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم چگونه فرهنگ جاهلی را مورد هدف قرار داد. فرهنگ جایگزین چه ویژگی‌هایی داشت و چگونه جایگزین شد؟ کدام بخش از فرهنگ‌های پیشین را حفظ و کدام بخش را اصلاح کرد و یا توسعه و تعمیق بخشید؟ با عنایت به نمودهای فرهنگ، استاد مجال زیادی برای طرح موضوعات متناسب با نیازهای دانشجویی پیدا خواهد کرد. بررسی باورهای مردم، ارزش‌ها و رفتارهای مختلف در عرصه‌های مختلف زندگی را شامل می‌شود. حقوق، سبک‌های معماری و هنری و ادبیات و شعر و... در همین حوزه قرار خواهد داشت.

**۷. تاریخ تمدن:** نبی اعظم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم با ورود به یرب شهر خود را بنا نهاد، مدینه‌النبی. شهر پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در همان ابتدا به تأسیس اولین دولت اسلامی مبادرت کرد. تشکیل دولت از گام‌های نخستین

برای ایجاد تمدن است. در این دوره به تکمیل پازل فرهنگ تمدنی مبادرت شد. بررسی و تحلیل فرهنگ تمدنی و کارکرد آن در همان دوره و دوره‌های بعد در بخش قبل هم می‌تواند مورد بررسی قرار گیرد. اما از موضوعات اختصاصی تمدن بررسی نظامات تمدنی است. می‌توان هر نظام تمدنی را ذیل اموری چند مورد مطالعه قرار داد. سیاست‌ها و راهبردهای کلان، مدیریت منابع نیروی انسانی، قوانین و مقررات، ساختار و تشکیلات و روابط سازمانی. گفته نشود این اصطلاحات جدید است و در آن دوره قابل تطبیق نیست؛ چون چنین پاسخ داده خواهد شد که گرچه اصطلاح جدید است اما محتوا در همان دولت‌های بسیط هم به فراخور و متناسب با آن زمان وجود داشته است. علاوه بر این که تراث نبی اعظم ﷺ و اهل بیت علیهم السلام طبق پیش فرض‌های کلامی ما قرار است روشنگر آینده بشریت تا ابد باشد؛ لذا از ظرفیت لازم برای چنین امری برخوردار است. بررسی دولت نبوی و علوی که می‌توان ادعا کرد مینیاتور تمدن‌های معیاری را می‌توان از طریق بررسی نظام‌های کلان مانند نظام سیاسی، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و خرده نظام‌های نظامی امنیتی و آموزشی و علمی و ... مورد کنکاش قرار داد که از امور لازم برای جوان امروزی است.

**۸. تاریخ با رویکرد قرآنی (هدایت محور):** قرآن حاوی گزارش‌های تاریخی از دوران قبل از اسلام و تاریخ نبوی است. رویکرد قرآنی رویکردی عبرتی و هدایت محور است. استاد آشنا به این رویکرد می‌تواند تاریخ اسلام را با چنین نگاهی مورد تحلیل و تبیین قرار دهد. چون این نگاه عبرتی است و از سوی حکیم خبیر ارائه شده است، قطعاً بازگویی تجربیات تاریخی ضروری و اولویت‌دار برای بشر امروزی نیز هست. از این رو برآورنده رویکرد مورد نظر دروس معارف اسلامی خصوصاً تاریخ اسلام و اهداف مورد نظر است. پیشنهاد می‌شود حداقل بخشی از کلاس تاریخ اسلام به تاریخ اسلام از منظر قرآن اختصاص یابد.

**۹. تاریخ اسلام با رویکرد تطبیق با سنت‌های تاریخ:** سنت‌های تاریخی در قرآن مورد توجه قرار گرفته است در تراث معصومان علیهم السلام نیز هم چنین. بررسی سنت‌های تاریخی و آشنایی با آن مخاطب را با قوانین کلان حاکم بر تاریخ آشنا می‌سازد. و از این طریق او قادر به پیش‌بینی تاریخی و آینده‌نگری خواهد شد. این بحث‌ها از جذابیت زیادی برای قشر جوان برخوردار است و ضمن ارتقا معرفتی، قادر است به ارتقا بینش که مقصود بصیرت است منجر شود. دانسته شد در ادبیات قرآنی فرقان توانایی است که خداوند به متقین اعطا می‌کند و آنان قدرت تشخیص حق از باطل را پیدا

می‌کنند. فرقان همان بینش است و آشنایی با سنت‌ها و نحوه کارکرد آن‌ها می‌تواند به تحلیل و تشخیص علت رویدادهای تاریخی کمک کرده و نوعی از بصیرت را ایجاد نماید.

#### **۱۰. تاریخ اسلام با رویکرد شرق‌شناسانه تبشیری (تاریخ نقدی):**

مسیحیت از روز آشنایی با دعوت اسلامی و شاید کمی بعدتر اسلام و قرآن را مورد مطالعه قرار داد اما نه از آن روی که حق را بشناسد بلکه از آن رو که با کنکاش بتواند نقاط ضعف حریف را یافته و آن را افشا کند و از گرویدن ناس به آن ممانعت به عمل آورد. ماهیت استشراق مسیحی همین است. متون کهن تاریخ اسلام نیز به عللی مواد مورد نیاز آنان را در اختیارشان قرار می‌دهد؛ از این رو کتب و فضای مجازی، آکنده از شبهات چنین مستشرقانی است. در گام اول معرفت‌زایی استاد می‌تواند فراگیر را در مقابل شبهه واکسینه کند و در گام بعد به جای دفاع باید به رقیب حمله کرد که بهترین دفاع حمله (سست نمودن ارکان باطل) است. البته در گام سوم نوبت به پاسخ‌گویی به شبهات کثیرالابتلا به نحو استدلالی می‌رسد. بحمدالله در این باره منابع به اندازه کافی وجود دارد.

#### **۱۱. تاریخ اسلام با رویکرد شرق‌شناسان منصف:** مستشرقان

طی مطالعات خود بعضاً رویکردی منصفانه به تاریخ اسلام و خصوصاً نبی اعظم ﷺ اتخاذ کرده‌اند. آشنایی اساتید محترم با آرای ایشان و کاربرد به هنگام اطلاعات از چند نظر اثر بخش است: اولاً نشان می‌دهد که هر محقق مسیحی لزوماً به آن نتیجه‌ای که مستشرق تبشیری رسیده، نرسیده است. ثانیاً می‌توان به عنوان مؤید (نه دلیل) از دیدگاه‌های آنان در طول استدلال استفاده کرد؛ که خود حاکی از آن است که آنچه مورد ادعای شرق‌شناسان تبشیری است لزوماً از قدرت استدلالی کافی برای قانع کردن هم‌کیشانان هم برخوردار نیست و ...

#### **۱۲. تاریخ اسلام با رویکرد کلامی (تطبیقی دو مکتب):** تاریخ

اسلام در طول عمر خود از سوی متکلمان برای اثبات و یا تقویت آرای کلامی مورد استفاده قرار گرفته است. تا این جا اتفاق خاصی نمی‌افتد اما وقتی همین امر انگیزه‌ای برای تحریف و حتی جعل تاریخ می‌شود، مشکل آغاز می‌شود. استاد تاریخ اسلام قاعدتاً باید با دو مکتب عمده خلفا و اهل بیت علیهم السلام آشنا باشد تا به هنگام ضرورت، از این نوع اطلاعات برای تبیین، تحلیل و فهم درست آنچه در تاریخ گذشته، استفاده نماید. توجه به این نکته ضروری است که استفاده از این رویکرد در کلاس درس، وقت پیشنهاد می‌شود که زمینه آن از سوی فراگیر فراهم شده و اکتفا به قدر

ضرورت الزامی است. چنین پیشنهادی مبتنی بر دلایلی است که مقام اقتضای آن را ندارد.

**۱۳. تاریخ اسلام با رویکرد عبرت پژوهی:** گفته شد تاریخ اسلام مبتنی بر قرآن هم حاوی رویکردی عبرتی و هم هدایت محور است. اما رویکرد عبرت پژوهی منحصر به استفاده از آیات الهی در قرآن کریم نیست. ماهیت تاریخ اقتضای عبرت گیری را دارد، البته به صورت روشمند. از این رو انتخاب حوادث در راستای رویکرد کلان از سویی و منطبق با اهداف دروس از سوی دیگر استاد را قادر می سازد کلاسی پر نشاط و تاثیرگذار را اجرا نماید. اتخاذ چنین رویکردی دشوار است و به سال ها تمرین نیاز دارد؛ چرا که متاسفانه در طول تحصیل دانش آموخته تاریخ اسلام هیچ گاه با روش عبرت پژوهی آشنا نمی شود و بالمآل تمرینی هم در این مورد ندارد. توصیه ای مبتنی بر تجربه کوتاه نگارنده در برابر اساتید بزرگوار حاکی از اتخاذ رویکردهای ترکیبی است. در پایان برخی کتب که می تواند در روشن ساختن هر یک از این رویکردها یاری رساند، مرور می شود. البته این ها نمونه ای از پژوهش هایی است که در دسترس است. کتبی که از سوی دانشگاه معارف اسلامی منتشر شده برخی از این نوع رویکردها را حکایت گر است.

برای رویکرد ۴، کتاب تاریخ اسلام با گرایش اخلاقی از سوی سرکار خانم دکتر دیالمه. برای رویکرد ۵، سیری در سیره نبوی از استاد شهید مطهری و مجموعه ارزنده ای که درباره سبک زندگی خانوادگی، اجتماعی و ... از استاد دلشاد تهرانی که توسط نشر معارف به چاپ رسیده است. برای رویکرد ۶ و ۷، کتاب تمدن سازی نبوی و علوی از دکتر منتظر القائم مناسب است. برای رویکرد ۸ و ۹ تاریخ اسلام در قرآن آیت الله یعقوب جعفری، تاریخ اسلام در قرآن دکتر کافی و نگاهی دیگر به تاریخ در قرآن مناسب است. برای رویکرد ۱۰ کتاب مستشرقان و پیامبر اعظم نوشته دکتر عبدالمحمدی مناسب است. برای رویکرد ۱۱ کتاب محمد رسول

خدا ﷺ از آنه ماری شمیل، برای اطلاعات بیشتر با نگرش های مستشرقان کتاب محمد در اروپا از خانم مینو صمیمی مناسب است. و برای رویکرد ۱۲ کتاب نقش ائمه در احیای دین از علامه عسکری، الصحیح من سیره النبی الاعظم از مرحوم علامه سید جعفر مرتضی، نمونه ای از کتبی هستند که با این رویکرد نوشته شده و یا به توضیح آن پرداخته است.

دشواری راه نباید ما را از ادامه آن بهراساند بلکه باید به توصیه گوهر بار امام علی علیه السلام باید عمل کرد که می فرماید: «وقتی کاری برایت دشوار آید تو سر سختی بورز، که اگر چنین کنی آن کار بر تو آسان می شود».<sup>۳</sup>

در پایان برای همه همکاران محترم آرزوی موفقیت می کنم.

درس تاریخ اسلام می تواند با رویکردهای مختلف مطالعه و ارائه شود و استاد مجرب نیز با توجه به نیاز دانشجو قادر است با ترکیب رویکردهای مختلف، محتوای مورد نیاز را برای هر جلسه درس استخراج، تنظیم و ارائه کند؛ که عبارتند از: ۱. تاریخ نقلی ۲. تاریخ تحلیلی (ناظر به تحولات سیاسی) ۳. تاریخ تحلیلی (ناظر به تحولات اقتصادی) ۴. تاریخ تحلیلی (با رویکرد اخلاقی) ۵. سبک زندگی ۶. تاریخ فرهنگ ۷. تاریخ تمدن ۸. تاریخ با رویکرد قرآنی (هدایت محور) ۹. تاریخ اسلام با رویکرد تطبیق با سنت های تاریخ ۱۰. تاریخ اسلام با رویکرد شرق شناسانه تبشیری (تاریخ نقدی) ۱۱. تاریخ اسلام با رویکرد شرق شناسان منصف ۱۲. تاریخ اسلام با رویکرد کلامی (تطبیقی دو مکتب) ۱۳. تاریخ اسلام با رویکرد عبرت پژوهی.

حیرت و سرگردانی فرو رفتید. به جانم سوگند! سرگردانی شما بعد از من چند برابر خواهد شد، چرا که حق را پشت سر انداختید و از نزدیک ترین افراد (به پیامبر (ص) که اشاره به خود آن حضرت است) بریده و به دورترین افراد (بنی امیه) پیوستید! بدانید، اگر از پیشوا و رهبر خود پیروی کنید شما را به همان راهی می برد که رسول خدا (ص) از آن راه رفت، از رنجها (ی بی راهه رفتن) آسوده خواهید شد و بار سنگین مشکلات را از گردن خود بر می دارید. نهج البلاغه: خطبه ۱۶۶.

۳. الامام علی (ع): «إِذَا خَفَتْ صُؤْبَةٌ أَمْرٍ فَاصْطَبْ لَهُ يَدْلُ لَكَ وَ خَادِعِ الزُّمَانَ عَنِ أَخْدَائِهِ تَهْنُ عَلَيْهِكَ». آمدی، غرر الحکم، ح ۱۳۴.

۱. دیدار اعضای نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه ها، ۸۹/۴/۲۰.  
۲. «إِيَّهَا النَّاسُ، لَوْ لَمْ تَتَخَذُوا عَنْ نَصْرِ الْحَقِّ، وَ لَمْ تَهِنُوا عَنْ تَوْهِينِ الْبَاطِلِ، لَمْ يَطْمَعْ فِيكُمْ مَنْ لَيْسَ مِثْلَكُمْ، وَ لَمْ يَفَوْ مِنْ قَوَىٰ عَلَيْكُمْ. لَكِنَّكُمْ تَهْتُمُ مَنَاءَ بَنِي إِسْرَائِيلَ. وَ لَعَمْرِي، لِيُضَعْفَنَّ لَكُمْ التَّيْبَةُ مِنْ بَعْدِي أضعافاً يَمَا خَلَقْتُمُ الْحَقَّ وَرَاءَ ظُهُورِكُمْ، وَ قَطَعْتُمُ الْأَدْنَى، وَ وَصَلْتُمُ الْأُبْعَدَ. وَاعْلَمُوا أَنَّكُمْ إِنْ اتَّبَعْتُمُ الدَّاعِيَ لَكُمْ، سَلَكَ بِكُمْ مِثْهَاجَ الرَّسُولِ، وَ كَفَيْتُمْ مَوْؤَنَةَ الْإِعْتِسَافِ، وَ تَبَدَّتُمْ الثَّقَلَ الْفَادِحَ عَنِ الْأَعْنَاقِ؛ ای مردم، اگر شما دست از حمایت یکدیگر، در یاری حق، بر نمی داشتید و در تضعیف باطل سستی نمی کردید، هیچ گاه کسانی که در حد شما نیستند در نابودی شما طمع نمی کردند و آن ها که بر شما مسلط گشتند، مسلط نمی شدند؛ ولی شما همچون بنی اسرائیل به (سبب ترک یاری حق) در



# سرفصل‌های آینده

## دروس معارف اسلامی

### نکاتی برای طرح دروس جدید



دکتر حسین مطیع

استادیار گروه معارف اسلامی دانشگاه صنعتی اصفهان

#### درآمد

قال العسکری عن آبائه عليهم السلام عن رسول الله صلى الله عليه وآله قال: أشدُّ من يُثمُّ اليتيم الذي انقطع عن أبيه يُثمُّ يتيم انقطع عن إمامه ولا يفدُر على الوُصول إليه ولا يدرِي حكمه فيما يُبتلى به من شرائع دينه ألا فَمَن كَانَ مِن شِيعَتِنَا عَالِمًا بِعُلُومِنَا فَهَذَا الْجَاهِلُ بِشَرِيعَتِنَا الْمُتَقَطِّعُ عَن مُشَاهَدَتِنَا بِتَيْمٍ فِي حَجْرِهِ أَلَا فَمَن هَدَاهُ وَأَرْشَدَهُ وَعَلَّمَهُ شَرِيعَتَنَا كَانَ مَعَنَا فِي الرَّفِيقِ الْأَعْلَى<sup>۱</sup>.

بعد از تبرک این وجیزه به حدیث نورانی امام حسن عسکری علیه السلام خدا را شاکرم که بعد از ۲۰ سال تدریس دروس معارف در ۲۰ واحد دانشگاهی و توفیق تالیف ۵ کتاب درسی در این باب، می‌توانم نظرات خود را به استحضار پژوهشگرانی که قصد تغییر دوباره و به جای سرفصل‌های دروس معارف دارند، ارائه نمایم.

هر چند که باید از زحمات ارزشمند سرورانی که در سال ۱۳۸۳ سرفصل‌ها را از ۶ عنوان به ۱۷ عنوان افزایش داده و آن را به تصویب شورای عالی انقلاب فرهنگی رساندند، قدردانی کرد که در زمان خود کاری بی‌بدیل و ضروری بود.

هم اینک بعد از ۱۷ سال جا دارد که از آن تجربیات استفاده کرد و دوباره بازنگری صورت گیرد. یکی از آن تجربیات عدم اقبال گروه‌های معارف و اساتید به برخی از آن دروس مثل «فلسفه اخلاق» «عرفان عملی» و «حقوق اجتماعی سیاسی در اسلام» بود که در اکثر دانشگاه‌های کشور ارائه نمی‌شود.

پس علاوه بر ذخیره آن تجارب ارزشمند ۱۷ ساله، نکات خود را در سه محور تقدیم می‌دارم:

#### ۱. موضوعات

استفاده از موضوعات نیاز محور را که حاصل کار آماری بر روی

دانشجویان کل ایران اسلامی است، پیشنهاد کرده و موضوعات نه چندان جدید زیر را پیشنهاد می‌کنم:

#### الف) مقطع کارشناسی

۱. تعریف دروس پیش‌نیاز الزامی (۱- مهارت‌های تحصیلی (۲ واحد) - ۲- منطق کاربردی (۲ واحد))
۲. افزودن درس «سواد رسانه‌ای» (۲ واحد) به گروه درس انقلاب اسلامی

۳. افزودن درس «دفاع مقدس» (۲ واحد) به گروه درس انقلاب اسلامی

۴. افزودن درس «از گام دوم انقلاب تا تمدن نوین اسلامی» (۲ واحد) به گروه درس انقلاب اسلامی

۵. افزودن درس «دانش خانواده» (۲ واحد) به درس اخلاق اسلامی

۶. افزودن درس «سبک زندگی اسلامی در قرن پانزدهم (۲۱ میلادی)» به درس اخلاق به جای آیین زندگی

۷. افزودن درس «تفکر نقدی یا روش نقد اندیشه‌ها» (۲ واحد) به گروه مبانی نظری اسلام [می‌توان این درس را به مقطع کارشناسی ارشد نیز منتقل کرد]

#### ب) مقطع کارشناسی ارشد

اضافه کردن پنج واحد درس عمومی به صورت الزامی به همه رشته‌ها پیشنهاد می‌شود و به طور مشخص موارد زیر را خاطر نشان می‌شوم:

۱. «اخلاق حرفه‌ای» (۲ واحد) (پزشکی، مهندسی، بازرگانی، وکالت، مدیریت و ...) متناسب با رشته دانشجوی
۲. «علم و دین» (۲ واحد) (اسلام و محیط زیست، دین و

فناوری، علوم انسانی اسلامی و ... متناسب با رشته دانشجو

۳. «الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت» (واحد)

## ۲. محتوا

محتوا باید رسا، کوتاه، بلیغ و براساس نیاز محور بودن مطالب و با تاکید بر پرسش‌های بی‌شمار دانشجویان در هر گرایش و شاخه که توسط معاونت محترم نهاد قیلا جمع آوری و تجزیه و تحلیل شده است، انجام گیرد. به ویژه در مقطع کارشناسی ارشد، اتقان محتوای مناسب با رشته تحصیلی لازم است. هر درس باید مشتمل بر تیترها و عناوین جزئی و مطالب داخل هر عنوان باید کوتاه و شامل مطالب مفید اما مختصر باشد (حداکثر ۱ صفحه).

تازگی و جدید بودن مطالب شرط بقای دروس معارف است. استفاده از محتوای غنی ولی به روز شده تراث کلامی، تفسیری، فلسفی، تاریخی و اخلاقی شیعه حتماً مدنظر قرار گیرد. تنوع مطالب، تناسب با سلیقه و توان هر استاد یا نویسنده کتاب، مد نظر قرار گیرد (درچارچوب کلی مصوب) و از انحصار و محدودیت در کتاب‌ها باید خودداری کرد.

**تذکر مهم:** معرفی و نقد بت‌هایی که در دانشگاه‌های ایران پرستیده می‌شود لازم است؛ بت‌هایی مثل سوپرکتیویته، اومانسیم، سکولاریسم، تکنوکراسی، لیبرالیسم، فرمالیسم علمی و ... تا دانشجو در نیاید آن بت‌های جدید را باید شکست، نمی‌تواند شاهد معارف حقه الهیه را آنچنان که باید بچشد و جزو سبک زندگی‌اش نخواهد شد.

## ۳. روش

فراموش نکنیم، اهمیت نحوه ارائه دروس معارف اسلامی کمتر از محتوای آن نیست. روش آموزشی باید به شکل فعال و مبتنی بر استفاده از رسانه‌های جدید باشد؛ شبیه کتاب‌های آموزش زبان انگلیسی که همراه با نرم افزار ارائه می‌گردد. لازم است دروس معارف نیز همراه با لینک مطالب مورد نظر اعم از فیلم، اسلاید، موشن گرافیک، پاورپوینت، گرافیک، پاورپوینت، کلیپ و ... در سایت نهاد ارائه گردد.

علاوه بر آن، متن خالص همه کتاب‌ها یا جزوات در سایت نهاد بارگزاری شود تا برای کسانی که امکان خرید کتاب کاغذی ندارند، دسترسی به کتاب الکترونیکی میسر باشد؛ یا بتوانند آن را مجازی

خریداری کنند.

نگارش تمرین در بین سطور هر درس و خواهش از دانشجویان برای حل آن‌ها در کلاس، هم فضای کلاسی را متنوع می‌کند و هم مشارکت را به حداکثر می‌رساند.

هم چنین تمرین پژوهشی به عنوان تکلیف جلسه بعد می‌تواند سهمی از نمره نهایی باشد. ارائه تمرین‌های گروهی در خلال یا پایان هر کلاس نیز مطلوب است.

ضمناً تمرکز نمره از امتحان پایان ترم به میان ترم و امتحانات کوئیز و تکالیف منتقل شود. و رسماً اختصاص بیش از ۱۲ نمره برای امتحان پایان ترم ممنوع اعلام شود.

فراموش نکنیم، اهمیت نحوه ارائه دروس معارف اسلامی کمتر از محتوای آن نیست. روش آموزشی باید به شکل فعال و مبتنی بر استفاده از رسانه‌های جدید باشد؛ شبیه کتاب‌های آموزش زبان انگلیسی که همراه با نرم افزار ارائه می‌گردد. لازم است دروس معارف نیز همراه با لینک مطالب مورد نظر اعم از فیلم، اسلاید، موشن گرافیک، پاورپوینت، کلیپ و ... در سایت نهاد ارائه گردد.

ظرفیت کلاس‌ها در همه ایران نیز باید حداکثر ۴۰ نفر باشد و بیش از آن ممنوع گردد و با جدیت این مصوبه اجرا شود.

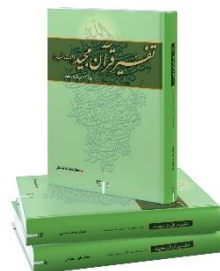
تغییر فضای رسمی درس و بردن کلاس به مکان‌های تاریخی، مذهبی، موزه‌ها، اماکن متبرکه و ... نیز باعث ماندگاری خاطره آن درس در ذهن دانشجویان می‌باشد.

والسلام علینا و علی عبداللہ الصالحین

**پی‌نوشت:**

۱. بحار الانوار، ج ۱۰۵، ص ۱۷۱ و احتجاج ج ۱، ص ۶۶

# تازه‌های کتاب معارف



## تفسیر قرآن مجید (آیات منتخب)

### با تأکید بر تفسیر نمونه

نویسنده: دکتر علیرضا کمالی

ناشر: دفتر نشر معارف

نوبت چاپ: اول/ ۱۳۹۹

درس «تفسیر موضوعی قرآن کریم» از جمله دروس معارف اسلامی دانشگاه هاست که با درایت شورای عالی انقلاب فرهنگی و کمیته برنامه‌ریزی دروس معارف اسلامی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری به عنوان دو واحد در برنامه درسی دانشجویان مقطع کارشناسی و کارشناسی ارشد پیوسته دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی کشور جای گرفته و از زمان تصویب این درس تاکنون کتاب‌های درسی گوناگون با نگاه عام برای همه رشته‌ها و با نگاه تخصصی برای برخی رشته‌های تحصیلی از سوی معاونت پژوهشی دانشگاه معارف اسلامی منتشر شده است.

در این کتاب، گزیده‌ای از آیات نورانی قرآن کریم با توجه به نیاز دانشجویان، تکراری نبودن بحث در مقاطع پیشین تحصیلی و نیز سایر دروس معارف اسلامی، در یک مقدمه و ۶ بخش در ۲۰۸ صفحه سامان یافته و به عنوان کتاب درسی، در اختیار دانشجویان و اساتید محترم دانشگاه‌ها قرار گرفته است.

در این کتاب، ساختار ظاهری قرآن به عنوان مقدمه آمده و سپس قرآن‌شناسی؛ سیمای مؤمن و منافق، ارتباط انسان با خدا از جمله، دعا و نیایش، عبادت و پرستش، و تفسیر سوره حمد؛ روابط اجتماعی؛ روابط سیاسی و روابط اقتصادی این کتاب را تشکیل داده است.



## خانه‌ای مثل بهشت

نویسنده: سید علیرضا تراشبیون

ناشر: دفتر نشر معارف

نوبت چاپ: اول/ ۱۳۹۹

در این کتاب ۱۴۳ صفحه‌ای به برخی از آسیب‌هایی که امروزه دامن‌گیر بسیاری از خانواده‌ها شده و منجر به طلاق به ویژه طلاق عاطفی می‌گردد، پرداخته شده است.

جامعه امروز ما دچار تغییر و تحول‌های اجتماعی، فرهنگی، اخلاقی و... شده است. همه این‌ها سبک زندگی افراد را تغییر داده و

خانواده‌ها با آسیب‌های فراوانی مواجه شده و اختلافات روز به روز گسترش یافته و بنیان خانواده را متزلزل ساخته است. یکی از این آسیب‌ها مسئله طلاق عاطفی یا طلاق خاموش است که برای آن نمی‌توان تعریف دقیق و کاملی ارائه کرد، ولی می‌توان به تبیین این آسیب و بیان برخی از نشانه‌های آن پرداخت. از جمله نشانه‌های این آسیب است: ۱. قهرهای زیاد و طولانی؛ ۲. دعوا و درگیری؛ ۳. کم حرفی؛ ۴. آرامش نداشتن. و یکی از مهم‌ترین دلایل طلاق خاموش یا عاطفی، مهارت نداشتن زوجین است. برای بیشتر روشن شدن این موضوع، در این کتاب، مسیر زندگی به چاده چالوس که جاده‌ای زیبا و پر پیچ و خم است تشبیه شده است، زیرا کسی می‌تواند به سلامت از این جاده عبور کند لذت ببرد که در رانندگی مهارت خوبی داشته باشد.



## اندیشه اسلامی ۲

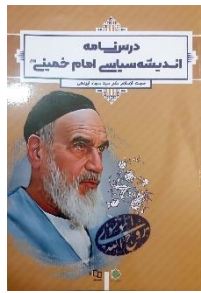
نویسنده: دکتر مهرداد ویس کرمی

ناشر: دفتر نشر معارف

نوبت چاپ: اول/ ۱۳۹۹

این کتاب که از کتاب‌های درسی معارف اسلامی دانشگاه هاست، از سال ۱۳۸۱ تاکنون در قالب جزوه و کتاب برای دانشجویان تدریس شده و با پرسش‌ها و اعمال نظر آن‌ها کامل‌تر گردیده، اکنون با هم‌یاری معاونت پژوهشی دانشگاه معارف اسلامی در شش فصل با ۲۰۸ صفحه به سامان رسیده است.

کتاب اندیشه اسلامی ۲، این مزایا را دارد: ۱. مجموعه‌ای منسجم و دارای ارتباط سیستماتیک است. ۲. در صد دفعه نسبی بی‌مهری نابخشودنی که در طول زمان نسبت به قرآن مجید در اغلب کتب اعتقادی به چشم می‌خورد بر آمده است. ۳. ضمن استناد به منابع اصیل و کهن علوم اسلامی، تعدادی از منابع در دسترس نیز برای مراجعه خوانندگان ارائه شده است. ۴. تلاش بر این بوده که جنبه معنوی و تربیتی کتاب نیز در کنار مباحث نظری فراموش نشود. ۵. شبهات اساسی رایج در بازار فکری جامعه نیز مد نظر نگارنده بوده و سعی شده که با تقویت هنر اندیشیدن به صورت مستدل به آن‌ها پاسخ داده شود. ۶. در انتهای هر فصل پرسش‌هایی مطرح شده که در یادگیری خواننده مؤثر است و این کتاب را به عنوان کتاب درسی اعتقادی در حوزه علمیه و دانشگاه مناسب می‌سازد.



## درس نامه

### اندیشه سیاسی امام خمینی

نویسنده: حجت الاسلام دکتر سید سجاد ایزدهی

ناشر: دفتر نشر معارف

نوبت چاپ: اول/۱۳۹۹

این کتاب که با همیاری معاونت پژوهشی دانشگاه معارف اسلامی، از سه بخش در ۱۶ درس و ۲۸۸ صفحه تشکیل شده است، با مد نظر قرار دادن قرائت امام خمینی از نظام سیاسی، ضمن آشنا کردن دانشجویان با اندیشه‌های امام راحل، مجموعه‌ای کامل و منسجم از اندیشه سیاسی اسلام حداکثری را ارائه کرده است. بخش اول: ذیل کلیات و مفاهیم، علاوه بر زندگی و زمانه امام خمینی، مفاهیم اساسی و مبانی و قواعد اندیشه سیاسی ایشان را بررسی کرده و قواعد فقه سیاسی (قواعدی چون حفظ نظام، تقیه، نفی سبیل، عدالت و لاضرر) و روش‌شناسی استنباط نیز مورد بررسی قرار گرفته است. بخش دوم: مباحث نظری نظام سیاسی اسلام ذیل چهار رکن اساسی حکومت، حاکمیت، جمعیت و سرزمین، ضرورت اساس حکومت، اهداف حکومت، ویژگی‌های حاکم دینی، حدود اختیارات حاکم اسلامی، ضرورت حکومت دینی و کارکردهای این‌گونه حکومت‌ها مورد توجه قرار گرفته است. بخش سوم، مباحث مرتبط با جمهوری اسلامی ایران (جایگاه جمهوری اسلامی و نهادهای حکومتی در اندیشه سیاسی امام خمینی و جریان‌های فکری-سیاسی از آن) و ... مورد بررسی قرار گرفته است.

## جستارهایی دینی و فلسفی

### در تاریخ و تمدن

نویسنده: دکتر سید ضیاءالدین میرمحمدی

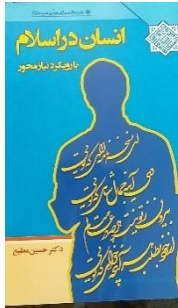
ناشر: دفتر نشر معارف

نوبت چاپ: اول/۱۳۹۹

گروه پژوهشی تاریخ و تمدن اسلامی دانشگاه معارف اسلامی با انتشار کتاب «جستارهایی دینی و فلسفی در تاریخ و تمدن» در سه فصل با ۲۱۶ صفحه امیدوار است که با جدی گرفتن مسائل و درگیر شدن با محورهای اصلی آن، زمینه طرح اندیشه‌های عمیق‌تر و جدیدتری برای اندیشیدن در فلسفه تاریخ و تمدن معاصر به بار آید. هرچند جایگاه موضوع این کتاب در خور توجه است اما آنچه این

اثر را شأن و منزلتی می‌بخشد تبیین فلسفه تاریخ و تمدن از نظرگاه دین است زیرا به جهت ویژگی خاص موضوعات و مسائل مطروحه در فلسفه تاریخ و تمدن و احاطه نداشتن ذهن انسان به وجود گسترده تاریخ، تنها کسانی می‌توانند نگاهی جامع به تاریخ و قوانین و سنن حاکم بر آن داشته باشند که خود حاکم بر تاریخ باشند.

چیستی، اعتبار و کاربست نظریه دینی در علم تاریخ، واگرایی و تمایز فلسفه نظری تاریخ و فلسفه علم تاریخ، تبیین‌شناسی تحلیل‌های عاشورا، نقد و ارزیابی تاریخی در الصحیح من سیره‌النبی الاعظم، فلسفه نظری تاریخ از دیدگاه قرآن، قانونمندی تاریخ و ویژگی‌های آن در قرآن، درآمدی بر چیستی تمدن اسلامی از دیدگاه مستشرقان، تأملی بر طراحی نظام هندسی سبک زندگی اسلامی در مقیاس تمدنی، سبک زندگی عالمان و حاکمان و نسبت آن با تعالی و انحطاط تمدن علی‌البت، و گونه‌شناسی معنای علم در تمدن این کتاب است.



## انسان در اسلام

نویسنده: دکتر حسین مطیع

ناشر: دانشگاه معارف قران و عبرت

نوبت چاپ: اول/۱۳۹۹

این کتاب جلد سوم از مجموعه مبانی نظری اسلام با رویکرد نیاز محور می‌باشد.

موفقیت کتب اندیشه اسلامی ۱ و ۲؛ و کسب جایزه بهترین کتاب درسی در جشنواره «دانش یار»، باعث شد که انسان در اسلام هم در نوبت تألیف قرار گیرد. طبق روال معمول این کتاب چند سال به صورت جزوه نگاشته و به صورت حضوری و مجازی تدریس شد، تا نقاط ضعف و قوت آن از دیدگاه مدرس و دانشجویان برآورد شود.

معرفی ملموس انسان‌شناسی اسلامی، هدف نخست نویسنده بوده و دوم مقایسه آن با انسان‌شناسی غربی مدنظر بوده و برای همین فصل آخر به کتاب اضافه شد.

بنابراین کتاب حاضر شامل سه فصل و ۱۳ درس می‌باشد؛ فصل اول، فرازهایی از انسان‌شناسی اسلامی؛ شامل درس‌های: اهمیت انسان‌شناسی، انسان در قرآن، آفرینش انسان، آزادی فلسفی، عقل و عشق، و تنهایی می‌باشد. فصل دوم، جلوه‌های زندگی دینی؛ شامل: به جد گرفتن زندگی، از خودبیگانگی، معنای زندگی و آرامش، بوده است. و فصل سوم، انسان از دیدگاه دیگران



با (غربیان)، شامل دروس: مقایسه انسان‌ها و اومانیسم، و اگزیستانسیالیسم، و هوش مصنوعی

### مشروطه اسلامی

زندگی و اندیشه سیاسی آخوند خراسانی

نویسنده: علیرضا جوادزاده

ناشر: دانشگاه معارف اسلامی و مؤسسه آموزشی پژوهشی امام

خمینی رحمته الله علیه

نوبت چاپ: اول/ ۱۳۹۹

این کتاب در راستای پاسخی جامع به پرسش «نسبت مشروطه خواهی آخوند خراسانی با دیدگاه وی در زمینه مشروعیت حکومت در عصر غیبت و محدوده ولایت فقیهان» در شش فصل با ۴۴۰ صفحه تنظیم یافته است. فصل اول در دو بخش به ارائه «مفاهیم و چارچوب تحلیل» می‌پردازد. مباحث مطرح شده در چارچوب تفکیک میان «اندیشه سیاسی ثابت» و «الگوی سیاسی» بحثی جدید و ابتکاری است. فصل دوم مروری بر «مشخصات، ویژگی و حیات علمی-اجتماعی» آخوند خراسانی دارد. فصل سوم در باره «روش دین‌شناسی» آخوند خراسانی به بحث می‌پردازد. این فصل در دو بخش با ذکر تاریخچه‌ای از روند دین‌شناسی و سیر اجتهاد در میان علما و فقهای شیعه، میراث برجای مانده از آن در زمان آخوند، و در بخش دوم نوآوری‌های آخوند در علم اصول فقه و روند اجتهاد شیعه را بررسی می‌کند. فصل چهارم به «اندیشه ثابت در حوزه مشروعیت حکومت» و تبیین اندیشه سیاسی آخوند خراسانی در زمینه مشروعیت حکمرانی با تأکید بر عصر غیبت معصوم علیه السلام می‌پردازد. فصل پنجم پاسخی به پرسش «سیاسی مشروطه اسلامی» است. فصل ششم دیدگاه‌ها و تفاسیر رقیب» می‌پردازد.



### این است گرام

نویسنده: مصطفی امینی خواه

ناشر: دفتر نشر معارف

نوبت چاپ: اول/ ۱۳۹۹

این کتاب که ۳ فصل در ۲۵۶ صفحه دارد، بنا دارد قضاوت عادلانه‌ای در باره اینستاگرام داشته باشد. «این است گرام»، اینستاگرام را از لنز حکمت الهی می‌بیند و آداب زیست در این مجازخانه را با نگاهی به سخن اندیشه‌ورزان غرب و هم‌دقت در کلمات دانشمندانی چون امام خمینی رحمته الله علیه و علامه طباطبائی رحمته الله علیه به حقیقت می‌گیرد و ماهیت این شبکه و تهدیدهایی که ورود در این فضا فراهم می‌آورد را کاوش می‌کند.

اینستاگرام و ویژگی‌های آن، مروری بر چیستی اینستاگرام؛ آفت‌های اینستاگرام، اعتیاد، فردباوری، جلب توجه، اختلال شخصیت‌نمایشی، تبرج، اعتبار دزدی، من‌نمایی، دورویی، خود زشت‌انگاری، افسردگی، خود افشایی، بی‌پروایی، زندگی با شخصیت‌های غیر واقعی، تجلی غیر واقعیات، تقویت خیال و وهم، تربیون بی‌تأیید صلاحیت‌ها، تقویت حس فضولی، دگرگونی آرام ارتکازات، پوسیدگی تحلیل و توجه، پایین آوردن ارتباط کلامی و حوصله بصری، با خبر شدن‌های سطحی، زخم شدن زبان معیار؛ فرصت‌های اینستاگرام، فرصت‌های بصری، ارائه کردار به جای گفتار، آموزش و فرهنگ‌سازی، نمادسازی، چهره‌سازی و مدیریت ذهن، اصلاح سبک‌زندگی، محسوس‌سازی معقولات، واقعیت‌سازی جذابیت‌ها، بازنمایی تفاوت‌ها، ایجاد شبکه توزیع، رفع آسیب‌های اجتماعی، تأقیامت لایک، ترویج فرهنگ ورزش، ترویج کتابخوانی، از مباحث مطرح در این کتاب است. و سخن نهایی در باره اینکه چه کسانی نباید اینستاگرام را نصب کنند از جمله سرفصل‌ها و مطالب این کتاب است.



### حضرت هود علیه السلام

نویسنده: محمدرضا عابدینی

ناشر: دفتر نشر معارف

نوبت چاپ: اول/ ۱۳۹۹

این کتاب که از ۲ فصل در ۱۱۸ صفحه تشکیل شده است به تحلیل و بررسی زندگانی حضرت هود علیه السلام می‌پردازد. تحلیل سیره انبیا و اولیای الهی به عنوان حقیقتی زنده و تأثیرگذار در زندگی امروز ما، چه در جانب محبت به آن‌ها و چه در جانب عبرت گرفتن و درس‌آموزی از سرنوشت مخالفان آن‌ها، آن هم در بیان کامل قرآنی، کاملاً لازم و ضروری است. از این رو و با توجه به این که در دوران غیبت اوصیای الهی علیهم السلام همه سنن و موارث انبیای الهی علیهم السلام در کمالات و ابتلائات تکرار می‌شود، برای مصون ماندن از حیل‌های شیطان، این کتاب به مدد آیات قرآن کریم و احادیث اهل بیت علیهم السلام به شناخت و سیره و سنت‌های انبیا علیهم السلام و نحوه برخورد مؤمنان و منافقان و مشرکان و معاندان می‌پردازد. سرفصل‌ها و برخی موضوعات این کتاب عبارت است از: دوران پیش از هود علیه السلام؛ اوضاع پس از نوح علیه السلام؛ ظهور طاغوت‌ها، انتظار در طول تاریخ، معرفی قائم پس از نوح علیه السلام، قدرت‌نمایی الهی در وعده به هود علیه السلام، جامعه‌شناسی قوم هود، سنت تجدید پیمان با امام عصر عجل الله تعالی فرجه، دوران بعثت هود علیه السلام؛ نسب هود، معجزه و تحدی هود علیه السلام، مؤمنان به هود علیه السلام، پرداخت قرآن به حضرت هود علیه السلام، گفتگوی هود علیه السلام با قوم عاد، نجات هود علیه السلام و مؤمنان.



### پیام تسلیت حضرت آیت الله خامنه‌ای در پی درگذشت آیت الله محمد تقی مصباح یزدی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

با تأسف و تأثر فراوان خبر درگذشت عالم ربانی، فقیه و حکیم مجاهد، آیت الله آقای حاج شیخ محمدتقی مصباح یزدی را دریافت کردم. این، خسارتی برای حوزه‌ی علمیه و حوزه معارف اسلامی است. ایشان متفکری برجسته، مدیری شایسته، دارای زبان گویائی در اظهار حق و پای با استقامتی در صراط مستقیم بودند. خدمات ایشان در تولید اندیشه دینی و نگارش کتب راه‌گشا، و در تربیت شاگردان ممتاز و اثرگذار، و در حضور انقلابی در همه میدان‌هایی که احساس نیاز به حضور ایشان می‌شد، حقا و انصافاً کم‌نظیر است. پارسائی و پرهیزکاری خصلت همیشگی ایشان از دوران جوانی تا آخر عمر بود و توفیق سلوک در طریق معرفت توحیدی، پاداش بزرگ الهی به این مجاهدت بلند مدت است. اینجانب که خود سوگوار این برادر قدیمی و عزیز می‌باشم، به خاندان گرامی و فرزندان عالم و صالح و دیگر بازماندگان ایشان و نیز به شاگردان و ارادتمندان این معلم بزرگ و به حوزه‌ی علمیه تسلیت عرض میکنم و علو درجات ایشان و مغفرت و رحمت الهی را برای ایشان مسألت می‌نمایم.

سیدعلی خامنه‌ای  
۱۳ دی ماه ۱۳۹۹

### پیام تسلیت حضرت آیت الله خامنه‌ای در پی درگذشت آیت الله محمد یزدی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

درگذشت عالم مجاهد و پارسا آیت الله آقای حاج شیخ محمد یزدی رضوان الله علیه را به حوزه علمیه معظم قم و مراجع عظام و علمای عالی مقام و جامعه محترم مدرسین و به شاگردان و دوستان و ارادتمندان آن مرحوم و به طور ویژه به خاندان گرامی و فرزندان مکرم ایشان تسلیت عرض می‌کنم. سوابق انقلابی و مبارزات دوران طاغوت در کنار حضور پیوسته و همیشگی در همه دورانهای انقلاب و اشتغال به مسئولیت‌های بزرگ در اداره‌ی کشور همچون ریاست قوه قضاییه و عضویت در شورای نگهبان و مجلس خبرگان و مجلس شورای اسلامی، و در کنار فعالیت علمی و فقهی، شخصیتی جامع و اثرگذار از این عالم جلیل پدید آورده بود. ایمان راسخ به مبانی انقلاب و استقامت در این راه و غیرت دینی و انقلابی، نشانه‌های بارز دیگری از این شخصیت مکرم بود. امید است این وزن سنگین ذخیره معنوی مایه علو درجات ایشان باشد. از خداوند متعال رحمت و مغفرت و رضوان الهی را برای آن مرحوم مسألت می‌کنم.

سیدعلی خامنه‌ای  
۱۹ آذر ۱۳۹۹

# نگاهی بر آثار علمی علامه فقید آیت الله محمدتقی مصباح یزدی رحمته الله علیه



درس‌های اخلاق استاد با موضوع متن حدیث معروف معراج است.

\* رساترین دادخواهی و روشنگری (جلد ۱ و ۲)

\* **انسان‌شناسی** (معارف قرآن ۳)

معارف قرآن مجموعه کتاب‌هایی است که در آن، به دسته‌بندی موضوعی آیات قرآن کریم پرداخته‌اند.

\* **انسان‌شناسی در قرآن** (مجموعه کتب آموزشی معارف قرآن ۳)

در قالب دوازده درس با هدف ارایه مباحث انسان‌شناسی از دیدگاه قرآن تدوین و نگارش یافته است.

\* **آذرخشی دیگر از آسمان کربلا**

مجموعه سخنرانی‌های استاد در محرم ۱۴۲۱ قمری است.

\* **آزادی؛ ناگفته‌ها و نکته‌ها**

در این کتاب دیدگاه‌های ایشان نسبت به مقوله «آزادی» تدوین گردید.

\* **آفتاب مطهر**

مقالات، سخنرانی‌ها و مصاحبه‌های استاد درباره زندگی، اندیشه‌ها و خدمات علمی و فرهنگی استاد شهید مطهری است.

\* **آفتاب ولایت**

\* **دروس فلسفه**

به منظور کمبودها و نارسایی‌ها در تدریس فلسفه و پژوهش‌های فلسفی است.

\* **دروس فلسفه اخلاق**

اولین کتاب جامع فارسی در زمینه مسائل کلی فلسفه اخلاق است.

\* **دین و آزادی**

حاصل دو گفت‌وگو در باب دین و آزادی است.

\* **رابطه علم و دین**

با هدف تبیین رابطه میان علم و دین و بررسی جوانب مختلف، در ۸ فصل است.

\* **راه و راهنماشناسی** (معارف قرآن ۵ و ۴)

پژوهشی در قلمرو مسایل نبوت‌شناسی می‌باشد.

\* **راه‌شناسی** (معارف قرآن ۴)

به دسته‌بندی موضوعی آیات قرآن کریم پرداخته‌اند.

\* **راهنماشناسی** (معارف قرآن ۵)

ادامه درس‌های تفسیر موضوعی قرآن کریم است.

\* **راهیان کوی دوست**



سخنرانی‌های در موضوع مهدویت است.

**\* انقلاب اسلامی؛ جهشی در تحولات سیاسی تاریخ**

حاصل سخنرانی‌های استاد پیش از خطبه‌های نماز جمعه.

**\* اوج پرواز - مجموعه «پرواز تا بی‌نهایت»**

حاصل تقریر بخشی از درس‌های اخلاق استاد در سال‌های ۹۰ و ۹۱ است.

**\* ایدئولوژی تطبیقی**

در نقد گروه‌های ضد اسلامی، التقاطی و ماتریالیستی است.

**\* بال‌های پرواز (۱): آگاهی و بالندگی - مجموعه «پرواز تا بی‌نهایت»**

تقریر درس‌های اخلاق استاد در سال تحصیلی ۹۴-۹۳ است.

**\* بدرود بهار (شرح دعای امام سجاد علیه السلام در وداع با ماه مبارک رمضان)**

شرح و تفسیر دعای چهل و پنجم صحیفه سجادیه در ۲۴ فصل است.

**\* بر درگاه دوست**

سخنرانی‌های استاد درباره گزیده دعا‌های افتتاح، ابوحمزه و مکارم الاخلاق می‌باشد.

**\* بزرگ‌ترین فریضه**

در باب امر به معروف و نهی از منکر است.

**\* به پیشواز خورشید غرب**

گزارشی تحلیلی از سفر استاد به اسپانیا و چند کشور از منطقه آمریکای لاتین است.

**\* به سوی او**

مجموعه‌ای اخلاقی - عرفانی است بر اساس داده‌های قرآنی و روایات معصومین علیهم‌السلام.

**\* به سوی تو**

مکتوب سخنرانی‌های استاد در باره نماز می‌باشد.

**\* به سوی خودسازی**

درس‌هایی است که استاد برای دو سطح متفاوت از دانش‌پژوهان عرضه داشته‌اند.

**\* بهترین‌ها و بدترین‌ها از دیدگاه نهج البلاغه**

تشریح ویژگی‌های بهترین و بدترین بندگان خداوند از نگاه نهج البلاغه است.

**\* آموزش عقاید**

شامل مجموعه‌ای از درس‌های کلامی استاد است.

**\* آموزش فلسفه (جلد ۱ و ۲)**

کتابی پرمحتوا در زمینه فلسفه اسلامی که تاکنون بارها تجدید چاپ شده است.

الگوهای شایسته بندگی خداوند است.

**\* شرح الهیات شفاء (۵ جلد)**

تقریرات درس‌های استاد با محوریت کتاب الهیات شفاء بوعلی سینا.

**\* شرح برهان شفا (۴ جلد)**

شامل متن، ترجمه و شرح مقاله اول از برهان ابن سینا.

**\* شرح جلد اول الاسفار الاربعه (جزء اول تا پنجم)**

**\* شرح جلد دوم الاسفار الاربعه (جزء اول)**

**\* شرح جلد سوم الاسفار الاربعه (جزء اول)**

**\* شرح جلد هشتم الاسفار الاربعه (جزء اول و دوم)**

**\* شرح نهیة الحکمه (۲ جلد)**

محور اصلی این کتاب، نهیة الحکمه مرحوم علامه است.

**\* آیین پرواز**

مجموعه‌ای از درس‌های اخلاقی و عرفانی استاد است.

**\* اخلاق اسلامی**

در قالب دوازده درس برای دانشجویان و طلاب حوزه‌های علمیه است.

**\* اخلاق در قرآن (معارف قرآن ۷؛ جلد اول تا سوم)**

بخش هفتم از سلسله دروس تفسیر موضوعی قرآن کریم توسط استاد است.

**\* اصلاحات؛ ریشه‌ها و تیشه‌ها**

برگرفته از سخنرانی‌های استاد در سال ۱۳۸۰ است.

**\* انسان‌سازی در قرآن (مجموعه کتب آموزشی معارف قرآن ۷)**

در قالب بیست و چهار درس تدوین و نگارش یافته است.

**\* انقلاب اسلامی و ریشه‌های آن**

متنی آموزشی درباره انقلاب اسلامی است.





### \* پاسخ استاد به جوانان پرسشگر

پاسخ‌های استاد به ۸ موضوع از پرسش‌ها درباره نظریه سیاسی اسلام است.

### \* پاسداری از سنگ‌های ایدئولوژیک (در ۶ جلد)

با موضوعات «جهان بینی»، «شناخت»، «ایدئالیسم و رئالیسم»، «علت و معلول»، «حرکت» و «دیالکتیک».

### \* پرتوی از امامت و ولایت در قرآن کریم

اثبات اصل ولایت از منظر شیعه. با تکیه بر آیات قرآن کریم و سنت پیامبر ﷺ است.

### \* پرسش‌ها و پاسخ‌ها (۵ جلد)

پاسخ‌های استاد به پرسش‌های مطرح در نشست‌های حوزویان و دانشگاهیان است.

### \* پند جاوید (۲ جلد)

درس‌های اخلاق استاد در شرح وصیت امیرالمؤمنین ﷺ به فرزندش امام حسن ﷺ است.

### \* پندهای الهی

شرح بخشی از حدیثی قدسی - گفت‌وگوی خداوند و حضرت موسی در کوه طور - است.

### \* پندهای امام صادق ﷺ به ره‌جویان صادق

درس‌های اخلاق استاد در جمع طلاب در سال‌های ۱۳۷۶ - ۱۳۷۸ می‌باشد.

### \* پیام مولا از بستر شهادت

مجموعه مباحث استاد در رمضان ۱۳۷۲ ه. ش است.

### \* پیش‌نیازهای مدیریت اسلامی

کنفرانس‌های ارائه شده استاد در دانشکده مدیریت دانشگاه تهران است.

### \* تعدد قرائت‌ها

بررسی و پاسخ به شبهه مطرح در سال‌های اخیر است.

### \* تعلیقه علی نهایة الحکمه

مشمول بر شروح و حواشی استاد بر نهایة الحکمه و به عربی است.

### \* تماشای فرزاندگی و فروزندگی

مقالات و بیانات استاد درباره علامه طباطبایی است.

### \* توحید در نظام عقیدتی و نظام ارزشی اسلام

سخنرانی‌هایی با عنوان موقعیت توحید در نظام عقیدتی و ارزشی اسلام است.

### \* تهاجم فرهنگی

مجموعه سخنرانی‌های استاد درباره تهاجم فرهنگی است.

### \* جامعه و تاریخ از نگاه قرآن (معارف قرآن ۸)

ادامه سلسله دروس تفسیر موضوعی استاد است.

### \* جامی از زلال کوثر

مجموعه سخنان استاد درباره حضرت فاطمه زهرا ﷺ است.

### \* جان‌ها فدای دین

برگی دیگر از تحلیل واقعه کربلا و عاشورا است.

### \* جرعه‌ای از دریای راز

درس اخلاق در رمضان المبارک سال ۱۴۳۲ ه. ق.

### \* جنگ و جهاد در قرآن

بخشی از تفسیر موضوعی قرآن در جمع طلاب مؤسسه در راه حق است.

### \* جهان‌شناسی (مجموعه کتب آموزشی معارف قرآن ۲)

بخش دوم از مجموعه مباحث معارف قرآن استاد است.

### \* چکیده چند بحث فلسفی

حاصل سلسله کنفرانس‌های استاد در لندن است.

### \* چکیده‌ای از اندیشه‌های بنیادین اسلامی

مجموعه سخنرانی‌های استاد در کشور لبنان است.

### \* حقوق و سیاست در قرآن (معارف قرآن ۹)

ادامه دروس تفسیر موضوعی قرآن در مؤسسه در راه حق است.





بازتاب استاد در قلم شاگردان و پژوهشگران است.

### \* زلال نگاه

مباحث سیاسی - اجتماعی درباره بصیرت است.

### \* زن یا نیمی از پیکر اجتماع

نخستین مقاله استاد در نشریه مکتب تشیع.

### \* زیبایی شرور: شرور و بلا یا: چرایی و وظیفه ما

پاسخ‌گویی به برخی مسایل مطرح درباره حکمت بلاها و مصیبت‌های دنیوی است.

### \* زینهار از تکبر!

شرح و توضیح بر خطبه شریف قاصعه می باشد.

### \* سجاده‌های سلوک (۲ جلد)

درس‌های اخلاق با محوریت مناجات خمسۀ عشر حضرت امام سجاد علیه السلام.

### \* سفر به سرزمین هزار آیین

گزارشی از سفر استاد به کشور هندوستان.

### \* سلسله مناجات اسلام، سیاست و حکومت (۴ جلد)

متن بخشی از سخنرانی‌های پیش از خطبه‌های نماز جمعه تهران است.

### \* سیری در ساحل

بیان و شرح بینش و منش حضرت امام خمینی رحمته الله علیه است.

### \* سیمای پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله در آینه نهج البلاغه

### \* سیمای سرفرازان (۲ جلد)

با هدف ارایه نمونه‌های عینی و

### \* شکوه نجوا

شرحی بر مناجات شعبانیه و مناجات‌المربدین است.

### \* حکیمانه‌ترین حکومت: کاوشی در نظریه ولایت فقیه

در چهار بخش به ارائه مباحث بنیادین نظریه ولایت فقیه و جلوه‌های عملی آن می‌پردازد.

### \* خداشناسی (معارف قرآن ۱)

بخش اول از مجموعه کتب آموزشی مباحث معارف می باشد.

### \* خودشناسی برای خودسازی

### \* در پرتو نور

شامل مباحثی درباره عرفان اسلامی است.

### \* در پرتو آذرخش

این اثر در ادامه کتاب آذرخشی دیگر از آسمان کربلا است، و چهارده سخنرانی استاد در ایام محرم است.

### \* در پرتو ولایت

گفتارهایی درباره مسأله ولایت است.

### \* در جستجوی عرفان اسلامی

مجموعه مباحثی درباره عرفان اسلامی است.

### \* درباره پژوهش

ترسیم مهم‌ترین خطوط کلی پژوهش اصیل و نیز شرح ساحت‌های گوناگون دین‌پژوهی است.

### \* شرح و تفسیر خطبه فدکیه در ۵۶ جلسه است

### \* رستگاران

درس‌های اخلاق استاد با محوریت سوره مومنون و سوره فرقان است.

### \* ره توشه: پندهای پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به ابوذر (۲ جلد)

محور کتاب، موعظه‌های اخلاقی پیامبر(ص) به ابوذر غفاری است.

### \* رهیافت‌ها و ره‌آوردها (۴ دفتر)



### \* صهباى حضور

شرح و تفسير دعای ۴۴ صحیفه سجادیه

### \* طوفان فتنه و کشتی بصیرت

گفتارهای استاد در فتنه‌شناسی است.

### \* عبرت های خرداد

درباره نهضت پانزدهم خرداد است.

### \* عروج تابی نهایت

این اثر درباره نماز است

### \* فازهای پرواز (۱)

تقریر درس‌های اخلاق استاد در سال‌های ۹۱ و ۹۲ است.

### \* قرآن‌شناسی (معارف قرآن ۶)

تقریر دروس تفسیری استاد به قلم محمود رجبی است.

### \* کاوش‌ها و چالش‌ها (۲ جلد)

سلسله سخنرانی‌های استاد در کانون بسیج اساتید دانشگاه علم و صنعت ایران است.

### \* کلمة حول فلسفة الاخلاق

به زبان عربی نگاشته شده است.

### \* کیهان‌شناسی (معارف قرآن ۲)

### \* لقاء الهی

بخشی از مباحث قرآنی درباره حرکت به سوی لقاء خداوند می‌باشد.

نگارش و تدوین یافته است.

### \* نقش تقلید در زندگی انسان

سخنرانی‌های ماه مبارک رمضان سال ۱۳۸۱ در دفتر مقام معظم رهبری است.

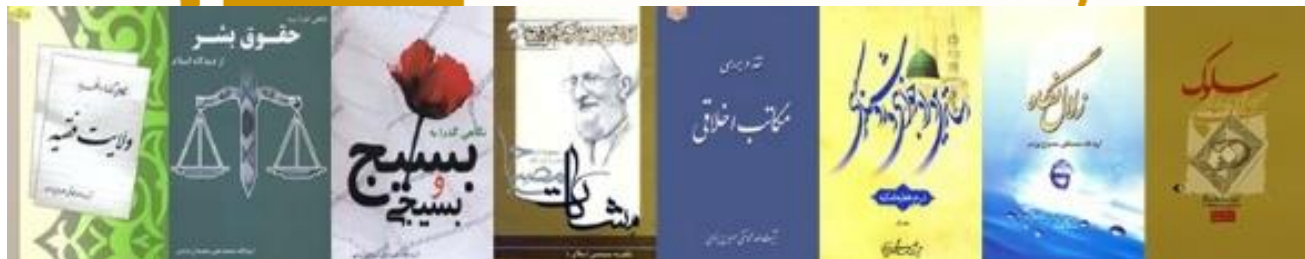
### \* نگاهی گذرا به نظریه ولایت فقیه

### \* نگاهی گذرا به حقوق بشر از دیدگاه اسلام

در ۱۱ فصل تدوین و نگارش یافته است.

### \* هم‌اندیشی معرفت‌شناسی

مبانی و دیدگاه‌های فلاسفه اسلامی در حوزه معرفت‌شناسی برای پژوهشگران است.



### \* مباحثی درباره حوزه

سخنرانی‌ها و مصاحبه‌ها درباره روحانیت و حوزه می‌باشد.

### \* نظریه حقوقی اسلام (۲ جلد)

سخنرانی‌های قبل از خطبه‌های نماز جمعه تهران است.

### \* نظریه سیاسی اسلام (۲ جلد)

در دو جلد با عنوان‌های «قانون‌گذاری» و «کشورداری» است.

### \* نقد و بررسی مکاتب اخلاقی

مجموعه درس‌های فلسفه اخلاق است.

### \* نقدی فشرده بر اصول مارکسیسم

مجموعه‌ای از درس‌های استاد است که توسط مصطفی ملکیان

## انتصابات دفاتر نهاد

ردیف	نام و نام خانوادگی	دانشگاه محل خدمت	سمت	تاریخ حکم
۱	مهدی یعقوبی	فسا	سرپرست دفتر	۱۳۹۹/۰۱/۲۶
۲	محمد خلیلی	پیام نور آذربایجان شرقی	سرپرست دفتر	۱۳۹۹/۰۲/۲۱
۳	حمید علی نسب	پیام نور اردبیل	سرپرست دفتر	۱۳۹۹/۰۲/۲۴
۴	جعفر علوی کیا	پیام نور خوزستان	مسئول دفتر	۱۳۹۹/۰۴/۰۸
۵	علی محمد عباسی	گیلان	مسئول دفتر	۱۳۹۹/۰۴/۲۳
۶	محمد حسین صغیرا	دانشگاه علوم پزشکی شهرکرد	سرپرست دفتر	۱۳۹۹/۰۴/۳۱
۷	جمال الدین سلیمانی کیاسری	فرهنگیان هرمزگان	سرپرست دفتر	۱۳۹۹/۰۵/۲۲
۸	محمد مهدی حاجیلوئی محب	بوعلی همدان	سرپرست دفتر	۱۳۹۹/۰۵/۲۷
۹	علی محبی دهلقی	علوم پزشکی کرمانشاه	سرپرست دفتر	۱۳۹۹/۰۵/۲۷
۱۰	جواد افشارنجفی	رازی کرمانشاه	سرپرست دفتر	۱۳۹۹/۰۵/۲۷
۱۱	محسن قلندری	یاسوج	سرپرست دفتر	۱۳۹۹/۰۶/۰۳
۱۲	محمد جواد نورمحمدی	فرهنگیان استان مرکزی	سرپرست دفتر	۱۳۹۹/۰۶/۰۳
۱۳	رضا موحد	آزاد استان سیستان و بلوچستان	سرپرست دفتر	۱۳۹۹/۰۶/۱۷
۱۴	محمد باقر حیدری نسب	علوم پزشکی زابل	سرپرست دفتر	۱۳۹۹/۰۶/۱۸
۱۵	شهاب میرزایی	فرهنگیان سیستان و بلوچستان	سرپرست دفتر	۱۳۹۹/۰۶/۱۸
۱۶	عزیزاله شیخ	مجتمع آموزش عالی سراوان	سرپرست دفتر	۱۳۹۹/۰۶/۱۹
۱۷	حبیب حاتمی کن کبود	لرستان	سرپرست دفتر	۱۳۹۹/۰۶/۲۶
۱۸	حبیب حاتمی کن کبود	استان لرستان	رئیس دفاتر	۱۳۹۹/۰۶/۲۷
۱۹	سید مهدی ساداتی نژاد	استان تهران	رئیس دفاتر	۱۳۹۹/۰۶/۳۰
۲۰	رضا نوروزی	قم	مسئول دفتر	۱۳۹۹/۰۷/۰۲
۲۱	محمد بارانی	پیام نور سمنان	سرپرست دفتر	۱۳۹۹/۰۷/۰۵
۲۲	رضا ایمانی خواه	حکیم سبزواری	سرپرست دفتر	۱۳۹۹/۰۷/۰۵
۲۳	حیدر عباسی شریف آباد	فرهنگیان آذربایجان غربی	سرپرست دفتر	۱۳۹۹/۰۷/۱۲
۲۴	محمد مهدی شمسی	آزاد استان آذربایجان شرقی	سرپرست دفتر	۱۳۹۹/۰۷/۱۲
۲۵	علی جولای	صنعت نفت	سرپرست دفتر	۱۳۹۹/۰۷/۱۲
۲۶	سجاد بیگی	آزاد آذربایجان شرقی	سرپرست دفتر	۱۳۹۹/۰۷/۱۲
۲۷	مجید مویدی	فرهنگیان لرستان	سرپرست دفتر	۱۳۹۹/۰۸/۲۱
۲۸	اسماعیل امامی	علوم پزشکی یزد	سرپرست دفتر	۱۳۹۹/۰۸/۲۸
۲۹	سجاد نظری	فرهنگیان ایلام	سرپرست دفتر	۱۳۹۹/۰۹/۲۷

## انتصابات امور گروه‌های معارف اسلامی

ردیف	نام و نام خانوادگی	دانشگاه	سمت	تاریخ
۱.	ایوب مباشری	آزاد اسلامی سروستان	مدیر گروه	۹۹/۱/۲۵
۲.	سید حسن سیدی	آزاد اسلامی علی آباد کتول	مدیر گروه	۹۹/۲/۰۱
۳.	عباس فرید افشار	کردستان	مدیر گروه	۹۹/۲/۸
۴.	امیر جعفری بابوکانی	آزاد اسلامی شهرکرد	مدیر گروه	۹۹/۲/۸
۵.	محمد مهدی مسعودی	آزاد اسلامی اقلید	مدیر گروه	۹۹/۲/۱۳
۶.	شهاب داراب پور	آزاد اسلامی مسجد سلیمان	مدیر گروه	۹۹/۲/۲۱
۷.	غلامرضا مهدوی	غیرانتفاعی مولوی	مدیر گروه	۹۹/۲/۲۳
۸.	احمد رضا بهنیا فر	آزاد اسلامی دامغان	مدیر گروه	۹۹/۲/۲۳
۹.	مهدی عبادی	علوم پزشکی شاهرود	مدیر گروه	۹۹/۲/۲۴
۱۰.	مهدی یعقوبی	علوم پزشکی فسا	مدیر گروه	۹۹/۲/۲۴
۱۱.	رضا الله دادی	علوم پزشکی کرمان	مدیر گروه	۹۹/۲/۲۴
۱۲.	سید محمد معصومی	علوم پزشکی همدان	مدیر گروه	۹۹/۲/۲۴
۱۳.	احمد رزمخواه	حکیم سبزواری	مدیر گروه	۹۹/۲/۲۴
۱۴.	احسان ترکاشوند	ملایر	مدیر گروه	۹۹/۲/۲۴
۱۵.	اسماعیل محمدی	آزاد اسلامی هشتگرد	مدیر گروه	۹۹/۳/۰۶
۱۶.	مرتضی کیان پور	آزاد اسلامی صفادشت	مدیر گروه	۹۹/۳/۶
۱۷.	سامره شاهدی	آزاد اسلامی آباده	مدیر گروه	۹۹/۳/۸
۱۸.	سید جواد سید علیزاده گنجی	آزاد اسلامی قائم شهر	مدیر گروه	۹۹/۳/۱۳
۱۹.	علی غلامی دهقی	علوم پزشکی اصفهان	مدیر گروه	۹۹/۳/۱۷
۲۰.	حیدر رضا مهتدی	علوم پزشکی دزفول	مدیر گروه	۹۹/۴/۰۱
۲۱.	محمد معرفت	آزاد اسلامی تهران شمال	مدیر گروه	۹۹/۴/۱
۲۲.	اقدس گاراژیان	آزاد اسلامی نیشابور	مدیر گروه	۹۹/۴/۱
۲۳.	مسعود شاهمرادی	علوم پزشکی زنجان	مدیر گروه	۹۹/۴/۲
۲۴.	حسن صالحی	هنر تبریز	مدیر گروه	۹۹/۴/۸
۲۵.	مهرداد آقاشریفیان	هنر اصفهان	مدیر گروه	۹۹/۴/۸
۲۶.	محمد جواد زنجانی طبسی	آزاد اسلامی طبس	مدیر گروه	۹۹/۴/۹
۲۷.	حمیدرضا سروریان	حضرت معصومه <small>علیها السلام</small>	مدیر گروه	۹۹/۴/۱۴
۲۸.	اصغر شاهرخی ساردو	علوم پزشکی جیرفت	مدیر گروه	۹۹/۴/۱۴
۲۹.	محمد جواد قائمی	آزاد اسلامی نوشهر	مدیر گروه	۹۹/۴/۱۵
۳۰.	معصومه قربانی	آزاد اسلامی لاهیجان	مدیر گروه	۹۹/۴/۱۷
۳۱.	فرشته نورعلیزاده	آزاد اسلامی میانه	مدیر گروه	۹۹/۴/۲۲
۳۲.	اشرف جناتی	علوم پزشکی گیلان	مدیر گروه	۹۹/۴/۲۵
۳۳.	علی محمد جعفری نژاد	تفرش	مدیر گروه	۹۹/۴/۲۵
۳۴.	حدیث رجیبی	الزهراء <small>علیها السلام</small>	مدیر گروه	۹۹/۴/۲۸
۳۵.	محمد ناصحی	آزاد اسلامی کاشان	مدیر گروه	۹۹/۲/۲۹
۳۶.	محمد یار محمدی	جیرفت	مدیر گروه	۹۹/۴/۳۱

ردیف	نام و نام خانوادگی	دانشگاه	سمت	تاریخ
۳۷.	منیژه امیرزاده	آزاد اسلامی رودان	مدیر گروه	۹۹/۵/۵
۳۸.	جلال وهابی همابادی	آزاد اسلامی نائین	مدیر گروه	۹۹/۵/۱۱
۳۹.	سید جمال الدین آل رسول	آزاد اسلامی جلفا	مدیر گروه	۹۹/۵/۱۳
۴۰.	سید جمال الدین آل رسول	آزاد اسلامی هادی شهر	مدیر گروه	۹۹/۰۵/۱۳
۴۱.	رحیم سیاح	صنعت نفت اهواز	مدیر گروه	۹۹/۵/۲۵
۴۲.	سیدعلی هاشمی خان عباسی	کشاورزی و منابع طبیعی ساری	مدیر گروه	۹۹/۵/۲۵
۴۳.	علی نائیجی	غیرانتفاعی شمال	مدیر گروه	۹۹/۵/۲۵
۴۴.	روح الله مروتی شریف آباد	آزاد اسلامی اردکان	مدیر گروه	۹۹/۵/۳۰
۴۵.	حسین رحمتی	علوم پزشکی لرستان	مدیر گروه	۹۹/۶/۱
۴۶.	روح اله بیاتی زاده	آزاد اسلامی گلپایگان	مدیر گروه	۹۹/۶/۱۶
۴۷.	مرتضی مقتدائی	آزاد اسلامی اهر	مدیر گروه	۹۹/۶/۱۸
۴۸.	ابوالفضل خوشی	علوم پزشکی ساوه	مدیر گروه	۹۹/۶/۳۰
۴۹.	عباس بخشنده	مازندران	مدیر گروه	۹۹/۷/۵
۵۰.	یدالله سپهری	مرکز رشد واحدهای فناوری دانشگاه علوم کشاورزی گرگان	مدیر گروه	۹۹/۷/۱۴
۵۱.	حسام الدین خلعتبری	علامه طباطبائی	مدیر گروه	۹۹/۷/۲۳
۵۲.	حسین فقیه	خلیج فارس ( بوشهر)	مدیر گروه	۹۹/۷/۲۹
۵۳.	ابراهیم قاسمی روشن	گیلان	مدیر گروه	۹۹/۸/۵
۵۴.	غلامرضا ضابط پور	صنعتی نوشیروانی بابل	مدیر گروه	۹۹/۸/۲۱
۵۵.	ساره تقوایی	چهرم	مدیر گروه	۹۹/۸/۲۵
۵۶.	سید زین العابدین سجادی	علوم پزشکی ایرانشهر	مدیر گروه	۹۹/۹/۱
۵۷.	محمدرضا نیتی	آزاد اسلامی گرمسار	مدیر گروه	۹۹/۹/۱
۵۸.	کریم بیرامی	غیر انتفاعی عین القضاة	مدیر گروه	۹۹/۹/۳
۵۹.	سید عبدا... محمودی	علوم پزشکی اراک	مدیر گروه	۹۹/۹/۱۱
۶۰.	سید شهاب الدین حسینی	دانشگاه خوارزمی	مدیر گروه	۹۹/۹/۱۱
۶۱.	کریم عسکری غنچه	علوم پزشکی قزوین	مدیر گروه	۹۹/۹/۱۹
۶۲.	محسن مظاهری نیا	علوم پزشکی بزم	مدیر گروه	۹۹/۹/۱۹
۶۳.	سید یحیی کاظمی	علوم پزشکی شهرکرد	مدیر گروه	۹۹/۹/۲۵
۶۴.	عزت اله نصیری	آزاد اسلامی ورامین (پیشوا)	مدیر گروه	۹۹/۹/۲۵
۶۵.	وحید یادگاری	علوم پزشکی کردستان	مدیر گروه	۹۹/۱۰/۳
۶۶.	عباس قربانی	تهران (مبانی)	مدیر گروه	۹۹/۱۰/۳
۶۷.	سید حسن قاضوی	تهران (تاریخ)	مدیر گروه	۹۹/۱۰/۳
۶۸.	غلامعلی سلیمانی	تهران (انقلاب)	مدیر گروه	۹۹/۱۰/۳
۶۹.	صدیقه بحرانی	آزاد اسلامی بیضا	مدیر گروه	۹۹/۱۰/۲۹
۷۰.	ابراهیم اخلاقی	آزاد اسلامی تالش	مدیر گروه	۹۹/۱۱/۲۳



## کانال های ایتا و سروش نشریه معارف

به آدرس

[@maarefmags.ir](https://www.maarefmags.ir)

- مطالب به روز
- آرشیو غنی (۱۱۵ شماره)
- مقاله، گفتگو، اخبار علمی و صنفی، تازه های معارفی ...

# این فضا را خط کشی کنید



فضای مجازی بدون اختیار ما، دارد مدیریت میشود و عوامل مسلط بین‌المللی در این فضا از لحاظ خبردهی، خبررسانی، تحلیل داده‌ها و هزاران کار دیگر بشدت فعالند. نمیشود مردمان را در این فضا، بی‌پناه رها کنیم.